



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

**عملکرد بانوان راوی شیعه
در عصر ابناء الرضا «ع»**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عملکرد بانوان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا علیه السلام

نویسنده:

نجمه صالحی

ناشر چاپی:

موسسه آموزشی تالیفی ارشدان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	عملکرد بانوان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا علیه السلام
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۲	پیشگفتار ناشر
۱۴	پیشگفتار
۱۸	مقدمه
۲۰	فصل اول: کلیات و مفهوم شناسی
۲۰	گفتار اول: کلیات
۲۰	تبیین موضوع و اهداف مورد نظر
۲۲	تحقیقات انجام شده ی پیشین
۲۷	گفتار دوم: مفهوم شناسی
۲۷	اشاره
۲۷	الف) گونه شناسی
۲۷	ب) عملکرد
۲۹	ج) زنان راوی
۳۰	د) شیعه
۳۲	□ ابناء الرضا (علیهم السلام)
۳۴	فصل دوم: گونه شناسی بانوان در عصر ابناء الرضا(علیهم السلام)
۳۴	اشاره
۳۵	گفتار اول: اوضاع سیاسی و اجتماعی در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام)
۴۰	گفتار دوم: گونه شناسی بانوان مسلمان در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام)
۴۰	اشاره
۴۱	الف) گونه شناسی از جهت حضور سیاسی - اجتماعی و تأثیر گذاری

۴۳	ب) گونه شناسی از جهت نوع ارتباط با جریان تشیع
۴۴	گفتار سوم: گونه شناسی بانوان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام)
۴۴	اشاره
۴۵	الف) بستگان ابناء الرضا (علیهم السلام)
۵۱	ب) غیر بستگان ابناء الرضا (علیهم السلام)
۵۸	فصل سوم: گونه شناسی عملکرد فرهنگی زنان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام)
۵۸	اشاره
۵۹	گفتار اول: عملکرد تعلیمی - تبیینی
۵۹	الف) عملکرد تعلیمی
۶۷	ب) عملکرد تبیینی
۷۲	گفتار دوم: عملکرد ترویجی - تبلیغی
۷۶	فصل چهارم: گونه شناسی عملکرد اجتماعی و سیاسی زنان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام)
۷۶	اشاره
۷۷	گفتار اول: عملکرد اجتماعی زنان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام)
۷۷	اشاره
۷۸	الف) ایجاد پل ارتباطی بین امام و شیعیان
۸۰	ب) همزیستی مسالمت آمیز در مواجهه با فرقه ها
۸۳	گفتار دوم: عملکرد سیاسی زنان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام)
۸۳	اشاره
۸۴	الف) مدیریت بحران
۹۲	ب) وصایت و محافظت از اسرار امامت
۹۷	نتیجه گیری از مباحث مطرح شده
۱۰۱	جداول و نمایه ها
۱۰۹	فهرست منابع
۱۲۲	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه : صالحی، نجمه، 1360_

عنوان و نام پدیدآور : عملکرد بانوان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا (علیه السلام)/ نجمه صالحی.

مشخصات نشر : تهران: موسسه آموزشی تالیفی ارشدان، 1399.

مشخصات ظاهری : 100 ص .

شابک : 4 - 978-622-275

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع: محدثان زن __ تاریخ __ 203 _ 260 ق.

موضوع: Women transmitters of the Hadith -- History -- 816 - 873

موضوع: زنان شیعه __ تاریخ __ 203 _ 260 ق.

موضوع: *Women, Shiite -- History -- 816 - 873

رده بندی کنگره : BP52/5

رده بندی دیویی : 297/292

شماره کتابشناسی ملی : 7426717

خیر اندیش دیجیتال: موسسه مددکاری و خیریه ایتام امام زمان (عج) شهرستان بروجن

ویراستار دیجیتال: زینب رمضان

ص: 1

اشاره

عملکرد بانوان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا (علیه السلام)

نجمه صالحی

ص: 3

سرشناسه : صالحی، نجمه، 1360_

عنوان و نام پدیدآور : عملکرد بانوان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا (علیه السلام) / نجمه صالحی.

مشخصات نشر : تهران: موسسه آموزشی تالیفی ارشدان، 1399.

مشخصات ظاهری : 100 ص .

شابک : 4- 275-622-978

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع: محدثان زن __ تاریخ __ 203 _ 260 ق.

موضوع: Women transmitters of the Hadith -- History -- 816 - 873

موضوع: زنان شیعه __ تاریخ __ 203 _ 260 ق.

موضوع: *Women, Shiite -- History -- 816 - 873

رده بندی کنگره : BP52/5

رده بندی دیویی : 297/292

شماره کتابشناسی ملی : 7426717

وضعیت رکورد: فیپا

موسسه آموزشی تالیفی ارشدان

نام کتاب: عملکرد بانوان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا (علیه السلام)

مؤلف : نجمه صالحی

ناشر: آموزشی تالیفی ارشدان

ویرایش : اول

نوبت چاپ: اول 1399

حروفچینی و صفحه آرایی : www.irantypist.com

طراح و گرافیست: www.irantypist.com

شابک: 978_622_275_730_4

شمارگان: 1000

مرکز خرید آنلاین: www.arshadan.com

www.arshadan.net

مرکز پخش و توزیع: 021476255

قیمت: 35000 تومان

ص: 4

به نام ایزد دانا که آغاز و انجام از آن اوست

هرگز دل من زعلم محروم نشد *** کم ماند زاسرار که مفهوم نشد

اکنون که به چشم عقل در می نگرم *** معلوم شد که هیچ معلوم نشد

ای دانای بی همتا، ای بخشنده ایی که ناخواسته عطا فرمایی و هر نیازمندی را به عدالت بی نیاز گردانی، مگر اینکه نالایق باشد و آن عنایت را به باژگونه از دست دهد. در عرصه پیشرفت تکنولوژی در هزاره سوم، هنوز نیاز بر مطالعه کتاب در کنار استفاده از منابع کامپیوتری و اینترنت احساس می شود. از این بابت خوشحالیم که می توانیم در جهت اعتلای علم، دانش و فرهنگ کشور قدمی هر چند کوچک برداریم.

و من الله التوفیق

دکتر شمس الدین یوسفیان

مدیر مسئول انتشارات ارشدان

ص: 5

جریان‌ها و فرقه‌های مختلف اسلامی به تناسب نوع آموزه‌ها و شرایط اجتماعی خود از بانوان به عنوان نیمی از جمعیت جوامع بهره‌برده‌اند. زنان براساس میزان اعتقاد و ایمانشان به مکاتب و مذاهب مختلف و اقتضای شرایط زمانه در فعالیتهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مشارکت فعال داشته‌اند. از عناصر فرهنگی مهم در عصر حضور ائمه (علیهم السلام) بویژه در زمانه امامان معروف به ابناء الرضا (علیهم السلام) بانوان راوی شیعه‌ای بودند که ضمن نقل روایات، در ترویج فرهنگ معصومان (علیهم السلام) و مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی فعالیت می‌کردند. عملکرد زنان راوی شیعه در زمینه‌های گوناگون می‌تواند الگوی مناسبی برای زنان شیعه امروزی باشد تا در پرتو الگوگیری از این مجاهدان در ایجاد زمینه مشارکت زنان در عرصه‌های تربیتی، تبلیغی، اجتماعی و سیاسی مؤثر باشند. در نوشتار حاضر با استفاده از مستندات تاریخی و رجالی در منابع متقدم و روش توصیفی-تحلیلی ابتدا زنان راوی شیعه عصر ابناء الرضا (علیهم السلام) معرفی و سپس دامنه عملکرد آنان تبیین و تحلیل می‌شود. براساس یافته‌های این کتاب، زنان راوی شیعه در بخش فعالیت فرهنگی علاوه بر آموزش و ترویج آموزه‌ها و انتقال معارف عمومی، به تبیین جایگاه امامت و معرفی امام هر عصر بویژه زمینه‌سازی برای دوره مهدوی فعالیت قابل توجهی داشتند. در زمینه اجتماعی افزون بر اینکه پل ارتباطی میان امام و شیعیان بودند، با فرقه‌ها و جریان‌های عصر خود همزیستی مسالمت‌آمیز داشتند و زیبایی‌های آموزه‌های اهل بیت (علیهم السلام) را تبلیغ می‌کردند. در حوزه فعالیت‌های سیاسی نیز ضمن مدیریت بحران ناشی از شرایط دوره ابناء الرضا (علیهم السلام) از طریق هجرت و زمینه‌سازی برای عصر غیبت امام زمان (عج الله فرجه) در محافظت از اسرار امامت و مخفی نگه داشتن آن با هدف حفظ امام و استمرار امامت تلاش می‌کردند.

با تشکر از راهنمایی‌های سرکار خانم ناهید طیبی

عملکرد زنان روایتگر در دوران ابناء الرضا (علیهم السلام) (از سال 203 الی 260 ق) در عرصه های گوناگون، به عنوان افرادی که ارتباط نزدیکی با معصومان (علیهم السلام) داشته و در مواقعی یاور امام معصوم در برون رفت از بحران های فرارو بوده اند، از موضوعاتی است که با در کنار هم گذاشتن تکه های پراکنده ی گزاره های تاریخی می توان به آن پی برد.

گزارش های موجود و بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی نشان می دهد، در زمانه امام جواد و امامین عسکریین (علیهم السلام) شرایط برای مردان شیعه دشوار و دایره ی فعالیت شان محدودتر گردید لذا بانوان راوی شیعه با درک صحیح از شرایط موجود، در میدان های مختلف فعالیت داشته اند و بعنوان یاران پنهان معصوم (علیه السلام) حول دفاع از جایگاه امامت، عملکردهای متفاوتی را ایفا کرده اند لکن شرایط زیستی، فرهنگی و اجتماعی، موجب نادیده گرفتن بسیاری از آنها شده است؛ البته گرایش تاریخ نویسان سده های نخستین به حکومت ها و بی توجهی به نقش زنان و تأثیر آنان در جامعه، در عدم ثبت فعالیت های بانوان شیعه بی اثر نبوده است.

به دلیل شباهت دوره ابناء الرضا (علیهم السلام) به عصر حاضر و عدم دیدار حضوری و مستقیم معصوم (علیه السلام) بررسی اقدامات ثمر بخش بانوان راوی شیعه در میدانهای مختلف لازم به نظر میرسد؛ بر خلاف اهمیتی که این مسئله دارد، اثر مستقلی پیرامون آن یافت نشد و نوشتار پیش رو، درصدد است با تکیه بر اسناد و منابع تاریخی و با روش توصیفی _ تحلیلی گامی در جهت شناسایی عملکرد زنان راوی عهد ابناء الرضا (علیهم السلام) در صحنه های مختلف بردارد.

تبیین موضوع و اهداف مورد نظر

بررسی کتب تاریخی، رجالی و تراجم که مُعَرِّف اصحاب و راویان رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و امامان معصوم (علیهم السلام) هستند، نشان می دهد که تعداد قابل توجهی از بانوان شیعه، ناقل احادیث بودند. این مطلب افزون بر اینکه نشان دهنده اهمیت دادن اسلام به بانوان است، بیان کننده وضعیت تاریخ اجتماعی عصر اهل بیت (علیهم السلام) نیز می باشد؛ چرا که برخی از این زنان علاوه بر نقل حدیث، به فعالیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می پرداختند.

زمانه ابناء الرضا (علیهم السلام) موقعیت مردان شیعه دشوار و محدوده فعالیت شان تنگ تر گردید. به دلیل نزدیکی روزگار ایشان به عصر غیبت و افزایش محدوده ی جغرافیایی جهان اسلام و عدم سهولت دسترسی مستقیم و بی واسطه به امام معصوم (علیه السلام) ضروری است به بانوان راوی آن عصر به عنوان یاران ناآشکار و پنهان معصومان (علیهم السلام) و واسطه های امام و شیعیان، که خطر کمتری آنان را تهدید می کرد، توجه ویژه ای شود. همچنین با شناخت و تحلیل عملکرد این بانوان، میزان تأثیر و نفوذ آنان در تاریخ تشیع نیز استخراج می گردد.

محدودیت تاریخی شیعیان و کمبود گزارش های تاریخی مربوط به بانوان و در هم تنیدگی تاریخ با دانش حدیث، تفسیر، فقه و گرایش های گوناگون فکری باعث می شود تا امکان ارائه پرداختن به ابعاد مختلف موضوع بانوان کمی سخت به نظر برسد. بیشترین مطالبی که در کتب رجالی و تاریخی از بانوان راوی نقل شده، مسئله نقل روایت است اما کمتر به دیگر ابعاد شخصیتی آنها و عملکرد تأثیرگذار آنان در اجتماع شیعه و چه بسا در میان عموم مسلمانان پرداخته شده است. شناخت و تحلیل گونه های مختلف فعالیت بانوان راوی شیعه، در دوران معصومان (علیهم السلام) و تأثیر گذاری آنان در تاریخ، بایسته است، لذا این کتاب در مقام پاسخگویی به این سؤال است که عملکرد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زنان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام) با توجه به گزارش های تاریخی چگونه بوده است؟

در زمانه حاضر به سبب این که دشمنان در حال تخریب اسلام با اتهاماتی مانند تزلزل بنیان خانواده و ضعف جایگاه بانوان در اسلام هستند و با توجه به شبیه پراکنی نسبت به این مسئله، ضروری است با تحقیق در مورد زنان و عملکرد ایشان در قرون اولیه اسلام، این شبهات پاسخ داده شود.

امروزه در حوزه های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حضور زنان تأثیر گذار است و مراکز زیادی به آموزش و تربیت خواهران فعالیت دارند اما با توجه به وضعیت و جایگاه زن و دید مردم نسبت به ایشان تا حدودی در انجام وظیفه دچار مشکل هستند، لذا لازم است با بررسی فعالیت زنان راوی دوران ابناء الرضا (علیهم السلام) به عنوان دوره ای که دسترسی به امام معصوم (علیه السلام) محدود شده و شرایط تا حدودی شبیه عصر غیبت امام زمان (عج الله فرجه) است، نمونه هایی برای عملکرد مناسب این بانوان ذکر گردد.

از اهداف این کتاب، توصیف و تبیین عملکرد زنان عصر ابناء الرضا (علیهم السلام) به طور خاص است که تاکنون پاسخ روشنی به این مسئله داده نشده است؛ همچنین ارائه الگوی

مناسب برای زنان فعال و تأثیرگذار مسلمان بویژه برای مراکزى مانند جامعه الزهرا (سلام الله علیها) و دانشگاه هایی که بانوان در حال کسب معارف اهل بیت (علیهم السلام) هستند، خودباوری بانوان، رفع شبهات مربوط به منفعل بودن زنان در نگرش اسلامی و تألیف یک اثر ماندگار و کاربردی در مورد فعالیت بانوان و ارائه سبک زندگی اسلامی است.

این کتاب با روش استقرایی از واقعیت های جزئی و انفرادی به واقعیت های کلی دست می یابد. با استفاده از گزاره های تاریخی و منابع رجالی، بانوان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام) شناسایی و با دقت در عملکرد بانوان راوی به عنوان بخشی از جامعه شیعی، عملکرد ایشان گونه شناسی می گردد و با بهره مندی از استدلال، تحلیل و مقایسه و به دست آوردن گونه های مختلف فعالیت راویان زن، در جامعه شیعی تبیین می گردد.

تحقیقات انجام شده ی پیشین

مسئله ی شناسایی عملکرد زنان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام) می تواند در کتب تاریخی و رجالی مورد بازبینی قرار بگیرد؛ اما بجز در موارد اندکی به این مسئله پرداخته نشده و پژوهشی مستقل انجام نگرفته است. کتاب حاضر، به منظور گردآوری منسجم عملکرد این گروه از بانوان در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام) تکمیل اطلاعات مربوط به ایشان، نقد و بررسی و ارائه طبقه بندی شده یافته ها به این مسئله می پردازد. از موارد زیر می توان به عنوان پیشینه تحقیقات صورت گرفته یاد کرد:

1_ پایان نامه و مقالات

1. پایان نامه «نقش زنان شیعه در ترویج و دفاع از باورهای شیعی از دوره امام صادق (علیه السلام) تا پایان دوره غیبت صغری» به نقش تربیتی، تبلیغی و سیاسی بانوان در بازه زمانی دوپست ساله پرداخته است و زنان شیعه آن دوران را با توجه به نقش هایشان معرفی می کند و به طور خاص زنان راوی شیعه دوره خاص ابناء

الرضا (عليهم السلام) منظور نظر نبوده و در خلال مباحث اشاره کوتاهی به نام برخی بانوان راوی شده است.

2. مقاله «روایت زنان در منابع حدیث». مسئله این مقاله معرفی راویان و تعداد احادیث و موضوعات منقول آنان است و پرداختن به نقش بانوان در اجتماع و فرهنگ و سیاست در شمار اهداف مقاله نیست؛ لذا باز شناخت و گونه شنا عملکرد زنان راوی را که هدف نوشتار حاضر است را شامل نمی شود.

3. مقاله «نقش سیاسی بانوان شیعه در پیشبرد تشیع در نیمه دوم عصر امامت». در این مقاله (از زمان امام صادق (علیه السلام) تا عصر غیبت) نیمه دوم عصر امامت بررسی شده و بازه زمانی آن وسیع است در نتیجه جزئیات، نام و عملکرد بانوان راوی شیعه به طور خاص در نظر گرفته نمی شود و فقط به نقش سیاسی بانوان شیعه به طور عام می پردازد.

4. مقاله «تحلیل و بررسی نقش اجتماعی زنان شیعی و پیامدهای آن در سده نخستین عصر غیبت» نیز نگارش یافته است که به نام برخی از بانوان راوی در عصر ابناء الرضا (عليهم السلام) اشاره می شود و به فعالیت و سیاست های آنان در رویارویی با مسائل تا حدودی می پردازد. این مقاله نیز به طور عام زنان شیعه را بررسی کرده است و بازه زمانی وسیع تری را در نظر می گیرد و به طور مستقل به زنان دوره ابناء الرضا (عليهم السلام) نمی پردازد.

5. در دو مقاله با عنوان های زنان راوی حدیث از امام جواد (علیه السلام) و «جایگاه زنان در سیره امام هادی (علیه السلام)». برخی زنان راوی در عصر دو امام مذکور (علیها السلام) شناسایی شده اند لکن به اقدامات آنان در عرصه های مختلف فرهنگی، اجتماعی و

سیاسی پرداخته نشده زیرا رویکرد آن مقالات بازشناسی زنان بوده است نه عملکرد ایشان لذا به عنوان پیشینه جهت استفاده نام برخی زنان راوی مناسب می باشد.

2_ کتب

1. کتاب «محدثات شیعه» مشتمل بر یک مقدمه و اسامی محدثات شیعه است، اسامی، زیست نامه و ترسیم خصایص اخلاقی 195 بانو بر اساس نام مشهورشان در کتب و به ترتیب حروف الفبا در این کتاب تنظیم شده است. مسئله اصلی کتاب، شناسایی بانوان محدث شیعه از صدر اسلام تا عصر حاضر است. در این کتاب بانوانی که پس از حیات ائمه (علیهم السلام) و در عصر غیبت با اجازه مراجع و اساتیدشان مجوز نقل حدیث داشتند نیز در شمار محدثات آورده شده اند. به دلیل بازه زمانی گسترده ی کتاب، مجال بررسی فعالیت های زنان محدث نبوده لذا شناسایی و بررسی سرگذشت و عملکرد تمامی بانوان راوی در دوره مورد نظر ما، در این کتاب انجام نگرفته است.

2. کتاب «زنان دانشمند و راوی حدیث»؛ این کتاب تقریباً همزمان با کتاب محدثات شیعه چاپ شده و در سه بخش تنظیم گردیده است: نام و زندگینامه 190 زن دانشمند در این کتاب بررسی می شود. بخش او، زنان راوی حدیث از پیامبر (صلی الله علیه وآله)؛ بخش دوم، زنان راوی احادیث از معصومان (علیهم السلام) و بخش سوم زنانی که از غیر معصوم احادیثی را روایت کرده اند. در شرح حال هر یک از راویان زن، علاوه بر بیان تاریخ و اوضاع زندگیشان، احادیث و مصادر آنها نیز آورده شده است. با وجود اینکه نویسنده تلاش می کند زنان راوی و دانشمند از صدر اسلام را شناسایی کند ولی نام شمار قابل توجهی از زنان راوی در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام)

در آن یافت نشد، از طرفی چون مسئله نویسنده معرفی زنان مؤثر و دانشمند بوده، در نتیجه گونه شناسی عملکرد و تحلیل آن مطرح نشده است.

کتاب «شرح حال و نقش زنان عصر ولادت حضرت مهدی»؛ این کتاب با رویکردی تاریخی شرایط سیاسی و اجتماعی عصر ولادت امام زمان (عج الله فرجه) و نقش بانوان در ولادت ایشان را بررسی می کند و شرحی اجمالی از زندگانی سه بانوی برجسته نرجس خاتون و حکیمه خاتون و بانو حدیث آورده است. نویسنده به گونه شناسی زنان در دوران ولادت امام (عج الله فرجه) و پنج سال اول زندگی ایشان پرداخته و شیوه تأثیرگذاری آنان در مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی از جهات مثبت و منفی را بررسی نموده است. این کتاب نقش های متفاوت سه تن از بانوان مورد نظر این نوشتار در زمان امام حسن عسکری (علیه السلام) را کاوش کرده است و بررسی نقش بانوان دیگر این دوره و نیز بانوان راوی دو دوره امام جواد و امام هادی (علیهما السلام) مورد توجه این کتاب نیست.

4. کتاب «اوضاع سیاسی و اجتماعی شیعه امامیه از شهادت امام رضا (علیه السلام) تا آغاز غیبت صغری (203 - 260 ق)». زمان بررسی مباحث این کتاب از شهادت امام رضا (علیه السلام) تا آغاز غیبت صغری امام دوازدهم (عج الله فرجه) است. کتاب در دو فصل تنظیم شده است، نخستین فصل نگاهی اجمالی به اوضاع سیاسی، اجتماعی شیعه امامیه از شکل گیری سقیفه بنی ساعده تا شهادت امام رضا (علیه السلام) (11-203 ق) دارد و فصل دوم اوضاع سیاسی، اجتماعی شیعه امامیه از شهادت امام رضا (علیه السلام) تا آغاز غیبت صغری (203 - 260 ق) را بررسی می کند؛ در این پژوهش موضع گیری شیعه امامیه در مقابل حکومت و عوامل آن واکاوی شده است و چگونگی حفظ هویت شیعه بررسی می شود و شیعیانی که در حفظ فرهنگ تشیع نقش ایفا کرده اند،

مورد توجه بوده است با این وجود توجه چندانی به نقش بانوان راوی شیعه نشده و بیشتر نهاد وکالت و فعالیت های وکلای مرد، مورد نظر بوده است.

5. کتاب «جایگاه زنان در عرصه سیاسی و اجتماعی از دیدگاه تشیع»؛ این کتاب پس از بیان منشأ اصلی پیدایش شیعه و سنی و کاربرد تاریخی اصطلاح تشیع، تعاریف گوناگون از "شیعه" را مطرح می کند و سپس جایگاه زن در تاریخ، مبانی نظری، اهمیت، ضرورت و دیدگاه ها و دلایل حضور و مشارکت اجتماعی سیاسی زنان را مورد بررسی قرار می دهد و نمونه هایی بیان می شود لکن چون مسئله کتاب بیان جایگاه زنان و اعتبار بخشیدن فعالیت های آنان در جامعه است به طور موردی به زنان محدودی اشاره می کند و پژوهش در دوران ائمه (علیهم السلام) و بانوان راوی به طور خاص منظور نظر این تألیف نبوده است.

به طور کلی اغلب تألیفات یاد شده مربوط به جایگاه و نقش برخی بانوان شیعه در دوره های فراتر از محدوده زمانی این کتاب یعنی زمان ابناء الرضا (علیهم السلام) هستند گاه یک بُعد فعالیت بانوان را بررسی کرده اند و ابعاد مختلف این نوشتار مورد توجه آثار مذکور نبوده است، برخی از مقالات نیز روش روایی و توصیفی دارند. لذا تمام نکات مورد نظر نگارنده ی این اثر در تحقیقات گذشته یافت نشد، از اینرو می توان گفت پیشینه ی خاص جامع و البته مسئله محور در مورد تحقیق حاضر وجود ندارد. قلمرو موضوعی و زمانی کتاب حاضر بررسی گونه های مختلف فعالیت بانوان راوی شیعه و شناختی جامع از آنان در تحولات فرهنگی _ سیاسی و اجتماعی عهد ابناء الرضا (امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری (علیهم السلام)) است. از آنجا که منبع مستقلی که به بررسی سؤال این کتاب بپردازد وجود ندارد، ضرورت پژوهش در این زمینه دوچندان می شود.

در این کتاب واژه "گونه شناسی"، عملکرد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، "زنان راوی"، "شیعه" و "ابناء الرضا (علیهم السلام)" از مفاهیمی هستند که در ادامه به اختصار مورد بررسی قرار می گیرند.

الف) گونه شناسی

شناخت گونه های مختلف یک پدیده، به عبارت دیگر، طبقه بندی روشمند پدیده هایی است که به یک گروه و مجموعه وابسته هستند و در مقایسه و نسبت سنجی با دیگر اعضای این مجموعه، در یک یا چند ویژگی یا رفتار وجه اشتراک دارند و در وجه دیگر از هم متمایز هستند، گونه شناسی یعنی مشخص نمودن همین اشتراک ها و افتراق ها بر اساس یک معیار خاص عینی یا ذهنی. (1)

ب) عملکرد

عملکرد در لغت به معنی حاصل، نتیجه ی کار، میزان کار و کارکرد است. (2) هنگامی که سخن از عملکرد به میان می آید، نتیجه کار به دست آمده به ذهن متبادر می گردد. به تعبیری چگونگی انجام کار و فرآیند انجام کار که در مورد آن قضاوت می شود (3) را عملکرد گویند.

ص: 20

1- توسلی، غلامعباس، نظریه های جامعه شناسی، ص 142

2- معین، محمد فرهنگ فارسی معین، ذیل واژه مورد نظر

3- ابراهیم پور، حبیب، تاثیر پذیری عملکرد وظیفه ای از اخلاق کاری، مجله پژوهش های مدیریت عمومی، ص 83-101

فرهنگ در لغت به معنای دانش، علم، معرفت و یا مجموعه آداب و رسوم گفته می شود (1) و در اصطلاح به معنای مجموعه پیش ها، دانش ها، گرایش ها و تمایلات، قواعد، کنشها، رفتارها و ارزش هایی که در یک جامعه وجود دارد است. (2) لذا فرهنگ به عنوان شکل دادن به ذهن و رفتار عمومی جامعه است که حرکت جامعه بر اساس فرهنگ آن جامعه می باشد. اندیشیدن و تصمیم گیری جامعه بر اساس فرهنگی است که بر ذهن آنها حاکم است. (3)

"آداب، عادات، اندیشه ها و اوضاعی که گروهی در آن شرکت دارند، از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد و این انتقال پیش از آنکه از راه وراثت باشد از راه آموختن است. پیروی از این آداب و عادات با پاداش و کیفر ویژه به هر فرهنگ انتظام می یابد." (4)

جامعه مورد نظر این نوشتار یک جامعه دینی است که فرهنگ الهی خاصی بر آن حاکم است. بدین معنا که این عقیده وجود دارد که معنویت، کمال مطلوب و نهایت زندگی انسان است. و این تعالی در پرتو و دقت در به کارگیری مناسب از همه موهبت های جسمی و روحی برای انسان حاصل می شود. در این تفکر، بشر رو به سوی خدا دارد که کمال مطلق است و فرهنگ مجموعه ای از آداب، عادات، پیش ها و باورهای دینی است. عبارت "فرهنگی" به واژه ای گفته می شود که منسوب به فرهنگ باشد و عملکرد فرهنگی فعالیت افراد در راستای فرهنگ است.

ص: 21

1- معین، محمد فرهنگ فارسی معین، ذیل واژه مورد نظر

2- کافی، مجید، فرهنگ دینی، مفاهیم، نظریه ها و راهکارها، ص 17

3- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، 1377/10/15

4- جعفری، محمد تقی فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو، ص 25

اجتماع در اصطلاح در "گسترده ترین معنا، آن گونه که در مورد انسان ها به کار برده می شود، هر نوع رفتار یا نگرشی است که از طریق تجربه حال یا گذشته از رفتار سایر مردم (مستقیم) یا نا مستقیم) تأثیر پذیرفته باشد، یا اشاره به رفتاری است که به سوی مردم جهت گیری شده باشد (1) و عملکرد اجتماعی فعالیت های افراد منسوب به جامعه، گروهی است. در عملکرد اجتماعی تعامل فرد با محیط خود و مردم و توانایی ایفای کامل نقش خود در محیط کار و فعالیت اجتماعی است.

سیاست در اصطلاح "یک برنامه پیش اندیشیدنی برای هدف ها و طرز عمل هاست. فرآیند سیاست، عبارت است از ضابطه مندی، اعلام و به کار بستن تقاضاها و چشم داشت ها". (2) عملکرد سیاسی به فعالیت های افراد جامعه اطلاق می شود که در راستای بقای قدرت حاکم و دولت باشند یا در جهت مخالف آن یعنی براندازی نظام حاکم و سعی در تشکیل دولت دیگر در اصطلاح به گروه دوم اپوزسیون گفته می شود. (3)

ج) زنان راوی

راوی در لغت به معنای روایت کننده و کسی است که حدیث، خبر یا حکایتی را از دیگری روایت می کند. واژه های عربی و مشتق از _ روی_ و مصدر روایت است. در روایه برای مبالغه است و بر کثرت دلالت دارد. (4) نقل کننده احادیث معصومان (علیهم السلام) را راوی

ص: 22

1- گولد جولیوس ل. کولب، ویلیام: ترجمه: مصطفی ازکیا و دیگران، فرهنگ علوم اجتماعی، ص 29

2- همان، ص 630 - 631

3- برکات جمال فرهنگ اصطلاحات سیاسی، ج 4، ص 32

4- ابن درید، جمهره اللغه، ج 2، ص 809، ذیل "روی"

می گویند. عنوان یاد شده اصطلاحی در علم درایه است و در آن علم، از آن سخن گفته اند. روایت کننده حدیث از معصوم (علیه السلام) با سلسله سند را راوی می گویند. (1) طبیعی است که زنان راوی، بانوانی هستند که خصوصیات مذکور را دارا هستند و به روایات (2) مشهورند. معیار انتخاب زنان راوی شیعه، در منابع حدیثی شیعی، تنها نقل روایت از معصوم (علیه السلام) نیست و با توجه به سلسله سند در احادیث به جای مانده، نام برخی از زنان در میان راویان به چشم می خورد. هنگام نقل حدیث راویان، بانوان نیز استماع می کردند که در برخی از سلسله سندها نام شماری از آنان ثبت شده است. (3)

د) شیعه

شیعه در لغت _ واژه "شیعه" ریشه‌های عربی دارد و از ریشه "تشیع" مصدر باب تفعّل از ریشه "شیع" (شاع) انشقاق یافته است، "شیعه" به معنای گروهی از مردم است، به معنای کسانی است که بر امری اجتماع کنند یا هر قومی که بر امر واحدی جمع شوند و پیروی کردن فرد یا گروهی از فرد یا گروه دیگر. (4) در قرآن واژه شیعه در مجموع چهار بار، یک بار به شکل مفرد و سه بار به شکل مضاف به کار رفته است که در آیه اول به معنای "گروه" و در سه مورد دیگر به معنای "پیرو" است. (5) شیعه به معنی پیروان و یاران نیز آمده است، آن اشباع و شیخ (بر وزن عنب) است. اصل آن از مشایعت به معنی متابعت است. گویند:

ص: 23

1- جمعی از محققین، فرهنگ نامه اصول فقه، ج 1، ص 439

2- زنان راوی حدیث

3- به طور مثال بنا بر نقل شهید مطهری در ضریح جدید حضرت معصومه (سلام الله علیها) روایتی انتخاب شده است که همه راویان زن هستند تا به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می رسد

4- خلیل بن احمد، العین، ج 2 ص 191؛ ابن منظور، لسان العرب، ج 8 ص 188؛ مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، ج 6 ص 165

5- سوره مریم، آیه 69؛ سوره قصص، آیه 15؛ سوره صافات، آیه 83

شایع فلاّن فلانا علی امره یعنی در کارش از او پیروی کرد. شیعه امیر مؤمنان (علیه السلام) کسانی اند که در کار آن حضرت از وی متابعت نموده و به امامتش گردن نهاده اند. (1)

شیعه در اصطلاح_ به مسلمانانِ معتقد به خلافت و امامت بلافصل امیر مؤمنان (علیه السلام) گویند. این گروه معتقدند که امام و جانشین پیامبر (صلی الله علیه وآله) از طریق نص شرعی تعیین می شود و امامت حضرت علی (علیه السلام) و دیگر امامان شیعه نیز از طریق نص شرعی ثابت شده است. (2) شیعه کسانی هستند که به طور خاص، امام امیر مؤمنان (علیه السلام) را پیروی می کنند و قائل به امامت و خلافت ایشان، هم از لحاظ نص و هم از حیث وصیت، چه به صورت آشکار و چه به صورت مستور و مخفی هستند و براین باورند که امامت از فرزندان او خارج نمی شود. (3)

شیعه اثنا عشری یا شیعه دوازده امامی، یکی از فرقی است که ذیل عنوان عمومی شیعه قرار می گیرد. در کتاب اشعری قمی، شیعه علویّه مفهوم مطلق پیروان امیر مؤمنان (علیه السلام) تا زمان شهادت امام حسین (علیه السلام) می باشد و امامیه به عنوان یکی از فرقی شیعه منطبق با شیعه دوازده امامی است. (4) نوبختی، شیعه را به مفهوم مطلق قائلین به امامت امیر مؤمنان (علیه السلام) می داند و اشاره مستقیم به اثنی عشریه ندارد ولی فرقه امامیه را ذکر کرده که با مفهوم شیعه اثناء شری امروزی مطابقت دارد. (5) در عصر حاضر مطلق کلمه "شیعه"، بدون هیچ قیدی در مفهوم شیعه دوازده امامی است و در برابر اهل تسنن به کار می رود.

ص: 24

1- قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج 4، ص 95

2- شیخ مفید، اوائل المقالات، ص 35.

3- شهرستانی، محمد بن عبد الکریم، ملل و نحل، ص 169

4- اشعری، قمی، سعد بن عبد الله المقالات و الفرق، ص 70-102-106

5- نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، ص 14-157

آنچه در نظر اول از مفهوم ابن الرضا متبادر ذهن می شود، امام جواد (علیه السلام) فرزند امام رضا (علیه السلام) می باشد اما در کتب تاریخی و روایی پسران امام رضا (علیه السلام) یعنی امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری (علیهم السلام) را اصطلاحاً ابناء الرضا می خوانند. امام عسکری و پدرش امام هادی و جدش امام جواد (علیهم السلام) در زمان خود معروف به ابن الرضا (علیه السلام) بودند. متوکل عباسی بارها می گفت در کار ابن الرضا (منظورش حضرت هادی (علیه السلام) است) حیران شده ام و مرا سخت ناراحت کرده هر چه کوشش کردم که شراب بخورد و با من هم پیاله شود نپذیرفت، خیلی مراقب بودم که فرصتی برای چنین کاری به دست آورم ممکن نشد. (1)

جایگاه والای امام هشتم علیه السلام شد تا امامان نهم، دهم و یازدهم (علیهم السلام) معروف به ابن الرضا باشند. شاید هم علت این معروفیت به خاطر این باشد که علویان از شاخه های مختلف و شمار سادات زیاد بوده است لذا به دلیل معین شدن این حضرات و حساسیت موقعیت آنها از لحاظ سیاسی برای دستگاه خلافت معروف به ابن الرضا شده بودند. شیخ مفید نیز در کتاب خود چندین بار عنوان ابن الرضا را برای این حضرات (علیهم السلام) آورده است. آنچه قطعی به نظر می رسد این است که امام جواد و عسکریین (2) (علیهم السلام) در آن زمان معروف به ابن الرضا (علیه السلام) بودند. (3) بنابراین از سال 203 ق آغاز امامت امام جواد

ص: 25

1- طبرسی، اعلام الوری، ص 367؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ص 422 شیخ مفید، ارشاد، ص 322. و کان هو و ابوه و جده يعرف کل منهم فی زمانه باین الرضا". ابن شهر آشوب، مناقب، ص 409 و 416. طبرسی اعلام الوری، ص 131؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 50، ص 238

2- لقب دیگر امام هادی و امام حسن عسکری (علیهم السلام) است. این دو امام را به دلیل سالها زندگی در شهر نظامی سامرا به این نام نیز خوانده اند. (ابن خلکان، وفيات الاعیان، ج 2، ص 95).

3- شیخ مفید، ارشاد، ج 2، ص 282_30_321

(عليه السلام) تا 260 ق. یعنی شهادت امام حسن عسکری (عليه السلام) دوران ابناء الرضا (عليهم السلام) محسوب می شود.

ص: 26

پیش از آغاز بحث گونه شناسی، بانوان لازم است اوضاع سیاسی و اجتماعی در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام) مورد واکاوی قرار گیرد تا درک فضای حاکم بر آن زمانه بهتر شود. سرزمین های مختلف جهان اسلام از اوایل قرن سوم هجری، هم زمان با حرکت جامعه به سوی رشد علمی، فرهنگی و رویش تفکرهای نوین کلامی، (1) با هجوم شبهات گوناگون متأثر از نهضت ترجمه مصادف بود. از سوی دیگر به جهت سود بردن حاکمان جور از این موقعیت، اعتقادات دینی مردم دچار تزلزل شد. در این میان نقش امامان معصوم (علیه السلام) در زدودن انحرافات فکری، عقیدتی حائز اهمیت است. (2) شناخت، تبیین و تحلیل شرایط دوران معصومان (علیهم السلام) ما را به فهم دقیق اوضاع آن زمانه رهنمون می سازد.

ص: 27

1- شبیه مسئله حدوث یا قدم بودن قرآن که در تاریخ به محنه القرآن معروف است. مسئله ای که تیش اساسی میان اهل حدیث و اهل اعتزال به وجود آورد. گستردگی این دو جریان به حدی گردید که حکومتیان را نیز در بر گرفت. در دوره امامت امام هادی علیه السلام معتصم و واثق مثل مأمون به اعتزال گرایش داشته و بحث مخلوق بودن قرآن را مطرح می کردند و به خاطر همین اعتقاد، با مخالفین یعنی اهل حدیث به رهبری احمد بن حنبل که معتقد به قدیم بودن قرآن بودند برخورد شدیدی داشتند و آنان را مورد آزار و اذیت قرار میدادند. (یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 473)

2- شبهات کلامی از قبیل توحید صفات الهی مخلوق بودن، قرآن تشبیه و... که از مباحث جدی عصر ابناء الرضا (علیهم السلام) به ویژه امام هادی (علیه السلام) بود که این حضرات (علیهم السلام) با آن مبارزه و در جهت زدودن انحرافات تلاش می کردند. بنابر اظهارات امام هادی (علیه السلام) در ابتدای نامه شان به مردم اهواز، این امر (شبهات) موجب گسیختگی شیعیان از یکدیگر می شود و میان آنان دشمنی پدید می آورد. (ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص 58)

زمانه امامت امام جواد (علیه السلام) (203-220 ق) هم دوره مأمون عباسی بود، که از لحاظ داخلی دچار تنش هایی از ناحیه علویان، شورش های همیشگی خوارج، ناآرامی هایی از ناحیه نصر بن شیبث (1) و زُط های (2) مستقر در بصره و مصری های خواهان استقلال بود. از خطرناک ترین حرکت ها در این دوره شورش بابک خرّمی، حرکت ابوالسرایا، شورش نصر بن شیبث، حرکت زُط ها در نواحی بصره محسوب (3) می شود. حرکت های استقلال طلبانه در مصر و فتنه خوارج نیز تا بعد از مرگ مأمون معتصم و واثق همچنان با این مسئله ادامه داشت. و چالش های مذکور موجبات تزلزل در بنیان حکومت عباسی را فراهم می آورد. در این زمانه دگرگونیهای زیادی از لحاظ فرهنگی و اجتماعی مانند تجهیز کتابخانه بیت الحکمه و دستیابی به کتب ارزشمند علمی سایر سرزمین ها و نهضت ترجمه رخ داد.

ص: 28

1- نصر بن شیبث عقیلی از مخالفان خلافت مأمون عباسی و هواداران امین از اهالی کیسوم و ساکن منطقه شام بودوی به دلیل بیعت با امین خلیفه عباسی به نفع وی تلاش می کرد و پس از چیره شدن مأمون بر امین در شام به طور علنی به مخالفت با مأمون و شورش بر ضد وی برخاست و با حمایت عده ای از اعراب بر شهرهای شام تسلط یافت که مأمون وی را سرکوب نمود. (ر.ک: عطاردی قوچانی، عزیز الله، اخبار و آثار حضرت رضا (ع)، ص 76)

2- زطها افرادی از کارگران و هند و بودند که از مدتها قبل در بنادر عراق به خصوص، بصره کارگری و باربری می کردند و به دلیل کم توانی اقتصادی به غارت و چپاول و شورش روی آورده بودند. (ابن خلدون، العبر، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ص 480)

3- همان، ص 309 - 310 زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام، ص 43 - 40 شیخ مفید، ارشاد، ص 423. طقوش، محمد سهیل دولت عباسیان، ص 182 تا 186. ابن اثیر، الکامل، ج 7، ص 55 مقدسی، عبد الله محمد بن احمد احسن التقاسیم ج 2، ص 627 طبری، تاریخ طبری، ج 8، تلخیص از ص 556 تا 649. ابو الفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص 424-438 و 441-453. ابن اثیر، الکامل ج 6 ص 297 و 308 و 388؛ ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج 10، ص 244 - 255 - 259 و 263. طبری، همان، ج 8، ص 580

با ارسال نامه هایی برای سران و حاکمان سرزمین های مختلف از آنها خواست تا کتب قدیمی بویژه آثار فلسفی را برای او ارسال کنند. با مرگ مأمون رشد نهضت ترجمه کاهش یافت و عصر معتصم (حک 218-227 ق) در حالی سپری گردید که رقابت عناصر ترک نژاد با صاحب نفوذان ایرانی و عرب عرصه بر دانشمندان تنگ شد. بی تدبیری های معتصم و عدم رغبت او به علم از یکسو و انتقال مرکز خلافت به سامرا از سوی دیگر، تا حدودی از اعتبار دار العلم بغداد کاست. از این دوره به بعد تا زمان متوکل نهضت علمی بغداد از رونق افتاد و رونق سایر مراکز و دربار فاطمیان مصر را به دنبال داشت. (1)

پس از شهادت امام جواد (علیه السلام) در سال 220 ق شیعیان بر امامت ابی الحسن هادی (علیه السلام) اجماع کردند و کسی در آن زمان جز آن حضرت ادعای امامت نکرد. (2) دوره امامت امام هادی (علیه السلام) همزمان با دوره دوم خلافت عباسی بود و این دوره ویژگی های متمایزی قبیل زوال هیبت و عظمت خلافت عباسی، گسترش ظلم و بیدادگری و خودکامگی، گسترش نهضت های علوی داشت. (3) متوکل خلیفه هم‌عصر امام هادی (علیه السلام) نسبت به امیر مؤمنان (علیه السلام) و خاندانش کینه و عداوت عجیبی داشت و اگر آگاه می شد که کسی به آن حضرت علاقه مند است، مال او را مصادره می کرد و خود او را به هلاکت می رساند. (4) در سال 236 ق دستور تخریب آرامگاه اباعبدالله الحسین (علیه السلام) را داد. (5) انتقال حضرت هادی (علیه السلام) به سامرا در روز دو شنبه سوم رجب 243 ق (6) نهایت ایجاد فشار حداکثری نهاد

ص: 29

-
- 1- یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 423 تا 425، خضری احمدرضا، تاریخ خلافت عباسی، ص 77 تا 82. (به نقل از تاریخ سیستان، ص 140 و 180) ابن خلدون، العبر، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ص 480-309
 - 2- یشیخ مفید، ارشاد، ص 423
 - 3- طقوش، محمد سهیل دولت عباسیان، ص 182 تا 186
 - 4- ابن اثیر، الکامل، ج 1، ص 55
 - 5- ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص 395
 - 6- کلینی، الکافی، ج 1، ص 501؛ مفید، ارشاد، ج 2، ص 309؛ قمی، حسن، تاریخ قم، ص 201.

حکومتی بود به همین جهت پیشوای دهم (علیه السلام) بویژه در زمان متوکل، فعالیت های خود را به صورت سرّی انجام می داد. محمد بن شرف می گوید: همراه امام هادی (علیه السلام) مدینه راه می رفتیم. آنگاه خواستم از حضرت پرسشی کنم، امام بر من پیشی گرفت و فرمود: "ما در حال گذر از شاهراهیم و این محل، برای طرح سؤال مناسب نیست!" این رویداد حاکی از شدت اختناق نهاد حکومتی و استفاده از تدبیر امنیتی تقیه توسط امام معصوم (علیه السلام) و حفظ جان یاران و شیعیان است.

شیعیان برای گریز از حمله های اهل سنت، به مناطق کوهستانی پناه بردند و در مناطق مختلف گسترده شدند. (1) به دلیل دوری مسافت بین مناطق شیعه نشین با پیشوای دهم (علیه السلام)، جوّ ظالمانه و استبدادی، عدم دسترسی شیعیان به معصوم (علیه السلام) فعالیت یک شبکه ارتباطی را ضروری می ساخت. (2) لذا امام (علیه السلام) جهت برقراری ارتباط با شیعیان در این شرایط ناامن همانند پدر بزرگوارشان به تقویت سازمان وکالت پرداختند و با تعیین نمایندگان و کارگزاران در مناطق مختلف به جمع آوری خمس، زکات، نذور و هدایا و پاسخگویی به سؤالات و مشکلات فقهی و عقیدتی شیعیان می پرداختند. (3) حتی ایشان برای تقویت و اعتبار بخشی به وکلا، در یکی از نامه هایشان به وکیل خود می نویسند: "به هیچ یک از آنان (مردم مدائن و بغداد) اجازه تماس با من را ندهید." (4) این تدبیر امام (علیه السلام) علاوه بر افزایش اعتماد به وکلا، سبب به، وکلا سبب آمادگی شیعیان در مواجهه شرایط بحرانی و برون رفت آنان از از چالش های فراروی دوره غیبت و تحیر شیعه می شد.

ص: 30

-
- 1- توال، فرانسوا، ترجمه قاسم آقا علیرضا، ژئوپولتیک، شیعه، ص 25
 - 2- جباری، محمدرضا، سازمان وکالت زمینه ها و عوامل تشکیل و گسترش سازمان وکالت، ج 1، ص 47
 - 3- جاسم حسین، محمد، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، ص 137
 - 4- کشی، محمدبن، عمر رجال کشی، ج 2، ص 802

پس از شهادت امام هادی (علیه السلام) در سال 254 ق دوران شش ساله ی امامت امام حسن عسکری (علیه السلام) با سه خلیفه عباسی المعتمد بالله، المهتدی بالله و المعتمد بالله (1) معاصر بود. تسلط ترکان بر حاکمیت عباسی در دوره امام عسکری (علیه السلام) موجب آشفتگی سیاسی و اداری و زمینه ساز برخی آشوب ها و قیام ها شد. حاکمان عباسی با وجود این آشفتگی ها، از آزار امام (علیه السلام) دست برنداشتند. معتز، ایشان را در سامرا به شدت تحت کنترل داشت و به زندان انداخت. یک بار نیز تصمیم بر قتل امام (علیه السلام) گرفت. (2) پس از قتل معتز، مهتدی به خلافت رسید، در ظاهر زهدگرا بود و از عیاشی و منکرات اجتناب می ورزید و بسیاری از منکرات را ممنوع ساخت و به دادرسی مظلومان تظاهر می نمود. معتمد نیز در لهو و لعب آن قدر افراط کرد و به تدریج برادرش موفق بر امور سلطنت وی مسلط شد، به طوری که معتمد عملاً هیچ کاره و فقط در ظاهر خلیفه بود. ابن طقطقا مینویسد: معتمد، به ناتوانی کشانده شد و برادرش موفق، به تمامی امورش چیره گشته بود. (3)

پس از انتقال امامین عسکرین (علیهما السلام) به سامرا تعداد قابل توجهی از شیعیان در سامرا حضور یافتند و گواه آن تجمع بر پیکر امام هادی (علیه السلام) و هنگامه رحلت امام حسن عسکری (علیه السلام) و عزاداری و صدای فریاد و شیون سرتاسر سامرا و تعطیلی بازار است. (4) تجمع مردم هنگام حرکت امام یازدهم (علیه السلام) به سوی دارالخلافه هر دوشنبه و هر

ص: 31

-
- 1- شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج 6، ص 92 شیخ مفید ارشاد، ص 297 ابن شهر آشوب، مناقب، ج 4، ص 220
 - 2- شاکری، حسین، تلخیص از موسوعه المصطفی و العتره، ج 15، ص 454 و 455
 - 3- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج 7، ص 233 ابراهیم حسن، حسن، تلخیص از تاریخ سیاسی اسلام ترجمه ابوالقاسم پاینده، ص 17 ابن طقطقا، محمد بن علی الفخری، ص 250
 - 4- یعقوبی، البلدان، ج 2، ص 502؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص 132؛ شیخ مفید، ارشاد، ص 30338؛ اربلی، کشفه الغمه، ج 1، ص

پنجشنبه (1) حاکی از حضور شیعیان در سامرا است ولی با این وجود زندگی شیعیان در سامرا چندان ساده و دور از دغدغه به نظر نمی رسد.

یاران امام عسکری (علیه السلام) در برخی مواقع به دلیل ظلم و جور حاکمان، هویت و حتی اعتقاد خویش را کتمان می کردند. به عنوان نمونه عثمان بن سعیدی عمروی مشهور به سمان وکیل و یکی از نزدیکترین یاران امام بود، تحت پوشش روغن فروشی وجوهات شیعیان را در مشک های روغن قرار داده و به دست امام می رساند. (2)

حساسیت دستگاه حاکم بر روی شخص امام عسکری (علیه السلام) تا حدی بود که حتی موقعیت مکانی امام عسکری (علیه السلام) نیز برای شیعیان نامعلوم و یافتن منزل ایشان برای شیعیان مشکل بود و آنان مجبور می شدند در مسیر حرکت در خیابان به بهانه هایی چون دریافت کمک مالی از ایشان، آن حضرت را ملاقات کنند. (3) امام (علیه السلام) حتی در مواقع گوناگون از اینکه در میان راههای عمومی به سراغشان بیایند و عقایدشان را علناً بروز دهند به خاطر حفظ جانشان نهی می کردند (4) و می فرمودند: کسی در خیابان بر من سلام نکند و با دست به سوی من اشاره نکند زیرا در امان نیستید. (5) با این حال در چنین شرایط سختی، ارتباط امام (علیه السلام) و شیعیان قطع نشد و ایشان با ایجاد ارتباط با افراد مناسب و مورد اطمینان و ارسال نامه برای پیروانشان در مناطق شیعه نشین این ارتباط را تا حد امکان حفظ نمودند. به رغم احتیاط امام (علیه السلام) و توصیه های متعدد، گزارش های تاریخی حاکی از محبوس

ص: 32

1- شیخ طوسی، الغیبه، ص 129؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ج 4، ص 434

2- شیخ طوسی، الغیبه، ص 214-215

3- همان، ص 215 - 214؛ مسعودی، اثبات الوصیه، ص 243

4- شیخ مفید، ارشاد ج 2 ص 387

5- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص 433؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ج 4، ص 9-458

شدن متعدد پیشوای یازدهم (علیه السلام) و یاران ایشان است یکی از این موارد زندانی بودن جمعی از اصحاب امام با ایشان در زندان معروف به حبس جیس است. (1)

در زمان ابناء الرضا (علیهم السلام) تعداد شیعیان به طور وسیعی فزونی یافت و دایره تأثیر آنان گسترده گردید لکن دوری مناطق شیعه نشین موجب مخاطره آمیز شدن ارتباط مستقیم بین امامان (علیهم السلام) و شیعیان شده بود لذا ائمه (علیهم السلام) برای راهبری جامعه اسلامی با توجه به شرایط موجود از طریق شبکه وکالت با شیعیان در ارتباط بودند. فعالیت سازمان وکالت در دوران امام هادی و امام حسن عسکری (علیهم السلام) به اوج خود رسید. اگرچه این تشکیلات بر اثر فشار حکومت وسعت بیشتری یافت اما در حقیقت نوعی آمادگی روانی برای شیعیان به وجود آورد تا بدون دیدن امام (علیه السلام) و مراجعه مستقیم سؤالات خود را نزد نماینده های ائمه (علیهم السلام) ببرند. استفاده از چنین سیستم ارتباطی دقیقی، موجب گسترش آموزه های شیعی در قالب حدیث و کلام به تمامی جوامع کوچک و پراکنده ی شیعی می شد.

ابناء الرضا (علیهم السلام) از لحاظ سیاسی از سال 203 تا 260 ق. به دلیل وحدت موضع دستگاه خلافت عباسی، یک نوع وحدت موضع اتخاذ نمودند. به دیگر سخن محدودیت و کنترل ها، موجب تبدیل شدن تهدید به فرصت گردید چراکه تشکیلات وکالت گسترده شد.

با ایجاد گسترش و تقویت این تشکیلات، نهالی کاشته شد که به تدریج به درخت تناوری تبدیل گردید که اوج ثمردهی آن در دوران غیبت صغری حضرت حجت (عج الله فرجه) بود. (2)

گفتار دوم: گونه شناسی بانوان مسلمان در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام)

اشاره

زنان به عنوان بخشی از اجتماع پیوسته نقشهای مختلفی در رویدادها و در محیط پیرامونی خود ایفا می کنند. این نقش ها گاهی پیدا و گاهی ناپیدا و گاه مستقیم و گاه

ص: 33

1- طبری، عماد الدین مناقب الطاهرين، ج 2، ص 852

2- جباری محمد، رضا سازمان وکالت زمینه ها و عوامل تشکیل و گسترش سازمان وکالت ج 1، ص 47 و ص 55

غیر مستقیم است و گاهی نقش بانوان، مفید و گاهی ویرانگر بوده و گاه در حوادث فرهنگی گاهی در رخداد های سیاسی و اجتماعی است. می توان گفت بانوان در دوران همه معصومان (علیهم السلام) فعالیت هایی داشته اند که از گزارش های تاریخی قابل استخراج است. گونه شناسی یا به دیگر سخن، گونه بندی بانوان با توجه به حوادث گوناگون و حضور در اجتماع و سیاست و یا نسبت هایی که با حکومت و یا ائمه (علیهم السلام) داشتند، قابل بازبینی است.

در این بخش بانوان مسلمان با توجه به حضور سیاسی - اجتماعی و تأثیرگذاری آنان و همراهی با جریان تشیع تقسیم بندی می شوند.

الف) گونه شناسی از جهت حضور سیاسی - اجتماعی و تأثیر گذاری

بانوان مسلمان به جهت حضور سیاسی اجتماعی و تأثیرگذاری دو گونه درباری و غیر درباری تقسیم می شوند.

1/الف) بانوان درباری

زنان درباری در دوران عباسیان، نسبت به دوران امویان بیشتر به سیاست وارد شده بودند و به تدریج این دخالت ها در دوره های مختلف بیشتر هم می شد. به علت ضعف حاکمیتی خلفای عباسی، افزون بر نفوذ ترکان، زنانی در نقش خزانه دار، وکیل و پیشکار، روی کار آمدند که برای رسیدن به قدرت و ثروت اندوژی، تلاش زیادی انجام می دادند. این زنان درباری در درگیری های سیاسی بین درباریان نقش داشتند و به آنان مشورت می دادند؛ حتی در برخی از عزل و نصب ها نیز دخالت می کردند. تلاش قبیحه کنیز متوکل و مادر معتز، برای ولایتعهدی پسرش المعتز بالله در سال 252 ق، نمونه ای از عزل و نصب ها از سوی این

زنان است. (1) طمع مال اندوزی و بی رحمی حتی نسبت به نزدیکترین افراد خانواده نیز از دیگر خصوصیات قبیحه بود. معتز برای پرداخت موجب ترکان از مادرش 50 هزار دینار درخواست کرد؛ ولی وی با اینکه بیش از آن را داشت، دریغ ورزید و همین امر موجب قتل پسرش شد. (2)

2/الف) بانوان غیر درباری

منظور از زنان غیر درباری افرادی هستند که وابستگی به دربار عباسی نداشته اند، بانوانی که یا در جبهه فرقه‌هایی نظیر معتزله و مرجئه و یا در جبهه ولایت فعالیت کرده اند. زنان شیعه در جبهه اهل بیت (علیه السلام) فعالیت می‌کردند. علاوه بر اهتمام به وظیفه همسری، مادری و تربیت شیعیان آگاه، مؤثرترین عنصر برای انتقال معارف اسلام و دفاع از ولایت بودند.

استاد مطهری (ره) به زنان بویژه راویات و فعالیت آنان در دوره‌های مختلف اشاره می‌کند و معتقد است در کتبی که در هزار سال پیش نگاشته شده، روایات زیادی داریم که راوی آنها زن بوده است. به عنوان نمونه کتاب "بلاغات النساء" (3) از ابن طیفور در حدود سال 250 ق یعنی در زمان امام حسن عسکری (علیه السلام) نوشته شده است و به فعالیت زنان فرهیخته اشاره دارد. (4)

در دوره ابن‌الرضا (علیه‌السلام) آگاهی خلفای عباسی از تولد فرزندی از امام یازدهم (علیه السلام) که براندازنده حکومت‌های جائر خواهد بود، موجب شد که برای از میان برداشتن امامان شیعه بویژه امام دوازدهم (عج الله فرجه) بیشتر تلاش کنند و سیاست ضد شیعی خود را شدت

ص: 35

-
- 1- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم، ص 321 322؛ کحاله عمر، أعلام النساء في عالمي العرب، ج 5، ص 67؛ بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، ج 4، ص 120
 - 2- ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام، ج 18، ص 417، محلاتی، ذبیح‌الله، ریاحین الشریعه، 5، ص 361
 - 3- خطبه‌ها و خطابه‌های بلیغی که توسط زنها ایراد شده است
 - 4- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری (حماسه حسینی)، ج 17، ص 404

بخشند. در مقابل در جبهه ولایت، اقدامات و تدابیر زیادی برای حفظ جان امام آخر (عج الله فرجه) صورت می گرفت که به سبب کم شدن ارتباط ابناء الرضا (علیهم السلام) با جامعه شیعه و ایجاد محدودیت برای یاران و وکلای مرد، با ولایتمداری، فداکاری و استقامت، یاور و واسطه امام (علیه السلام) و مردم شدند و با رویکرد سیاسی معصومان (علیهم السلام) یعنی تقیه همسو گردیدند.

ب) گونه شناسی از جهت نوع ارتباط با جریان تشیع

اعتماد معصومان (علیهم السلام) به برخی از بانوان شیعه در مسائل گوناگون از جمله نقل حدیث، پاسخ گویی سؤالات و رفع شبهات (1) و فتوا دادن در مورد حقوق بانوان (2) و نظایر آن حاکی از میزان اطمینان و بها دادن به ایشان است. اهمیت این مسئله هنگامی روشن می گردد که به دوره آن حضرات به لحاظ سیاسی، توجه کافی داشته باشیم. از آنجاکه این کتاب، در صدد تکمیل پژوهش های پیشین است به لحاظ کاربردی تر شدن، بسیار مناسب است که علاوه بر تکمیل نام راویان زن و اطلاعات مربوط به آن ها، نوع ارتباط ایشان با جریان تشیع نیز بازبینی شود. بانوان مسلمان بر اساس نوع و میزان ارتباط با جریان تشیع به دو گروه تقسیم می شوند که عبارت است از:

1/ب) بانوان همسو با جریان تشیع

بانوانی که حول محور ولایت و امامت به ایفای وظایف گوناگونی همت گماردند و با جریان تشیع کاملاً همراه بودند و در بسط اهداف امامت بسیار مؤثر بودند مانند حکیمه

ص: 36

1- مانند ام فروه مادر امام صادق (ع)

2- مانند بانو حُمَیدَه و ام فروه (از امام کاظم (ع) در مورد بعضی از حقوق بانوان و مسائل

دختر موسی بن جعفر (علیه السلام) بانو حدیث، نرجس خاتون و بانو خدیجه یا حکیمه خاتون دختر امام جواد (علیه السلام) البته بانوان مسلمانی دیگری هم بودند که برابر افراد نامبرده همکاری و ایفای نقش نداشتند اما در همین دسته تقسیم بندی جای می گیرند. این افراد با سکوت خود و یا تنها با نقل یک خبر با جریان تشیع همراه بودند ولی جز همان رفتار درباره آنان گزارش نشده است. بانوانی همچو فاطمه دختر هشتم، کنیز ابوخیزرانی از این افراد بودند.

شایان ذکر است در میان بانوان گاه زنانی از جبهه مخالف تشیع نیز با کمکهای مالی و مانند آن، خواسته یا ناخواسته به ائمه (علیهم السلام) کمک می کردند و به همین سبب می توان عنوان نیمه همراه به آنها داد؛ نظیر مادر متوکل از جبهه مخالف که برای شفای متوکل مبلغی پول نذر امام هادی (علیه السلام) کرد.

2/ب) بانوان غیر همسو با جریان تشیع

در عهد ابناء الرضا (علیهم السلام) بانوانی بودند که نه تنها با تشیع همراه نبودند بلکه در پیشبرد اهداف امامت و تشیع مانع تراشی هم کردند مانند علیّه (1) با وجود اینکه فرزند و خواهر امام معصوم (علیه السلام) بود ولی با همراهی کردن جعفر کذاب، مانع بزرگی در عصر غیبت به وجود آورد و اگر روشنگری های بانوان راوی نبود چه بسا مسیر تشیع را تغییر می دادند.

گفتار سوم: گونه شناسی بانوان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام)

اشاره

بانوان راوی از جمله زنان مؤثر دوران معصومان (علیهم السلام) بودند که از محضر معصوم (علیه السلام) کسب علم می نمودند و علاوه بر ارتقاء سطح فکری و عقیدتی شان، تأثیر مثبتی بر اصلاح افکار عمومی و هدایت مردم به اصل امامت داشتند. شرایط اجتماعی و سیاسی در

ص: 37

عصر ابناء الرضا (عليهم السلام) تأثیر مستقیمی بر تعداد راویان زن داشته است. در واقع این بانوان نقش واسطه فرهنگی در حفظ جریان تشیع را ایفا نمودند و توانستند در کنار اصحاب امام (علیه السلام) میراث حدیثی شیعه را که مهم ترین منبع معارف دینی بعد از قرآن محسوب می شد را به نسل های بعد انتقال دهند و اثر مثبتی بر جای گذارند. (1) زنان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا (عليهم السلام) را می توان از نظر مشارکت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در جامعه به دو گروه بستگان و غیر بستگان ابناء الرضا (عليهم السلام) تقسیم نمود که تحت تأثیر و تعلیم مکتب جعفری بودند. آنان با تأسی به تعالیم اسلام واقعی، نقش مؤثری در انتقال معارف اهل بیت (عليهم السلام) و دفاع از حریم ولایت و تبیین مسائل دینی داشتند. البته این دو گروه از بانوان در گونه بندی جزئی تری به بستگان سببی و نسبی و غیر بستگان آزاده و کنیز تقسیم می شوند که در ادامه شرح حال مختصری از ایشان، بیان می شود.

الف) بستگان ابناء الرضا (عليهم السلام)

1/الف) بستگان نسبی

1/الف_1) حکیمه دختر موسی بن جعفر (علیه السلام) (2)

ص: 38

1- در انتهای فصول این نوشتار در بخش جداول و نمایه ها، نموداری تطبیقی از تعداد بانوان راوی در منابع در دوره معصومان و ابناء الرضا (عليهم السلام) همراه با توضیحی اجمالی ارائه خواهد شد

2- برخی منابع، نام حکیمه را برای دختر امام رضا (علیه السلام) نیز آورده اند لکن هیچ اشاره ای به زمان تولد یا وفات وی نمی کنند. در مسند امام جواد (علیه السلام) یک حدیث از این بانو آورده شده که دقیقاً شبیه نقلی است که از حکیمه دختر امام نهم (علیه السلام) آمده است. روایتی است که یک بار از زبان حکیمه دختر امام جواد (علیه السلام) در باب شهادت و یک بار در باب دلالات مطرح می شود و یک بار همان داستان از زبان حکیمه دختر امام رضا (علیه السلام) در هر دو مورد بیان می گردد با این تفاوت که یکی برای عرض تسلیت نزد ام الفضل رفته و دیگری برای کارهای شخصی بوده است. شیخ مفید، تنها پیشوای هشتم (علیه السلام) را تنها دارای یک فرزند می دانند که نامش محمد و لقبش جواد (علیه السلام) و پیشوای نهم شیعیان است. فقط عزیز الله عطاردی در اثر خود مسند الامام الجواد (علیه السلام) از این بانو نام می برد که دلیل ایشان نامعلوم است. (عطاردی، عزیز الله، مسند الامام الجواد (ع)، ج 1، ص 274).

حکیمه به عنوان ثقه (1) و در شمار زنان راوی حدیث شیعه محسوب می شود و روایت مفصل سندش به بانو حکیمه می رسد. نام وی در بخش نام فرزندان امام کاظم (علیه السلام) ثبت شده است. برخی منابع نام وی را حلیمه آورده اند اما حکیمه صحیح تر به نظر می رسد. وی را از بانوان نامدار و مؤثر در خاندان اهل بیت (علیهم السلام) بود که اکثر کتب معتبر شیعه، روایات او را نقل می کنند. هنگام شمارش نام فرزندان پیشوای هفتم (علیه السلام) نام این بانو را آورده اند لکن از زیست نامه این بانو گزارشی یافت نشد. شواهدی دال بر حیات او تا سال 195 قمری وجود دارد. (2)

1/الف_2) حکیمه خاتون

به گفته شیخ صدوق نام دختر امام جواد و عمه امام عسکری (علیهم السلام) علاوه بر حکیمه، خدیجه و حلیمه هم ذکر شده است. به نظر می رسد صحیح تر آن است که حکیمه لقب او بوده است. نام اصلی این بانو، امامه بوده است. او محضر چهار امام (علیهم السلام) را درک نموده است. ولادت حکیمه خاتون را بین سالهای 213 تا 219 ق ثبت کرده اند. تاریخ وفات او را هم سال 274 ق (چهارده سال پس از آغاز غیبت صغری) ذکر کرده اند. او در سامرا پایین پای امام عسکری (علیه السلام) به خاک سپرده شد.

بانو حکیمه از زنان ثقه و راوی حدیث است که در کتب معتبر امامیه، از جمله کتب اربعه، از او روایت نقل شده است. محمد بن یعقوب کلینی، شیخ طوسی، محمدباقر مجلسی

ص: 39

1- ثقه، یکی از واژه های پرکاربرد در منابع رجالی است که در وصف راویان معتبر به کار رفته و حاکی از مورد اعتماد بودن بودن راوی است. (فیروزآبادی، القاموس المحیط، ج 3، ص 390)

2- نخرمشاهی و دیگران، دائرة المعارف تشیع، ج 6، ص 480، حسون، محمد و مشکور ام علی اعلام النساء المؤمنات، ص 368؛ محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج 4، ص 149

(م 1110 ق)، سید عبدالله شبّر (م 1242 ق) آیت الله خویی (م 1317 ق)، علامه مامقانی (م 1351 ق) و محدث قمی (م 1359 ق) راوی بودن او را تصدیق کرده اند. (1)

گزارش های حکیمه خاتون درباره ماجرای ازدواج امام عسکری (علیه السلام) با نرجس خاتون در منابع موجود است. او یکی از شاهدان ولادت دوازدهمین امام بوده و شرح داستان ولادت امام را به تفصیل و کامل (2) بیان کرده است. همچنین نام این بانو در زمره کسانی ثبت شده که امام عصر (عج الله فرجه) را رؤیت کرده اند. وی اصحاب سر و سفیر امام زمان (عج الله فرجه) در دوره غیبت بود.

1/الف_3) خدیجه دختر جواد (علیه السلام)

خدیجه دختر امام جواد (علیه السلام) بانویی عارف و معتقد به امامت دوازده امام و عالم به اخبار معرفی و در روایتی در کتاب غیبت شیخ طوسی از وی نام برده شده است. حدیثی که سید محسن امین از کتاب غیبت ذکر نموده است نظیر حدیثی است که در برخی از نسخه های این کتاب برای حکیمه دختر امام نهم (علیه السلام) نقل می شود و چنین به نظر می رسد که اختلافی در نسخ است و شواهد نشان می دهد که خدیجه همان حکیمه دختر محمد بن علی است. (3)

ص: 40

1- امین، محسن، اعیان الشیعه، ج 1، ص 217؛ خرمشاهی و دیگران، دائره المعارف تشیع، ج 1، ص 481، صادقی اردستانی، احمد، زنان دانشمند و راوی حدیث ص 471؛ کلینی، الکافی، ج 1، ص 330؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص 424 حسون محمد و مشکور، ام علی اعلام النساء المومنات، ج 1، ص 346 2 کامل ترین روایت درباره کیفیت ولادت امام آخر (عج) از زبان حکیمه خاتون نقل شده است. مرحوم کلینی در کافی آنگاه که اشاره مختصری به روایات تولد حضرت حجت علیه السلام دارد، پس از ذکر رجال مذکور در ابتدای سند از راوی نهایی که همان حکیمه خواهر امام هادی (ع) است می نویسد. 3 کلینی، الکافی، ج 1، ص 266؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص 426، مفید ارشاد ص 351؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص 268؛ طبرسی، اعلام الوری، ص 396؛ مسعودی، اثبات الوصیه ص 1426؛ حسون، محمد و مشکور، ام علی، اعلام النساء المومنات، ص 3461؛ خصیبه، الهدایه، الکبری ص 355 اربلی، کشف الغمه فی معرفه الاثمه، ج 2، ص 951. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 102، ص 99

2- اکامل ترین روایت درباره کیفیت ولادت امام آخر (عج) از زبان حکیمه خاتون نقل شده است. مرحوم کلینی در کافی آنگاه که اشاره مختصری به روایات تولد حضرت حجت علیه السلام دارد، پس از ذکر رجال مذکور در ابتدای سند از راوی نهایی که همان حکیمه خواهر امام هادی (ع) است می نویسد

3- ینی، الکافی، ج 1، ص 266؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص 426، مفید، ارشاد، ص 351، شیخ طوسی، الغیبه، ص 268؛ طبرسی، اعلام الوری ص 396؛ مسعودی، اثبات الوصیه ص 1426؛ حسون، محمد و مشکور، ام علی، اعلام النساء المومنات، ص 3461؛ خصیبه، الهدایه الکبری، ص 355 اربلی، کشف الغمه فی معرفه الاثمه، ج 2، ص 951. مجلسی محمدباقر، بحار الانوار، ج 102، ص 99

سُبیکه نوبیه، مادر امام نهم (علیه السلام) از خانواده ماریه قبطیه همسر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و اهل نوبه است، کنیه اش ام الحسن است و نام های مریسیه، ریحانه نیز برای ایشان ثبت شده است. (1) در برخی از منابع نیز آورده شده که اسم وی «دُرّه» بوده و امام رضا (علیه السلام) او را خَیْزُرَان نامیده اند. (2)

دو حدیث از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و امام کاظم (علیه السلام) درباره ایشان در منابع ذکر شده است. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) درباره خَیْزُرَان و امام جواد (علیه السلام) فرمود: (3) پدرم فدای پسر بهترین کنیزان که اهل نوبه و پاکیزه و مطهر است. همچنین پیشوای هفتم (علیه السلام) به یزید بن سلیط فرمود: اگر توانستی سلام مرا به آن جاریه برسان. (4) این دو حدیث گویای شأن و منزلت والای این بانو است. برخی خیزران را در زمره زنان محدث معرفی کرده اند. (5) از آنجا که این بانو، همسر و مادر معصوم (علیهم السلام) بوده اند، بی شک سخنانی از سیره و سبک زندگی ایشان برای بازگویی، نشر و تبلیغ داشته و راوی امام (علیه السلام) بوده اند اما این روایات به ثبت نرسیده و حدیثی یافت نشد.

-
- 1- کلینی، کافی، ج 1، ص 492 شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، 307 شیخ مفید، ارشاد، ص 316؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 50، ص 11 و 7؛ قهپائی، عنایه الله، قهپائی، عنایه الله، مجمع الرجال، ج 7، ص مجمع الرجال، ج 7، ص 174 و 188؛ اشعری، سعد بن عبد الله، المقالات و الفرق، ص 99؛ نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، ص 91، طبرسی، تاج الموالید ص 101
 - 2- تعدّد نام در بین عرب ها رایج بوده، به ویژه برای کنیزان؛ چرا که ورود آنها به سرزمین غیر مادری یا به خانه مولا و مالک جدید، زمینه نام گذاری و تغییر اسامی را در پی داشته است (ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج 3، ص 24)
 - 3- «بأبي ابن خیره الإمام النوبیه الطیبه» (محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج 3، ص 22).
 - 4- همان
 - 5- قهپائی، عنایه الله، مجمع الرجال، ج 7، ص 174؛ غروی نایینی، نهله، محدثات شیعه، ص 171

مادر امام هادی (علیه السلام) به نقل مشهور منابع ام ولد (1) و از اهالی مغرب بوده است. نام وی سمانه مغربیه، مریبه، ام ولد، سوسن؛ ماریه قبطیه، حویت است که سمانه مغربیه شهرت بیشتری دارد. علامه مجلسی می نویسد سمانه مکنی به ام فضل بود. چه بسا دلیل یکی دانستن سمانه و ام فضل دختر مأمون عباسی این امر باشد. (2)

پیشوای نهم (علیه السلام) 60 دینار یا به قولی 70 دینار به محمد بن فرج، نواده جعفر طیار داد و همراه با مشخصاتی او را مأمور خرید این بانو کرد. (3) محمد بن فرج هم مطابق دستور امام (علیه السلام) وی را خرید و به نزد ایشان آورد. امام (علیه السلام) آن کنیز را تربیت نمود و دستور داد تا با زنان دیگر معاشرت داشته باشد " از این رو به اطاعت و عبادت خدا رو آورد و از پرهیزگاران متعهدان و قاریان قرآن شد". گزارش دقیقی درباره زمان ولادت و رحلت این بانو یافت نشد اما مطابق برخی اقوال دوران امامت امام حسن عسکری (علیه السلام) را درک نموده و سرانجام در منزل امام هادی (علیه السلام) وفات نمود و در کنار مزار آن حضرت در سامرا مدفون گردیده است. (4)

ص: 42

1- ام ولد اصطلاحی فقهی است درباره کنیزی که از مالک خود باردار شود. این اصطلاح در لغت به معنای مادر فرزند اساس نقل شیخ مفید در ارشاد، مادر هفت تن از معصومان (علیهم السلام) از جمله شهربانو مادر امام سجاد (علیه السلام) و نرجس مادر امام مهدی (عج الله فرجه) ام ولد بوده اند. (مفید ارشاد، ج 2، ص 137 - 215 - 247 - 273 - 297 - 313 - 339)

2- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم، ص 324. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 13، ص 126؛ ابن ابی الثلج، تاریخ اهل بیت، ص 123؛ طبرسی، اعلام الوری ص 374؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 36، ص 194؛ ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم، ص 324. اشهب، منصور بن کاظم، بحر الانساب، ص 35 ابن ابی الثلج، تاریخ اهل بیت، ص 16. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 50، ص 114 همان، ج 13، ص 126. ابن ابی الثلج، تاریخ اهل بیت ص 124. قمی، شیخ عباس الانوار البهیه 426، قرشی، باقر شریف تحلیل زندگی امام هادی ص 21 طبری، تاریخ، ص 216

3- قمی، شیخ عباس، الانوار البهیه، 426، قرشی، باقر شریف، تحلیل زندگی امام هادی، ص 21. طبری، تاریخ، ص 216

4- قمی، شیخ عباس، الانوار البهیه، 426، قرشی، باقر شریف، تحلیل زندگی امام هادی، ص 21. طبری، تاریخ، ص 216 ابن عبدالوهاب، حسین، عیون المعجزات، ص 130، قرشی، باقر شریف، تحلیل زندگی امام هادی ع ص 22. حسون محمد و مشکور ام، علی اعلام لنساء المومنات، ص 448

مادر امام عسکری (علیه السلام) کنیزی مغربی بود که قبل از سال 230 ق، به منزل امام هادی (علیه السلام) آورده شدوی ام ولد و از زنان عارف و فاضل زمانه ی خود بود. درباره نام وی و کنیه اش اختلاف است. نام حُدیث و سَلیل در منابع برای وی ذکر شده است. امام هادی (علیه السلام) پس از اولین ملاقات، او را ستود و فرمود: سَلیل (یکی از القاب سوسن) از بدی ها و آلودگی ها پاک است. ایشان بعد از ولادت فرزندش امام حسن عسکری (علیه السلام) با "ام الحسن" و "ام ابی محمد" نامیده شدند و با تولد امام عصر (عج الله فرجه) با عنوان "جده" شهرت یافتند. در منابع از تاریخ ولادت بانو به طور دقیق سخن نیامده است، وفات او با توجه به وصیتش پس از شهادت امام (علیه السلام) و در دوره غیبت صغری بوده است. (1) بانو حدیث وصیت کرد: هرگاه از دنیا رفتم، مرا در کنار قبر شوهرم، امام هادی (علیه السلام) و فرزندم امام عسکری (علیه السلام) دفن کنید. مرقد این بانوی بزرگوار در حرم عسکریین (علیهم السلام) قرار دارد. با وجود آنکه اکنون روایتی از این بانو باقی نمانده است؛ اما برقی (م 274 یا 280 ق)، شیخ طوسی (م 460 ق) و طبرسی (م 548 ق) او را از روایات حدیث بر شمرده اند. (2)

مادر امام مهدی (عج الله فرجه) جاریه یا کنیز رومی و ام ولد که تحت تعلیم حکیمه خاتون قرار داشت، از بانوان تاریخ ساز شیعه است. برای این بانوی گرامی نام هایی ذکر شده که عبارت اند از: ریحانه، نرجس، صقیل، سوسن، مریم دختر زید العلویه، ملیکه دختر

ص: 43

1- اسکافی، محمد بن همام بن سهیل، منتخب الانوار، ج 2، ص 313. مسعودی، اثبات الوصیه، ص 244. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص 115.

2- کلینی، اصول، کافی 2، ص 159؛ بحرانی، هاشم مدینه المعاجز ص 603 قهپائی عنایه الله، مجمع الرجال، ج 7، ص 173

یشوعا. در حدیثی از جابر، منقول از لوح یا صحیفه حضرت فاطمه (س)، نام مادر حجه بن الحسن (عج الله فرجه) به این مضمون نوشته شده است: "أُمَّهُ جَارِيَةٌ اسْمُهَا نَرْجِسٌ".

ولادت دقیق این بانو مشخص نیست. در خصوص زمان وفاتش نیز دو نقل وجود دارد: شیخ صدوق رحلت این مُخَدَّرَه را پس از رحلت امام حسن عسکری در سال 261 ق می داند. او می نویسد: بانو نرجس هنگام شهادت امام عسکری (علیه السلام) بر بالین امام بوده است. مجلسی رحلت بانو نرجس را در حیات امام عسکری (علیه السلام) یعنی قبل از ربیع الاول سال 260 ق می داند. از آنجا که نرجس خاتون از بانو حکیمه درس آموخت و این بانو نزدیکی زیادی به امام معصوم (علیه السلام) داشته است، بعید نیست که حامل روایاتی باشد که ثبت نشده و به دست ما نرسیده است. (1)

ب) غیر بستگان ابناء الرضا (علیهم السلام)

زنان غیر وابسته و صحابی (اعم از زنان آزاده و کنیز) در دوره ابناء الرضا (علیه السلام) نیز نقش خود را در پیشبرد اهداف ایشان و رسالت انتقال مفاهیم شیعه به دیگران، به خوبی ایفا نمودند. از جمله زنان معروف این گروه عبارت است از:

1/ب) زنان آزاده (حر)

1/ب_1) ام احمد بن الحسین

زهرام احمد بن حسین (حسین بن موسی) (2) که او با عنوان زاهره نیز ثبت شده است. شرح حالی از این بانو موجود نیست و تنها رجال طوسی و تنقیح المقال مامقانی از او نام برده اند.

ص: 44

1- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص 432؛ ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی المنتظم، ص 364؛ شیخ طوسی، الابواب رجال الابواب (رجال الطوسی)، ص 393؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج 51، ص 28. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص 307. و ص 431؛ جلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 51 ص 5

2- از اصحاب امام رضا (علیه السلام)

شیخ طوسی، نخستین شخصی است که از وی در ذیل بانوان صحابی امام جواد (علیه السلام) نام میبرد پس از ایشان شیخ ذبیح الله محلاتی و علامه مامقانی وی را از صحابیات و روایات حدیث امام جواد (علیه السلام) بر شمرده اند. در نظر رجالیان اندکی اختلاف وجود دارد؛ مامقانی معتقد است که زهرا و ام احمد بن الحسین دو نفر هستند. وی مادر احمد بن داوود بغدادی بود که بیش از چهل روایت از احمد بن داوود (1) فرزند این بانو وجود دارد. تاریخ ولادت یا وفات این بانو یافت نشد، اما از آنجا که وی در زمره صحابیان امام جواد (علیه السلام) قرار می گیرد، طبیعتاً دوره زندگی اش همزمان با اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم می باشد. (2)

1/ب_2) امّ علی

شیخ صدوق ام علی را به عنوان زن راوی معرفی نموده است به استناد از قاسم صیقل که نقل می کند که وی نوشته ای برای امام هادی (علیه السلام) نگاشته است. وی از روایات امام دهم (علیه السلام) معرفی می شود. اما در کتب رجالی نامی از ایشان به میان نیامده است و توضیحات بیشتری یافت نشد. (3)

1/ب_3) فاطمه دختر هارون بن موسی

ص: 45

1- احمد بن داوود قمی معاصر امام حسن عسکری (علیه السلام) بوده است؛ زیرا در تمامی کتب رجالی از وی به عنوان مصاحب و معاصر علی بن الحسین بن بابویه (م 329 ق) یاد می کنند. از آنجا که این شخصیت، به نقل از کتاب احتجاج طبرسی امام حسن عسکری (علیه السلام) را دریافته است، می توان نتیجه گرفت که احمد بن داوود نیز دوران این حضرت را درک کرده است. (خرمشاهی و دیگران، دائره المعارف تشیع، ج 1، ص 519 و 305)

2- محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج 2، ص 266. حسون، محمد و مشکور، ام علی اعلام النساء المؤمنات، ص 368؛ امین محسن، اعیان الشیعه، ج 7، ص 69، محلاتی ذبیح الله ریاحین الشریعه ج 2 ص 266 مامقانی به رجال طوسی کرده است اما آقای محلاتی منبع را ذکر نمی کند. تنها مامقانی چنین نظری را بیان داشتند. حسون، محمد و مشکور، ام علی، اعلام النساء المؤمنات، ص 368؛ مهرجویی، زهرا، زنان راوی حدیث عصر امام جواد علیه السلام مجموعه مقالات همایش امام جواد، ج 3، ص 3، ص 109

3- ابخش اصحاب و راویان، نرم افزار سیره معصومان (علیهم السلام) خزعلی، موسوعه الإمام الهادی (علیه السلام)، ج 4، ص 201

از دیگر بانوان راوی در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام) فاطمه دختر هارون بن موسی بن الفرات می باشد. تلعکبری از این او نقل می کند که من شنیدم که پدر بزرگم موسی بن ابن الفرات گفت: برای من محمد بن ابی عمیر (1) حدیثی از کتابی می خواند که غیر از او نشنیده بودم. لازم به توضیح است که در کتب رجالی از وی به عنوان زن راوی یاد می شود هرچند که روایتی از ایشان ثبت نشده است. (2)

1/ب_4) زینب دختر محمد بن یحیی

زینب دختر یحیی بانوی راوی احادیث امام جواد (علیه السلام) محسوب می شود. در رجال شیخ طوسی وی در زمره صحابیات ابوجعفر ثانی امام جواد (علیه السلام)) آورده شده است. تنقیح المقال وی را امامی مذهب معرفی کرده است لکن نقل می کند ویژگی منحصر به فردی در این بانو نیست! حدیث یا روایتی از این بانوی صحابی یافت نشد. (3) از آنجا که این مُخَدَّره، راوی امام جواد (علیه السلام)، بوده طبیعتاً در سالهای 200 تا 220 قمری می زیسته است.

1/ب_5) فاطمه دختر هیثم

فاطمه دختر هیثم به نام سیابه معروف است. علمای رجالی او را محدث؛ نمی شمارند لکن نام این بانوی شیعی به واسطه اخبار مهمی که درباره جعفر کذاب نقل کرده، مورد توجه متون

ص: 46

1- محمد بن ابی عمیر از جمله محدثانی است که با چهار امام معصوم علیهم السلام (امام صادق، امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم السلام) بود. (ر.ک: مامقانی، عبد الله بن محمد حسن، تنقیح المقال، ج 2، ص 63؛ اردبیلی، جامع الرواه، ج 2، ص 50)

2- خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ج 24، ص 226

3- ابو القاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج 23، ص 191، امین محسن، اعیان الشیعه، ج 7، ص 142؛ شیخ طوسی، رجال، ص 380 حسون، محمد و مشکور، ام علی، اعلام النساء المؤمنات، ص 415؛ مامقانی، عبد الله بن محمد حسن، تنقیح المقال، ج 3، ص

80

روایی شیعه قرار گرفته است. این بانو هنگام ولادت جعفر کذاب در منزل پیشوای دهم (علیه السلام) حضور داشته و شاهد خوشحالی اهل خانه و عدم شادی امام هادی (علیه السلام) است. وی نقل می کند هنگامی که می خواست جعفر به دنیا بیاید، در خانه ی امام هادی (علیه السلام) بودم. دیدم همه اهل منزل به جز امام (علیه السلام) خوشحال هستند. گفتم ای سید و آقای من! چرا به آمدن این مولود خوشحال نیستید؟ حضرت فرمود: او به شما توهین می کند، زیرا بسیاری از افراد را گمراه می کند. (1) شیخ صدوق ضمن نقل این گزارش، سلسله روّات متصل به آن را نیز نقل می کند.

1/ ب_6) کلثم الکرخیه

کلثم را در زمره محدثات دانسته اند و شیخ طوسی و شیخ برقی او را از اصحاب و راویان امام علی بن محمد هادی (علیه السلام) شمرده اند. از احوالات وی مطلبی یافت نشد. علامه مامقانی می نویسد: امامی مذهب بودنش آشکار است. لکن ندانستم که چگونه او را حسن بشمارم. وی از امام هادی (علیه السلام) نقل حدیث کرده و عبدالرحمن شعیری، احمد بن داود نیز از وی نقل روایت کرده اند. (2)

2/ ب) کنیزان

2/ ب-1) امّ محمد

امّ محمد مولاہ ابی الحسن (علیه السلام) (علیه السلام) از کنیزان (آزاد کرده) امام رضا (علیه السلام) بود که به نقل از مسعودی خبر شهادت امام کاظم (علیه السلام) را از امام هشتم (علیه السلام) نقل کرده است. که تنها

ص: 47

1- خزعلی، ابوالقاسم، موسوعه الإمام الهادي (ع)، ج 4، ص 30. یهون علیک امره فأنه سیضل خلقاً کثیراً؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص 321

2- طوسی، رجال، ص 427، برقی، رجال، ص 62 خویی معجم رجال الحدیث، ج 23، ص 199. مامقانی، عبد الله بن محمد حسن، تنقیح المقال، ج 3، ص 82، غروی نایینی، نهله، محدثات شیعه، ص 269

حدیث ثبت شده از این بانو محسوب می شود. به دلیل جوّ حاکم پس از شهادت امام هفتم (علیه السلام) خبر دادن وی بسیار ارزشمند است. این بانو عضو گروه راویان امام هادی (علیه السلام) محسوب شده است. در کتب رجالی اسمی از او نیامده است لکن حضور در خانه معصومان (علیهم السلام) و به نظر می رسد. مشاهده سیره این حضرات موجب نقل قول شفاهی خواهد شد هر چند که در کتب رجالی نامی از این بانو به میان نیامده باشد

2/ب (2) زلال یا غزال (1)

وی کنیز یکی از فرزندان موسی بن عیسی عباسی بود و حدیث میل و مولود را روایت کرده است. (2) در شمار راویان میلاد است. این کنیزی خبر میلاد امام آخر (عج الله فرجه) را از زبان حکیمه خاتون برای دیگران نقل می کند. از شرح حال این بانو چیزی یافت نشد. آنچه حتمی است این کنیز به مقام اهل بیت (علیهم السلام) آگاه بوده و ارتباطاتی با بانو حکیمه داشته است و حکیمه خاتون با وجود تأکید بر مخفی نگاه داشتن ولادت، ایشان را لایق آگاهی از این خبری شناخته است.

2/ب (3) کنیز ابوعلی خزیزرانی (خیزرانی)

ص: 48

1- در روایت راوی به هر دو نام اشاره کرده است

2- ما طفلی بیمار داشتیم و بانویم به من گفت: به منزل حسن بن علی (علیهما السلام) برو و به حکیمه بگو چیزی بدهد تا بدان برای این مولود استشفای کنیم و چون رفتیم و آنچه را که بانویم گفته بود بازگو کردم، حکیمه گفت: آن میلی را بیاورید که با آن چشم مولودی که دیروز متولد شد سر مه کشیدیم. و مقصودش فرزند حسن بن علی (علیهما السلام) بود. و میل را آوردند و بانو آن را به من داد. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 511

کنیز ابوعلی خیزرانی در زمره بانوانی می باشد که در زمان امام حسن عسکری (علیه السلام) می زیسته است و به ولادت امام عصر

(عج الله فرجه) اشاره می کند. ابوعلی کنیزی داشت که به امام عسکری (علیه السلام) اهدا نمود. پس از شهادت امام (علیه السلام) به علت آزارهای جعفر کذاب، از خانه امام گریخت و دیگر بار به خانه ابوعلی رفت و با وی ازدواج کرد.

ابوعلی می گوید: از کنیز ابوعلی شنیدم که می گفت: هنگامی که سید (عج الله فرجه) متولد شد نور درخشان او را مشاهده کرده که از او ظاهر گردیده و به افق آسمانها رسیده است و پرندگان سپیدی که از آسمان فرود می آیند... (1) به دلیل زندگی در بیت امام راوی شفاهی سیره امام (علیه السلام) بوده است و اینکه توفیق شاهد بودن ولادت امام مهدی (عج الله فرجه) را داشته حاکی از حافظ اسرار بودن وی است.

2/ب_4 نسیم

نسیم کنیز و خادمه بیت امام عسکری (علیه السلام) و یکی از شاهدان پیشوای دوازدهم (عج الله فرجه) محسوب می شود. دو نقل در مورد وی ذکر شده است: شیخ صدوق (م 381)، او را از کنیزان امام عسکری (علیه السلام) بر شمرده است و حدیثی از نسیم در باب ولادت، عطسه زدن و فرمایش حضرت حجت (عج الله فرجه) آورده است. لکن شیخ طوسی (م 460) در الغیبه نسیم را خادم مرد امام ذکر و او را از مردان راوی محسوب کرده است و حدیث عطسه زدن امام عصر را نقل می کند. (2) اما در اینکه او مرد بوده است، جای تردید است؛ زیرا به خاطر رعایت حدود و حفظ شرعیات، غیر ممکن است هنگام ولادت حضرت مهدی

ص: 49

1- همان، ص 431

2- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص 430 - 440؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص 232؛ غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، ص

287

(عج الله فرجه) خادم مرد میان بانوان حضور یافته و شاهد ولادت ایشان باشد. از نسب و شرح حال نسیم اطلاعی در دسترس نیست.

2/ب_5) ماریه

ماریه از کنیزان و خادمان بیت امام عسکری (علیه السلام) و یکی از شاهدان ولادت امام آخر (عج الله فرجه) بوده است. شیخ صدوق (م 381ق)، روایت ولادت و عطسه را از نسیم و ماریه نقل کرده است. به نظر می رسد این بانو شایستگی لازم برای خبر داشتن از ولادت امام زمان (عج الله فرجه) را به رغم تأکید بر مخفی بودن ولادت ایشان داشته است. [\(1\)](#) شاید منظور از آگاهی کنیزان امام، این بود که افراد مختلف از این رویداد مطلع شوند و در مواقع ضروری شهادت دهند و اطلاع رسانی کنند و شیعیان را از تحیر پس از شهادت امام عسکری (علیه السلام) رهایی بخشند. از شرح حال و خاندان ماریه نیز اطلاع دقیقی در دست نیست.

هنگامی که کنیزان نیز مانند زنان آزاد و شیعه ائمه (علیهم السلام) دارای فضل و دانش میشوند، این نکته آشکار میگردد که اهل بیت (علیهم السلام) برای تعلیم همه مسلمانان تلاش داشتند و برای افزودن علم آنان دریغ نمی کردند و کنیزانی که در این خاندان رشد کردند افزون بر بهره مندی از علوم واقعی اسلامی، موجب هدایت مسلمانان، بویژه شیعیان نیز شدند. [\(2\)](#)

ص: 50

1- همان

2- در انتهای فصول این نوشتار در بخش جداول و نمایه ها، دونمونه جدول و نمودار مربوط به این بخش ارائه خواهد شد.

غناى فرهنگى، مصونیت فکرى و فرهنگى جامعه را موجب مى شود در مقابل، فقر فرهنگى و عدم آشنایى عمیق با مسائل دینى، آسیب پذیرى فرهنگى و دینى را در پی خواهد داشت. برای درک بهتر فرهنگ هر جامعه ای شناخت تاریخ آن جامعه ضرورت دارد و این امر بدین جهت بایسته است که فهم و درک فرهنگ هر جامعه ای مبتنی بر شناخت آن جامعه است. لذا شناخت تاریخ و اوضاع محیطى و فرهنگى دوران ابناء الرضا (علیهم السلام) دارای اهمیت است.

از امتیازات تشیع توان علمى رهبران آن است که در موقعیتهای گوناگون بروز و ظهور مى یافت. ابناء الرضا (علیهم السلام) با تبیین انحرافات و بازتعریف آموزه ها و تعالیم اسلامى از درگیرى افکار عامه به انحرافات عقیدتى پیشگیری مى کردند و بانوان راوی شیعه، برای دور کردن فضای ذهنى حاکمان از آن بزرگواران و اجتناب از آزار آنها راهبرد فرهنگى حساب شده ای ترسیم کردند. از جمله نقش های ویژه این دسته از بانوان، حفظ بنیان فکرى و فرهنگى تشیع در مقابل سیاست های حکومت و گرایش های عقیدتى زمانه ی خود بوده

است. روزگاری که جامعه شیعی چه از نظر جانی و مالی و چه از نظر فرهنگی سخت مورد تهدید بود

انسان پیوسته با چالش یا بحران های گوناگون درونی و بیرونی مواجه است که مهمترین بحران، عدم معرفت دینی و بدتر از آن چالش تربیت دینی است. سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) اهل بیت (علیهم السلام) منبعی غنی برای استخراج آموزه های دینی بویژه شناخت معارف اسلامی است که با مطالعه آن می توان نکات تربیتی ارزشمندی را استخراج نمود و در اختیار مربیان قرار داد. تربیت شاگردانی زبردست و استفاده از آنان در موارد لازم، از جمله کارهای فرهنگی که امامان معصوم (علیهم السلام) بدان اهتمام می ورزیدند و بانوان روایتگر نیز همراه ائمه (علیهم السلام) و در کنار اصحاب ایشان، پس از درس آموزی و روشن شدن معارف دین و جایگاه امام برای خود موجب هدایت سایر شیعیان نیز شدند و معارف حقیقی دین و جایگاه امام (علیهم السلام) را برای افراد جویای حقیقت آشکار و تبیین کردند.

بررسی زندگی بانوان فرهیخته و مؤثر در این دوران، افزون بر روشن ساختن اوضاع سیاسی، فرهنگی آن روزگار، راه های عملی دفاع از ولی خدا و دین الهی را نیز به تصویر می کشد. گونه شناسی عملکرد فرهنگی بانوان راوی شیعه در دو گفتار عملکرد تعلیمی - تبیینی و ترویجی - تبلیغی گوشه ای از فعالیتهای ثبت شده ی ایشان است.

گفتار اول: عملکرد تعلیمی - تبیینی

الف) عملکرد تعلیمی

ملل و اقوامی که در جهت غنای فرهنگی کوشیده و آثاری از خود باقی گذارده اند، مسیر تاریخ و سرنوشت جوامع را تغییر داده اند. رشد فرهنگی با تعلیم و تربیت حاصل می شود و به دیگران منتقل می گردد لذا حرکت و فعالیت بانوان راوی شیعه در دوران ائمه (علیهم السلام)

ص: 52

در راستای ارتقاء فرهنگی در این دو حیطة لازم و ضروری می نمود. این گونه از بانوان پس از درس آموزی در مکتب تشیع برای آموزش و پرورش سایر شیعیان همت گماردند که در این بخش به برخی از اقدامات ایشان اشاره می شود.

1/الف) آموزش و تعلیم

آموزش به اقدامات یا فعالیت های از قبل طراحی شده اطلاق می گردد که با هدف ایجاد یادگیری در دانش اندوزان بین معلم و افراد دانشجو به صورت رابطه دو جانبه انجام می شود. (1) آموزش در واقع تلاشی برای انتقال دانش، ارزش یا مهارتی خاص به شاگردان است.

با ظهور اسلام و بنیان گذاری فرهنگ اسلامی توسط نبی خاتم (صلی الله علیه وآله) و تأکید ایشان بر آموزش (2) و آموختن علم توسط زنان و مردان (3) تحولی در جامعه اسلامی پدید آمد. حقیقت اسلام به زنان عزت و رفعت داد در دوره مدنیت عرب (اسلام) ترقی و اهمیت مقام زن از اینجا معلوم می شود که در میان مسلمین زنان تحصیل کرده و خانم هایی که در علوم و ادبیات استاد بودند وجود داشت. (4) زنان در سده ی نخست در فراگیری حدیث و نقل آن برای دیگران توانا و دقیق بودند. نام و شرح حال بیش از 1500 تن از زنان محدث سده ی نخست در تاریخ ثبت شده است. (5)

ص: 53

-
- 1- سیف علی اکبر روانشناسی تربیتی، ص 2، ابراهیم زاده، عیسی، فلسفه تربیت، ص 26
 - 2- رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود علم را بیاموزید حتی در چین (ر.ک: مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 1، ص 177؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 1، ص 286)
 - 3- رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: کسب دانش بر هر مسلمانی واجب است (کافی، ج 1، ص 30) همچنین می فرماید: طلب علم بر هر مرد و زن مسلمان واجب است. (مجلسی محمد یاقر، بحارالانوار، ج 67، ص 68)
 - 4- لوبون، گوستاو، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ص 502
 - 5- شبلی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ص 266

با نگاهی به گزارش های تاریخی و دقت در اسامی بانوان، این نکته روشن می شود که اهل بیت (علیهم السلام) و یاران ایشان در خانواده های خویش نیز مباحث علمی را مطرح می کردند زیرا اغلب زنان فاضله همسران، دختران و یا اقوام نزدیک اصحاب معصومان (علیهم السلام) بودند که در معارف اسلامی تبحر داشتند؛ علاوه بر آن این بانوان اگر سؤالی داشتند با مراجعه مستقیم به امام (علیهم السلام) به پاسخ می رسیدند و گره گشای سایر بانوان نیز بودند و این چنین از علم ائمه (علیهم السلام) بهره می بردند.

آموزش غالباً در محیطی ویژه ی آن تدریس صورت می گیرد که به عنوان کلاس یا دانشگاه شناخته شده و ممکن است دارای ویژگی های خاص حتی تفکیک جنسیت باشد لکن نباید این تصویر را در مورد آموزش های زمانه ائمه (علیهم السلام) ترسیم کرد. معصومان (علیهم السلام) معمولاً در مسجد (1) و یا در منزل، کلاس های تدریس شان را برگزار می کردند و بانوان عالمه و برجسته آن زمان نیز متأسی از شیوه تعلیم ائمه (علیهم السلام) غالباً در خانه به آموزش می پرداختند. این شیوه از صدر اسلام مرسوم بود و حضرت فاطمه و حضرت زینب (سلام الله علیهما) نیز به آموزش مسلمانان و بویژه بانوان می پرداختند. در مدت زمانی که حضرت امیر مؤمنان (علیه السلام) در کوفه حضور داشتند، حضرت زینب (سلام الله علیها) به تعلی و ارشاد بانوان کوفه مشغول بودند. در منابع آمده است که حضرت زینب (سلام الله علیها) در کوفه مجلس درسی برای زنان تشکیل می دادند و برای ایشان قرآن را تفسیر می کردند. (2)

در واقع جوینده دانش به علم می نگرد نه به عالم، دانشجو گمشده خود را نزد هرکس که باشد می یابد و جنسیت، زمان و مکان، قید و محدودیتی برای او نیست. زن یا مرد بودن

ص: 54

-
- 1- مساجد علاوه بر کارکرد عبادی کارکردهای متفاوتی داشت منجمله کارکرد آموزشی. در نگاهی تاریخی، در مساجد شاخه های مختلف علوم اسلامی بویژه قرآن، احادیث، احکام، اخلاق و علوم متعلق به آنها بویژه علم کلام و فقه آموزش داده می شد
 - 2- جزائری، سید نعمت الله خصائص زینبیه، ص 68، قزوینی، محمد کاظم، زندگانی حضرت زینب (س)، ص 38

عالم، در خانه، مسجد و یا در صحنه جنگ برای دانش اندوزی تفاوتی ندارد. امامان (علیهم السلام) برای آموزش، تمایزی بین مردان و زنان قائل نبودند و اگر امکان داشت که بانوان علم بیاموزند و تحت تعلیم قرار گیرند، دریغ نمی کردند کلاسهای تدریس امام صادق (علیه السلام) و تربیت 37 بانوی دانشمند و محدث مؤید این مطلب است. (1)

بانوان راوی شیعه نیز شیوه آموزشی معصومان (علیهم السلام) را ادامه دادند و برای آموزش شیعیان، تلاشی چشمگیر داشتند که بخشی از آن در گزارش های تاریخی ثبت شده است. به عنوان نمونه حکیمه خاتون که در جلسات پرسش و پاسخ حتی به سؤال مردان نیز جواب می دادند و بانو حدیث نیز در این دوره با معرفی ولی عصر (عج الله فرجه) به عنوان امام به حق، تلاش می کردند .

معمولاً آموزش توسط بانوان راوی شیعه به دو طریق بود:

0 به شیوه خصوصی شبیه پرسش احمد بن ابراهیم از حکیمه خاتون

0 به شیوه عمومی (پرسش و پاسخ عمومی) شبیه پرسش و پاسخ علویه ها و دانشجوهای بانوان راوی شیعه نیز معمولاً دو گروه بودند:

0 عده ای که پیشینه کسب علم در محضر ائمه (علیهم السلام) قبلی داشتند و در جامعه فعالیت علمی می کردند و فقط برای مسائل جدید و پرسش و پاسخ مراجعه می نمودند مانند مراجعه علویه ها

0 عده ای که تازه مسلمان بودند و نیاز به تعلیم ویژه داشتند. این بانوان برجسته در جهت تعلیم کنیزان نیز اقداماتی انجام دادند گزارشی از حکیمه خاتون در جهت

ص: 55

تعلیم نرجس خاتون آمده است که هنگامی که به عنوان کنیز خریداری شدند در ابتدا تعالیم ناب اسلام توسط ایشان انجام گرفت. (1)

شیخ صدوق (م 381 ق) از احمد بن ابراهیم نقل می کند که او در سال 262 ق به محضر حکیمه خاتون رسیده است و بانو از پشت پرده درباره دینش با او صحبت و امامش را معرفی کرده است. در این گفت و گو او از حکیمه خاتون درباره مکان امام عصر (عج الله فرجه) می پرسد. بانو می فرماید او در پشت پرده غیبت قرار دارد و مستور است و دسترسی به وی ممکن نیست. سؤال می کند: پس شیعه به کجا پناه برد؟ می فرماید: به مادر امام حسن عسکری (علیه السلام) می پرسد: آیا به کسی که زن است، اقتدا کرده و او را در این خصوص مقدم نمایم؟ می فرماید: این کار دقیقاً به مثابه وصیت کردن امام حسین (علیه السلام) به خواهرش زینب (سلام الله علیها) بود که وی اوامر و مطالب علی بن الحسین (علیه السلام) را انجام می داد و این کار باعث پوشیده شدن راز امامت آن بزرگوار شد. (2)

همچنین در گزارش تاریخی آمده است که شماری از بانوان علوی به همراه محمد بن قاسم علوی از حکیمه خاتون در مورد ولادت امام آخر (عج الله فرجه) کسب تکلیف کردند. محمد بن قاسم نقل می کند: من همراه عده ای از بانوان علوی بر حکیمه دختر محمد بن علی بن موسی (علیهما السلام) وارد شدیم. ایشان گفت: آمده اید تا از چگونگی ولادت ولی خدا موسی پرسید؟ گفتیم به خدا سوگند آری! (3)

از گزارش های فوق چند نکته به نظر می رسد:

ص: 56

-
- 1- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص 507؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص 230؛ قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، ص 250 طبری، ابن رستم، دلائل الامامه، ص 499,426؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 51، ص 12
 - 2- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص 507، شیخ طوسی، الغیبه، ص 230؛ قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، ص 250
 - 3- طبری، ابن رستم، دلائل الامامه، ص 499

1_ مرجعیت بانو و پاسخ به سؤالات مختلف شیعیان و معرفی امام غایب (عج الله فرجه) از بین بردن سرگشتگی آنان در دوره غیبت از طریق راویان زن.

2_ حضور اجتماعی زنان و حفظ حدّ و مرز شرعی در پاسخ به مراجعان؛ آنجا که می گوید حکیمه خاتون از پشت پرده پاسخ گفت.

3_ اینکه بانو از پس پرده سخن گفته است، نشان می دهد گرچه رهبر در پس پرده است، ارتباط با وی قطع نخواهد شد.

4_ این بانوان برجسته به زمان و شرایط موجود آگاه بودند و با شجاعتی بی نظیر و همکاری با یکدیگر گره های مختلف فکری و عقیدتی را می گشودند.

5_ استفاده از تعبیر "ولیّ خدا" در کلام حکیمه خاتون دال بر جو یا شدن از جانشین واقعی پیشوای یازدهم (علیه السلام) است.

6_ معرفی بانو حدیث به عنوان پناهگاه شیعه و پاسخ گویی به سؤالات و شبهات شیعه توسط وی و حکیمه خاتون در روزگار بحران تاریخ تشیع، حاکی از مقام و موقعیت بالای این بانوان و جایگاهشان به عنوان واسطه بین امام معصوم و شیعیان است و رشد علمی و معنوی این بانوان را نشان می دهد.

7_ با وجود ناپیدا بودن امام (علیه السلام) حلقه اتصال او با شیعیان قطع نشد و بانو با ارتباط مستقیم با امام عصر (عج الله فرجه) و بهره بردن از استراتژی تقیه، شیعه را از تنگ راه هایی نظیر تفرقه و انحرافات فکری پیش رو به سلامت عبور داد.

2/ الف) تربیت

پس از فرآیند تعلیم و آموزش، تربیت لازم است. در واقع تربیت، پرورش و از قوه به فعل رسانیدن استعدادها و توانمندی های بالقوه انسان است و محصول مراقبتی است که از نشو و نما و نمای انسان در جریان رشد وی یعنی سیر سوی کمال به عمل می آید. در تربیت، مربی موانع

درونی‌مربی را برطرف و او را برای شکوفایی و رشد و بالندگی و رسیدن به حقیقت مهیا می‌سازد. (1) در واقع مربی در تربیت از مربی‌مطالب آموزش داده شده را بیرون می‌کشد به خلاف تعلیم که وظیفه معلم آموزش و بیان نکاتی جهت آموزش است. اگر تربیت فطرت‌گرا باشد نتیجه آن موجب آماده شدن انسان برای رویارویی با چالش‌ها می‌شود.

به مدد تربیت و کشف و شکوفایی استعدادهای انسان، میراث فرهنگی به نسل بعدی منتقل و امکانات بایسته جهت غنای فرهنگی مهیا می‌شود و انسان‌های آگاه، متخصص و مسئول که خود و دیگران را محترم بشمارند، تربیت، فرهنگ علمی و دینی و ارزش‌های فرهنگی را به جامعه منتقل می‌کند. یک جامعه به انسان‌های مؤمن، با انگیزه، مهذب نیازمند است تا همچو راهبری دلسوز راه را از بیراهه نشان دهد و جامعه را برای رویارویی با بحران‌ها و سازگاری با مقتضیات زندگی قادر سازد.

از جمله ابعاد مهم عملکرد فرهنگی بانوان، حضور فعال در عرصه‌های تربیت دینی و افزایش دانایی است و تشویق آموزه‌های اسلامی و سبک زندگی معصومان (علیهم‌السلام) نقش مهمی در تأمین این نیاز و بهره‌مندی از آن در اصلاح فرد و جامعه و پرورش انسان‌های آگاه و متعهد دارد.

سختی‌ها و شدائد در تربیت انسان نقش اساسی دارد و به دلیل استقامت در برابر روح بشر صیقل می‌یابد و بوی خوش کمالات و حقیقت وجودی انسان نیز در سایه همین سختی‌ها تراوش می‌کند. سختی روزگار ابناء الرضا (علیهم‌السلام) موجب ساخته و آماده شدن روح شیعیان برای ورود به عرصه‌ای سخت‌تر یعنی عصر غیبت گردید. در محضر ابناء الرضا

ص: 58

1- ابراهیم زاده، عیسی، فلسفه تربیت، ص 28، افروز، غلام‌علی، روانشناسی و تربیت ص 8، شکوهی، غلامحسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن، ص 6

(علیهم السلام) بانوان شایسته ای بانوانی به سان مادران و همسران ائمه (علیهم السلام) و خادمین بیت ایشان رشد یافتند که در جهت تربیت شیعیان کوشیدند.

بانو خدیجه دختر امام جواد (علیه السلام) از زنانی که در این زمینه حضور فعال داشت. خزاز مدائنی وابسته به خدیجه خاتون بود و در خانه ایشان خدمت می کرد، به واسطه تربیت و راهنمایی مولای خود با جریانهای انحرافی مانند واقفیه برخورد و شیعیان را ارشاد می نمود. (1)

زهره مادر احمد بن الحسین راوی امام جواد (علیه السلام) نیز نقش تربیتی مادری و شاگردی را به خوبی ایفا نموده است و نقل بیش از چهل حدیث از فرزند این بانو احمد بن داوود (2) نشان از میزان اعتماد امام به ایشان است.

مادر و همسر امام هادی (علیه السلام) از جمله بانوانی بودند که در انجام وظیفه مادری و تربیت فرزندان خود اهتمام بسیاری داشتند. پیشوای یازدهم (علیه السلام) بر این امر تأکید کرده و خطاب به یکی از بزرگان سامرا که او را در دوران کودکی ملاقات کرده بود، فرمود: "ای بهلول! همانا من در کنار مادرم بودم؛ او را دیدم که می خواست برای پختن غذا، چند قطعه هیزم ضخیم را زیر اجاق روشن کندولی آن ها روشن نمی شد تا آنکه مادرم مقداری هیزم باریک و کوچک را روشن کرد و سپس آن هیزم های بزرگ و ضخیم به وسیله آن ها روشن گردید." آن حضرت از اقدام مادر خود آموخته بود که عامل افروختن آتش دوزخ نباشد همان طوری که هیزم های سبک؛ سبب افروختن آتش اجاق می شدند و به این طریق امام (علیه السلام) در سنین کودکی از رفتار غیر مستقیم مادر، خوف از خدا را آموختند.

ص: 59

-
- 1- دلشاد تهرانی، مصطفی منظر مهر (مبانی تربیت در نهج البلاغه)، ص 119 بحرانی، هاشم، مدینه المعاجز، ص 79
 - 2- احمد بن داوود قمی معاصر امام حسن عسکری (علیه السلام) بوده است؛ زیرا در تمامی کتب رجالی از وی به عنوان مصاحب و معاصر علی بن الحسین بن بابویه (م 329 ق) یاد می کنند. از آنجا که این شخصیت، به نقل از کتاب احتجاج طبرسی، امام حسن عسکری (علیه السلام) را دریافته است، میتوان نتیجه گرفت که احمد بن داوود نیز دوران این حضرت را درک کرده است. (خرمشاهی و دیگران، دائرة المعارف تشیع، ج 1، ص 519 و 305)

در این میان باید به نقش اساسی و کلیدی بانو حُدیث نسبت به تربیت دیگر فرزندان اشاره نمود که همگی از معارف رجال عصر خود بودند به غیر از جعفر که قابلیت بهره گیری از نور هدایت و تربیت مادر را نداشت. صبر و ایستادگی در مقابل شدائد روزگار که از مهمترین مسائل تربیتی است را می توان از برخی گزارش های تاریخی دریافت. شدت ایمان و صبر بانو چنان بود که وقتی فرزندش محمد که نزد شیعیان اعتبار و منزلتی داشت، از دنیا رفت (252 هـ) جزع و فزع نکرد و آن را از مقدرت الهی دانست که برای امتحان بندگانش به کار گرفته است.

ب) عملکرد تبیینی

تبیین به معنی تفسیر و توضیح و پاسخگویی به پرسش هایی نظیر "چرا" و "چگونه" است. تبیین یک پدیده، یافتن پاسخ برای یک مسئله است. این مسئله ممکن است یک مسئله ی فرهنگی یا یک مسئله ی جامعه شناختی و... باشد. اصطلاح تبیین فرایندی است، عقلی - پژوهشی (معرفتی) که براساس دلیل و برهان و به شیوه ای منسجم و منطقی، به بررسی جنبه یا جنبه های گوناگون یک مسئله پرداخته و از پیدایش مسأله ی مجهول یا امر مبهم، به وجود می آید. در این بخش عملکرد تبیینی بانوان راوی شیعه در بسط و تفسیر جایگاه امامت و مسئله مهدویت واکاوی می شود.

1/ب) تبیین جایگاه امامت و معرفی امام

به علت اهمیت جایگاه امامت در اندیشه شیعه، عنوان امامیه به معتقدان امامت امیر مؤمنان (علیه السلام) و معصومان پس از ایشان تعلق گرفته است. بر اساس اعتقادات شیعه، اسامی ائمه (علیهم السلام) و ولایت آنها از زبان پیامبر (صلی الله علیه وآله) بیان گردیده است.

سختی و عدم دسترسی ائمه (علیهم السلام) در رابطه‌ی آزاد و بدون مانع با مردم برای تبیین معارف دینی و تربیت آزادانه و وسیع دوستداران علم، وجود عقاید و فرق گوناگون و تبلیغ و ترویج برخی عقاید توسط نهاد خلافت، از جمله دلایل اختلاف در معارف و خطا کردن در مسائل شناخت امام حتی تا حد تجسیم و تشبیه و غلو گردید. این اختلاف در دوران ابناء الرضا (علیهم السلام) گاهی موجب اثر پذیری بعضی شیعیان از این عقاید منحرف می شد که البته در دوره امام جواد (علیه السلام) کم تر بود لکن هر قدر به دوره غیبت نزدیک می شد، این اختلافات بیش تر می گردید. نمونه این عقاید در کتب شیعی آمده است. روایات فراوانی در مورد جایگاه حجّت الهی و ضرورت شناخت و تبعیت از حجّت و خالی نبودن زمین از حجّت و نظیر آن نقل شده است که خط شیعه را در لزوم همسویی با معصوم (علیه السلام) ترسیم می کند؛ لذا شناخت و معرفی امام و پاسخگویی به چرایی وجود امام، مهم ترین حرکت فرهنگی محسوب می شود.

بانوان عصر ابناء الرضا (علیهم السلام) نیز در پرتو تعلیمات ائمه (علیهم السلام) علاوه بر شناخت امام زمان خویش، در جهت بصیرت افزایی شیعیان تلاش کردند. نمونه هایی از فعالیت های ایشان جهت شناخت و معرفی امام جهت رفع شبهه عدم وجود امام و همچنین تبیین جایگاه امامت در گزارش تاریخی آمده است که عبارت اند از:

در گزارشی آمده که حکیمه دختر امام کاظم (علیه السلام) قابله امام نهم (علیه السلام) بوده است و در گزارش های دیگری مانند شهادت امام جواد (علیه السلام) نیز نام وی ذکر شده است. [\(1\)](#) به عبارتی اصل جریان ولادت امام نهم (علیه السلام) از حکیمه دختر امام کاظم (علیه السلام) منقول است و ماجرای تقاضای امام هشتم (علیه السلام) از حکیمه برای حضور در شب میلاد پیشوای نهم (علیه السلام) و چگونگی ولادت در منابع از وی ثبت شده

ص: 61

1- ابن شهر آشوب، مناقب، ج 4، 394؛ یوسف بن حاتم شامی، جمال الدین، الدر النظیم، ص 703

است. به نظر می‌رسد حضور این بانوی راوی و مورد اعتماد امام رضا (علیه السلام) در کنار مادر امام جواد (علیه السلام) و شهادت وی بر ولادت امام نهم (علیه السلام) مولودی که عده‌ای سعی داشتند به دلیل دیر فرزند دار شدن امام رضا (علیه السلام) ولادت امام جواد (علیه السلام) را انکار کنند، نقش تعیین کننده و سرنوشت سازی در تقویت باور شیعیان به وجود امام (علیه السلام) و رفع تحیر شیعه در یافتن امام بعدی و شناسایی حجت حق داشته و تأیید ولادت توسط این بانو تا حدودی شبهه عدم وجود امام پس از امام هشتم (علیه السلام) را از بین برده است.

در مورد شناخت شأن و منزلت امام، می‌توان بانو سمانه را مثال زد، میزان معرفت بانو به گونه‌ای بود که امام هادی (علیه السلام) در وصف ایشان می‌فرماید: "مادرم به حق من شناخت دارد و از اهل بهشت است شیطان سرکش به او نزدیک نشود و نیرنگی هیچ ستمگر متکبر به او نمی‌رسد او تحت نظر خداوندی است که خواب به او راه ندارد محفوظ و مصون از گزند دشمن بوده و هم‌تراز مادران راستین و شایسته است".^[1] از تمجید و ستودن پیشوای دهم (علیه السلام) می‌توان دریافت که این بانو منزلت و شایستگی فرزند خود را به عنوان حجت الهی به خوبی میدانند و به منصب و جایگاه امامت فرزندش به روشنی آگاه است که خود دال بر معرفت وی نسبت به مباحث معرفتی در حوزه‌ی امام شناسی یک بانو است. همچنین تصدیق امام هادی (علیه السلام) در مورد بهشتی بودن او حکایت از وجود یک ایمان قوی و روح مؤمنانه در این یک بانو است که می‌تواند او را از صفات زشت و آلوده به گناه دور بدارد که شیطان هیچگاه به او نزدیک نشود و در بهشت جای گیرد. بی‌گمان مادر این

ص: 62

1- مسعودی، اثبات الوصیه، ص 428، قمی، شیخ عباس انوار البهیة، ص 426

انسانهای منتخب، خود باید برگزیده باشد. به همین دلیل در آثار دینی از تبار امامان معصوم (علیهم السلام) با عناوینی شبیه "اصلاب شامخه" و "ارحام مطهره" یاد شده است.

از آنجا که امامت در اسلام آخرین مرحله سیر تکاملی انسان محسوب می شود، دفاع از این جایگاه وظیفه شیعیان است. گاهی دفاع و ردّ ادعاهای دروغین مدعیان سرسخت نیز نوعی حمایت از جبهه ولایت و تایید امام بر حق محسوب می شود. بنابراین نقل روایت فاطمه دختر هشتم (1) در مورد ماجرای ولادت جعفر کذاب و ردّ ادعای امامت جعفر، را می توان از موارد دفاع از مقام امامت و ولایت و حرکت تبیینی جایگاه امامت برشمرد.

2/ب) تبیین فرهنگ مهدویت

مقصود از مهدویت، اعتقاد به منجی ای است که در آخرالزمان ظهور می کند و بشریت را نجات می دهد. چون اسلام یک دین جهانی است مهدویت یک فلسفه بزرگ جهانی است. در میان شیعیان بانام محمد بن حسن (علیهم السلام) و لقب هایی نظیر "مهدی آل محمد (صلی الله علیه و آله)" به عنوان دوازدهمین امام معصوم (علیهم السلام) مشخص گردیده است. "شیعه باخبر مسلم و قطعی خود، منجی را بانام، بانشان، با خصوصیات، با تاریخ تولد، می شناسد." (2)

اندیشه مهدویت موضوعی کلامی است که با رویکردهای تبلیغی تربیتی و نظایر آن می توان به آن پرداخت. دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) پس از مأیوس شدن از شناسایی و دستگیری امام آخر (عج الله فرجه) به اختلافات مذهبی مسلمانان دامن زدند و فرقه های جدید و منحرف و مدعیان دروغین مهدویت را تقویت نمودند. در این میان آنچه ایجاب می کند که در این مسئله دقت بیشتری صورت گیرد، توجه به این امر است که امامان شیعه (علیهم السلام) در

ص: 63

-
- 1- نام این بانوی شیعی به واسطه اخبار مهمی که درباره جعفر کذاب نقل کرده، مورد توجه متون روایی شیعه قرار گرفته است
 - 2- خزعلی، ابو القاسم، موسوعه الإمام الهادي (ع)، ج 4، ص 30. مطهری، مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار (ع)، ص 259 بیانات مقام معظم رهبری، انسان 250 ساله، ص 367

تبیین مهدویت و آگاهی بخشی صحیح به مردم درباره آن از هیچ کوششی فروگذار نکرده و از ویژگی های مهدی (عج الله فرجه) و نشانه های زمان ظهور او به تفصیل سخن گفته اند. از طرفی با توجه به کنترل مستقیم ابناء الرضا (علیهم السلام) مسئولیت اصحاب امام عسکری (علیه السلام) و بانوان شیعه بسیار سنگین تر می شد زیرا که باقی ماندن این اختلاف ها، شکاف های عمیقی بر پیکره اسلام و تشیع وارد می ساخت.

بنا بر سخنان پیش گفته، بانوان نیز در کنار اصحاب امام (علیه السلام) به میدان آمدند؛ به عنوان نمونه بانو حُدَیث برای تبیین جایگاه امام غایب_ مهدی (عج الله فرجه)_ و آگاهی شیعیان از ولادت و ویژگی های ایشان نقش مهمی ایفا کردند و در خصوص ادعاهای ناهلان هشدار می دادند. (1)

عکس العمل بانو حُدَیث در مقابل مدعیان دروغین امامت مانند فرزندش جعفر کذاب، گامی مؤثر در راستای معرفی امام واقعی بود. از آنجا که جعفر کذاب خود را به عنوان وصی و جانشین برادرش می دانست و گروهی از مردم را همراه خود کرده بود. ورود مادر امام یازدهم (علیه السلام) به سامرا (2) و رد ادعاهای جعفر و پاسخ به سؤالات و راهنمایی هایی که کردند به تدریج این فضای ابهام آلود و تردید آمیز پس از رحلت امام عسکری (علیه السلام) را به وضعیت عادی بازگرداند.

حکیمه خاتون نیز با گزارش ولادت حضرت حجت (عج الله فرجه) و تأیید وجود ایشان و همکاری با بانو حُدَیث و پاسخ به سؤالات شیعیان گام مهمی در تبیین مهدویت و جایگاه مهدی (عج الله فرجه) و شناخت ایشان برداشتند که در بخش قبلی نیز به نقش ایشان در تعلیم شیعیان به این اقدام اشاره شد.

ص: 64

1- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 46، ص 19 و 20؛ همان، ج 51 ص 364

2- بانو حُدَیث در سال 259 ق به منظور حفظ جان مهدی (عج الله فرجه) به همراه ایشان از سامرا به سوی مکه حرکت کردند و پس از شهادت امام عسکری (علیه السلام) به سامرا بازگشتند

بانوان راوی شیعه به سؤالات شیعیان پیرامون عدم رؤیت امام زمان (عج الله فرجه) و دوران حیرت پاسخ می دادند و خادمه ها و کنیزان امام مانند نسیم و ماریه، غزال، کنیز ابوعلی خیزرانی نیز با اعلام ولادت امام آخر (عج الله فرجه) به شیعیان، نوید حضور و وجود امام مهدی (عج الله فرجه) را می دادند. به این ترتیب فرهنگ مهدویت، این آرمان حقیقی و پویا تأثیر بسیار مهمی در جهت دهی به مسلمانان و امیدواری آنان به آینده و صبر و تحمل در برابر مشکلات و نامایمات گذاشت.

گفتار دوم: عملکرد ترویجی - تبلیغی

ترویج واژه ای عربی از ماده روح به معنی رواج دادن، رونق دادن است؛ تبلیغ نیز واژه ای عربی از ماده بلغ به معنای رسانیدن، رساندن پیغام یا خبر، پیام یا مطلبی به اطلاع مردم رسانیدن در معنای اصطلاحی تبلیغ در متون جامعه شناسی و روانشناسی عبارت است از انتشار و انتقال اطلاعات، عقاید و دیدگاه هایی میان افراد به منظور نفوذ و ایجاد دگرگونی و تأثیر در روحيات و افکار و رفتارهای آنان، در متون اسلامی تبلیغ شاخه ای از علم ارتباطات است که به هر وسیله ممکن و مشروع میخوهد مردم را به اسلام متمایل سازد. سیره پیامبر (صلی الله علیه وآله) و امامان (علیهم السلام) و اصحاب بزرگ، همواره بر تبلیغ معارف الهی بوده است. (1)

منظور از معارف الهی مجموعه عباراتی است که از راه خاصی و از طریق متون دینی و احوال و رفتار پیشوایان دینی به دست می آید. معرفت خدا از مهمترین عبادات است و همه ی تکالیف مقدمه ی معرفت خدا هستند ولی معرفت خدا واجب و مطلوب نفسی است. (2) معرفت دینی را اینگونه تعریف کرده اند: "معرفت دینی عبارت است از شناخت و فهم

ص: 65

-
- 1- الزبیدی، مرتضی، تاج العروس، ج 3، ص 385، عمید حسن فرهنگ عمید، صص 373_392 الفراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج 4، ص 421 خندان (الویری)، محسن، تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی، ص 90
 - 2- رخشاد، محمد حسین، در محضر حضرت آیت الله العظمی بهجت، ج 1، ص 22

عالمان دین از آن حقایقی که از غیر راه های بشری به دست آمده است. وقتی گفته می شود فهم یا معرفت دینی، مراد فهم هر شخصی از دین یا متون دینی نخواهد بود، بلکه منظور از فهم عالمان دین، فهم روش مند، متخصصانه و مضبوط می باشد. " (1) جامعه بشری به تبیین، ترویج و تبلیغ معارف دین توسط علما نیازمند است انسان باید از حضور علما و اولیای الهی جهت شناخت و درک معارف الهی نهایت بهره را ببرد، اگر انسان از این نعمت استفاده نکند دچار ضرر می شود.

شناخت فضای روحی و روانی مخاطب و محیط اطرافش از جمله مراحل است که در فرآیند تبلیغ حائز اهمیت است. (2) در دوره خلافت عباسیان، معصومان (علیهم السلام) به طور دائم در فشار سیاسی بودند و کم تر مجال تبلیغ علنی و چهره به چهره داشتند و اصحاب نزدیک ایشان، بهترین پل ارتباطی اهل بیت (علیهم السلام) و جامعه بودند. زنان روایتگر و شایسته ی اعتماد ائمه (علیهم السلام) افزون بر کسب معرفت و اصلاح فردی، در کنار معصومان (علیهم السلام) و یاران ایشان با هوشمندی، امر تبلیغ و ترویج دین را در دست گرفتند و در جهت نشر معارف دین اسلام و اصلاح جامعه گام های مؤثری را برداشتند و با درک درست از شرایط موجود، برای جلوگیری از انحرافات دینی و عقیدتی تلاش کردند.

ابناء الرضا (علیهم السلام) برای تعلیم مسائل دینی به زنان اعم از کنیز و آزاده اهتمام زیادی داشتند و برای نیل به این هدف یا به صورت مستقیم خود اقدام می کردند و یا غیر مستقیم از زنان معتمد و عالمه ای همچو حکیمه خاتون که از رشد یافتگان مکتب تشیع بودند مدد می گرفتند. نمونه این مدعا را می توان در خصوص تدابیر امام جواد (علیه السلام) برای همسر خویش سمانه و تدابیر امام هادی (علیه السلام) برای بانو حُدیث و امام حسن عسکری (علیه السلام)

ص: 66

1- خسرو پناه، عبدالحسین کلام جدید، ج 1 ص 42

2- بابازاده، علی اکبر، شیوه های تبلیغ و تعلیم، ص 179

برای نرجس خاتون اشاره کرد. همسران و مادران ائمه (علیه السلام) به عنوان نزدیکترین افراد به معصومان (علیهم السلام) و زنانی اسوه از محضر امامان (علیهم السلام) کسب علم و معارف دین نمودند و در ترویج دین و معارف الهی کوتاهی نکردند.

قسمت عمده ای از سیره و سبک زندگی ابناء الرضا (علیهم السلام) توسط بانوان گزارش شده است. احادیث متعددی از حکیمه خاتون (سلام الله علیها) درباره سیره و شخصیت امامان و پاسخگویی به مسائل امامت و مهدویت ذکر شده که حاکی از ارزش و اعتبار ایشان در رهنمود و راهنمایی شیعیان و تبلیغ معارف دین است. حلیمه و خدیجه دختران امام جواد (علیهم السلام) (1)، کلثوم کرخیه و فاطمه دختر هارون بن موسی (2) نیز از دیگر بانوان روایت گر دوره ابناء الرضا (علیهم السلام) بودند که در جهت ترویج معارف الهی تلاش کردند.

زنان راوی شیعه با تحصیل علم، حمایت از همسران خویش و تعلیم و تربیت شیعیان آگاه در آن بحران سیاسی و با تبلیغ اصل اصیل دین، تهدیدها را به فرصت تبدیل کردند و حضور پررنگی در پیشبرد اهداف فرهنگی و سیاسی ابناء الرضا (علیهم السلام) داشتند. البته میزان تأثیرگذاری این بانوان در علوم مختلف جای بررسی دارد و طبقه بانوان راوی زن و تحلیل عملکرد و تأثیرات آنان در جامعه اسلامی نیاز به پژوهشی دیگر دارد.

ص: 67

1- بحرانی، هاشم، مدینه المعاجز، ص 79

2- قزوینی زکریا بن آدم، آثار البلاد و اخبار العباد، ج 1، ص 46_47، شیخ طوسی، الغیبه، 394

در روزگار کنونی به رغم ادعاها و شعارهای جریانهای غربی و فمینیستی جایگاهی شایسته شأن و مقام زن ایجاد نشده است. وضعیت کنونی زنان مسلمان علی‌رغم توسعه حضور اجتماعی، دارای حد متوسطی از پیشرفت است. به همین دلیل افراد جامعه مخصوصاً زنان باید نسبت به موضوع "زن" آگاهی‌های لازم را از تعالیم اسلام ناب و تشیع به دست آورند. دین اسلام به زنان شأن و جایگاهی برابر با مردان بخشیده است تا جایی که همپای مردان با پیامبر بیعت کردند و بدین صورت مشارکت سیاسی و اجتماعی شان مشروعیت یافت. زن و مرد همواره در ارزشهای اسلامی، انسانی و تکالیف عمومی یک انسان، در جامعه اسلامی یکسان بوده‌اند و تنها در تکالیف اختصاصی، آن هم بر اساس خصوصیات آفرینش آن‌ها اختلافاتی وجود دارد.

خداوند در شأن و منزلت زنان مؤمن آیاتی را نازل و حتی سوره‌های به نام "نساء" نام‌گذاری کرده است. دین اسلام به عنوان دینی که به تمام ابعاد فردی و اجتماعی انسان دقت دارد برای زنان نیز حق مشارکت در صحنه‌های مختلف قائل است. بر این اساس، زنان از همان آغاز دوشادوش با مردان در حفظ و صیانت از دین اسلام و رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

تلاش کردند و در میدان های مهمی مشابه بیعت، هجرت و جهاد توانایی خویش را اثبات نمودند. آموزه های مکتب تشیع برای زنان نیز حق مشارکت در صحنه های سیاسی و اجتماعی قائل است. زن همانند مرد، می تواند در سرنوشت سیاسی دخیل باشد و در دستگاه حاکمیت و قدرت سهم داشته باشد و در این زمینه، هیچ مانعی وجود ندارد. لذا در عهد ابناء الرضا (علیهم السلام) نیز بانوان راوی شیعه به عنوان بخشی از اجتماع شیعیان اقداماتی انجام دادند که شاید در برهه ای از زمان گاه از عهده مردان خارج و نیاز بود بانوان برجسته به میدان بیایند و نگذارند نهال نوپای اسلام و تشیع به بیراهه رود و در حفظ وحدت و یکپارچگی مسلمانان بالأخص شیعیان بکوشند و از چالش های فراروی این دوره که مهم ترین آن ها غیبت امام آخر (عج الله فرجه) بود با کمترین آسیب عبور کنند و الگویی برای مسلمانان عصر غیبت گردند. در این فصل با دو بخش عملکرد اجتماعی و سیاسی بانوان راوی شیعه، اقدامات ایشان ملاحظه خواهد شد.

گفتار اول: عملکرد اجتماعی زنان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام)

اشاره

اجتماعی بودن انسان در متن خلقت و آفرینش او نهادینه شده است. خداوند در قرآن می فرماید: "ای مردم همانا ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را به صورت اقوام و قبایلی در آوردیم تا یکدیگر را بشناسید." (1) در این آیه، افزون بر بیان یک دستور اخلاقی، حاکی از آفرینش اجتماعی مختص به شر است به گونه ای که از سان به صورت های گوناگون ملی و قبیله ای درآمده است.

برای حفظ مجموعه نظام اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر همه مسلمانان سهیم هستند و اسلام این وظیفه را از زن استثنا نکرده است. اسلام با حضور بی قید و شرط زنان

ص: 70

در تمام عرصه ها و از بین رفتن حریم های اخلاقی مخالفت کرده و از سوی دیگر برای فعالیت های ضروری اجتماعی با حفظ عفت مانعی ایجاد نکرده است و راه اعتدال و میانه که سعادت بانوان را در پی دارد در پیش روی ایشان قرار داده است.

با بررسی تاریخ اسلام و تشیع در می یابیم که اسلام در بسیاری موارد حضور زنان را مجاز دانسته است. در کتب تاریخی و روایی اهل تشیع موارد زیادی از حضور زنان در عرصه های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله) بعد از آن در زمان ائمه معصومان (علیهم السلام) وجود دارد. زنان مسلمان با پذیرش دین اسلام و نبوت و رهبری نبی (صلی الله علیه وآله) اطاعت ایشان را پذیرفته اند و در فرمایشات و حرکت های اجتماعی و سیاسی آن حضرت با همراهی یا عدم همراهی، مشارکت یا مخالفت خود را ابراز داشته اند و گاه موجب هویت بخشی اجتماعی و ایجاد وحدت، یکپارچگی و اتصال به معصومان (علیهم السلام) نیز شده اند. این گفتار در دو حوزه ایجاد پل ارتباطی بین امام و شیعیان و همزیستی مسالمت آمیز در مواجهه با فرقه ها و اکاوی می شود.

الف) ایجاد پل ارتباطی بین امام و شیعیان

با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام) و گستردگی جغرافیایی جامعه شیعه در مناطق اسلامی لازم بود افرادی به عنوان نماینده معصوم به سرزمین های اسلامی فرستاده و پلی میان امام و پیروان شوند. به تدریج هنگامی که محدودیت ها و کنترل امامان معصوم (علیهم السلام) زیاده تر گردید و حتی اصحاب نزدیک امام به سختی می توانستند با ایشان ملاقات کنند و گاه عده ای از آنان در حبس به سر می بردند، این بانوان بودند که این پل ارتباطی را ایجاد و این وظیفه خطیر را متحمل شدند تا بار فشار بر این حضرات کاسته شود و از طرفی عرصه فعالیت و پویایی تشیع خالی نماند. در هیچ زمانی ارتباط شیعه و

گسترش تشکیلاتی شیعه در سرتاسر دنیای اسلام مثل حضرت امام جواد، حضرت هادی و حضرت عسکری (علیهم السلام) (علیهم السلام) نبوده است. (1)

مراعات اجتماعی و رسیدگی به افراد جامعه و امور شیعیان از جمله کارهایی بود که در پیوندهای اجتماعی جامعه و امام (علیه السلام) وجود داشت که علاوه بر روابط عادی در حیات اجتماعی، مهمترین بروز آن در جریان وکالت و انتخاب نمایندگانی در مناطق مختلف اسلامی جهت رسیدگی اعتقادی، علمی و اجتماعی شیعیان انجام گرفت. در میان نمایندگان ائمه (علیه السلام) بانوان راوی نیز به مثابه پل ارتباطی امام و شیعیان در ایجاد این پیوندها تلاش کردند و بانوانی نظیر بانوحَمیده و ام فروه در زمان امام صادق (علیه السلام) و بانو حُدیث در زمان امام عسکری و امام غایب (علیهما السلام) گره گشای مسائل مختلف شیعیان بودند.

گزارش های تاریخی نشان می دهد حکیمه خاتون پس از شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) رابط مردم با امام غایب (عج الله فرجه) و پاسخگوی مسائل آن دوران بودند. (2)

شیعیان به عنوان یکی از طبقات اجتماعی دوره ابناء الرضا (علیهم السلام) می بایست، از مسائل پیرامون جانشینی و امامت باخبر می شدند و خط فکری و فرهنگی آنان حفظ و از انحرافات فکری آنها جلوگیری می شد. در این میان، تلاش بانوان راوی شیعی برای شناخت امام و اطلاع از مسائل مربوط به ایشان متمرکز می شد، تا هم خود این معرفت را به دست آورند و هم بتوانند آن را به جامعه منتقل کنند. بانوان با فعالیت های خود و تعامل با شیعیان و اطاعت از رهنمودهای معصوم (علیه السلام) نقش بسزایی در بسط جریان فکری تشیع داشتند.

بانوان راوی شیعه برای جلوگیری از قطع ارتباط با امام غایب در برابر فرقه های درون شیعی که رقیبانی برای جانشین بعد از امام عسکری (علیه السلام) بودند به معرفی جانشین حقیقی

ص: 72

1- بیانات مقام معظم رهبری، انسان 250 ساله، ص 364

2- کلینی، اصول کافی، ج 4 ص 30؛ غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، ص 88؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص 230؛ شیخ صدوق، کمال

الدین و تمام النعمه، ص 507؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص 230

پرداختند و نقش روشننگری در جامعه تشیع ایفا نمودند و اجتماع شیعی را از خطر انحراف حفظ نمودند. برخورد و مواجهه بانوان راوی با مدعیان دروغین گویای نقش اجتماعی آنان را پررنگ تر می‌کند روشننگری فاطمه دختر هیشمو بانو حُدیث درباره جعفر کذاب از اقدامات مهم و به جای این بانوان جهت حفظ ارتباط با امام عصر (عج الله فرجه) بود.

ب) همزیستی مسالمت آمیز در مواجهه با فرقه‌ها

با هم زیستن، زندگی دو تن یا دو گروه و یا دو دولت با یکدیگر را همزیستی مسالمت آمیز گویند. با این فرض که این دو گروه از نظر اعتقادی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی باهم متفاوت اند. در زبان عربی واژه ی «التعايش السلمی» مترادف این عبارت می باشد؛ یعنی زندگی بر اساس الفت و دوستی بنا می شود. مفهوم اصطلاحی آن: "فرقه‌ها و گروه‌های مختلف انسانی در قلمروی جغرافیایی متفاوت، در کنار یکدیگر زندگی کنند." (1) همچنین آنها با یکدیگر ارتباط و تعامل داشته باشند و این تعامل در صورتی شکل می گیرد که به حقوق و آزادیهای اساسی یکدیگر تجاوز نکنند.

مکتب اسلام عادلانه ترین ملاک‌ها را برای ایجاد یک امت واحد که هدف اصلی هدایت قرآنی است، داراست. در امت اسلامی وحدت، امنیت و اصول اسلامی رعایت می شود. اصل همزیستی مسالمت آمیز نیز یکی از اصول مورد نیاز امت اسلامی است.

در زمان امام هادی و امام حسن عسکری (علیهما السلام) افراد مختلف از مناطق گوناگون در سامرا زندگی می کردند. البته غالب مردم سامرا را سپاهیان و اطرافیان دستگاه خلافت و اقوام با ادیان مختلف تشکیل می دادند و شیعه در اقلیت بود. دسته بندی که می توان به آن اشاره کرد عبارت است از:

ص: 73

1- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ص 5184؛ کریمی نیا، محمد مهدی، همزیستی مسالمت آمیز در اسلام و حقوق بین الملل، ص 27؛ کریمی نیا، محمد مهدی همان، ص 30

- ترکان: عنصر اساسی سپاه عباسیان را شکل می دادند که از زمان معتصم به دلیل بی اعتمادی او به سایر عناصر وارد سپاه و محافظان شخصی او شدند. (1)

- بربرهای مغربی: آنان نیز در سپاه عباسی حضور داشتند اگرچه در اقلیت بودند اما در دوره‌های خلفا می کوشیدند با تکیه بر آنها در مقابل ترکان بایستند. (2)

- سیاهان یا زنگیان: خاستگاه شان مناطق شرقی آفریقا خصوصاً سودان و حبشه بود و در این عصر در جامعه اسلامی حضور داشتند و در سپاهیان عباسی نیز زنگیان شرکت می کردند. زنگیان بردگان مسلمانان بودند، کنیزان سیاه در کاخ ها و خانه ها خدمت می کردند. سیاهان به روانی زبان، قدرت بدنی، بخشش و سخاوت، بی آزاری و خنده رویی شهرت داشتند. (3)

- رومیان: به دلیل جنگ مسلمانان با رومیان تعداد زیادی از زنان و مردان رومی نیز به اسارت درآمدند و در سرزمین های اسلامی به عنوان برده حضور داشتند و در حیات فکری جامعه عباسی نقش ایفا کردند. (4)

- ادیان یهودیت و مسیحیت و مکاتب غیر الهی: علاوه بر ناهمگونی قومی در سامرا از نظر دینی هم ادیان یهودیت و مسیحیت و مکاتب غیر الهی نیز حضور داشتند. در این میان حضور مسیحیان در عراق از سایر نواحی پررنگ تر بود. در کتاب حضور اهل ذمه را در دستگاه حکومت عباسی را چنین بیان می کنند این مسیحیان بودند که در بلاد اسلامی بر مسلمانان حکومت می کردند. (5)

ص: 74

1- یعقوبی، البلدان ص 255؛ مکی، محمد کاظم، تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ص 67

2- مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج 2، ص 350

3- مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج 2، ص 350

4- مکی، محمد کاظم، تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ص 73

5- میتز، آدام الحضاره ی الاسلامیه ی فی القرن الرابع هجری، ص 64

- فِرَق مختلف مسلمانان: خود مسلمانان نیز به فرق و مکاتب فکری و مذاهب فقهی مختلف تقسیم می شدند. علاوه بر اهل سنت که اکثریت جامعه را به خود اختصاص داده بودند؛ امامیه و دیگر فرقه های شیعه معتزله و مرجئه نیز در این عصر حضور داشتند. (1)

در اصل همزیستی مسالمت آمیز، باید اصل دین حفظ و برای رسیدن به این هدف امنیت تبلیغ پنهانی دین تأمین شود. اصل همزیستی مسالمت آمیز در مواجهه با فِرَق، در بین یاران ائمه (علیهم السلام) و بانوان راوی نیز اجرا می شد و همین عمل به دستورهای پیشوایان دین و رعایت اصول اساسی تشیع مشابه تقیه و همزیستی مسالمت آمیز و نظایر آن باعث ماندگاری دین اسلام تا به این زمان شده است. علیرغم این گوناگونی اقوام و مذاهب، اصل همزیستی مسالمت آمیز از سوی ائمه (علیهم السلام) در جهت هدایت جامعه انسانی بدون در نظر گرفتن گرایش عقیدتی، مذهبی، سیاسی و ملیت خاص، به عنوان یک مسئله اساسی محسوب می شد. از مهمترین سیره رفتاری معصومان (علیه السلام) رعایت احترام به بزرگان اهل تسنن بود و هیچ گاه لعن خلفا را در بین مردم مطرح و یا سفارش نکردند.

البته معصومان (علیهم السلام) با گروه هایی که هدفشان تغییر در دین بود، به شدت برخورد می کردند. تفاوتی بین شیعه و اهل تسنن قائل نبودند. به عنوان نمونه گروه کلامی مجسمه (2) از جمله افرادی هستند که مورد طرد پیشوای یازدهم (علیه السلام) قرار گرفتند. افرادی مورد لعن قرار گرفتند که در حوزه اعتقادات انحراف ایجاد کردند. (3)

ص: 75

1- بوطالب، نجیب، مبارزات اجتماعی در دولت عباسی، ص 77

2- مجسمه گروهی بودند که برای خدا جسم قائل بودند. سوالاتی در مورد افرادی که برای خدا جسم قائل بودند، از امام (علیه السلام) پرسیده می شد. (شیخ صدوق، التوحید، ص 97 و 104)

3- کشی، محمد بن عمر، رجال الکشي ج 2، ص 804

در جامعه سامرا به دلیل حضور افراد مختلف از مناطق گوناگون و اقوام با ادیان مختلف لازم بود اصل همزیستی مسالمت آمیز رعایت شود. نمونه ای از رعایت این اصل در بین بانوان راوی شیعه، ارتباط خوب حکیمه خاتون با غزال کنیز یکی از عبا سیان و حضور زن ناصبی (1) در هنگام ولادت امام زمان (عجل الله فرجه) نشان از رفتار نیکو و توأم با دوستی و همدلی است. اینکه از فردی که در همسایگی منزل امام (علیه السلام) است دعوت می شود برای کمک به زایمان نرجس خاتون با وجود اختلاف عقیده شان و اعتماد به ایشان بهترین نمونه برای این اصل محسوب میشود.

گفتار دوم: عملکرد سیاسی زنان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام)

اشاره

عملکرد سیاسی به معنای رفتاری است که انسان در موقعیت های گوناگون سیاسی و اجتماعی از خود نشان می دهد. زنان همراه مردان در ساختن جامعه اسلامی فردا شرکت دارند. موضوع مشارکت بانوان از موضوعاتی است که هم با رشد و ارتقای جایگاه و منزلت زنان و مردان و هم با رشد و توسعه جامعه ارتباطی عمیق و اساسی دارد. برای رسیدن به جامعه ای متوازن نقش سیاسی زنان را در کنار مردان باید پذیرفت. نقش آفرینی و مسئولیت پذیری انسان در جامعه مختص مردان نیست. چنانچه پیامبر فرموده اند: هرکدام از شما مسئول هستید. (2) اصل جنسیت در لحاظ و احراز شرایط مدیریت سازمانی و انجام دادن وظایف آن دخالتی ندارد و زنان نیز می توانند در صورت دارا بودن شایستگی های لازم در عرصه مدیریت های سازمانی قبول مسئولیت کنند.

زمان حیات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) جامعه اسلامی دچار چند دستگی نشده بود و اسلام و تشیع باهم عجین بودند ولی پس از رحلت ایشان، جامعه شیعی تا زمان ابناء الرضا (علیهم السلام)

ص: 76

1- کامل، سلیمان، یوم الخلاص فی ظل قائم المهدی، ص 63

2- کُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيهِ

سه نوع نظام سیاسی را تجربه کرده بود. نظام سیاسی دوره خلفاء امویان و عباسیان، که وجه مشترک آنها شیعه ستیزی بود. افزون بر آن، اندیشه های فرهنگی و اجتماعی نیز وجود داشت که حرکت جامعه شیعی را به سوی اهداف اسلام گند و دشوار می کرد و به همین دلیل باید راهکار مناسبی جهت برون رفت از این بحران ها مهیا می شد. بانوان راوی به عنوان یاران ائمه (علیهم السلام) در این راه اقداماتی انجام داده اند که در دو حوزه مدیریت بحران و وصایت و محافظت از اسرار امامت مورد مذاقه قرار می گیرد.

الف) مدیریت بحران

مدیریت یعنی فرآیند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظم ارزشی مورد قبول صورت می گیرد. مفهوم نهفته مدیریت، هدایت تشکیلات انسانی است و مدیریت مؤثر، تصمیم های مناسبی می گیرد و به نتایج مطلوبی دست می یابد. (1) و "بحران" معادل لاتین واژه "krisis" و معادل انگلیسی واژه "crisis" است. در زبان ساده به "زمان خطر" یا "نگرانی" اطلاق می گردد. (2)

بحران رویدادی است که جوامع با آنها مواجه هستند، این بحران ها در قالب و اشکال سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی و اجتماعی وجود دارد. بحران و رخداد معمولاً با آسیب و نگرانی و آفت هایی همراه است که با مدیریت صحیح و مناسب می توان از زیانهای احتمالی آن کاست و یا از بین برد. در مدیریت بحران، دستیابی به پاسخی پسندیده برای مرتفع ساختن شرایط نابهنجار و فوق العاده، به گونه ای باید باشد که ارزشهای مهم، تأمین و حفظ شوند. معمولاً هر بحران اگر درست مدیریت شود نتیجه ای مطلوب خواهد داشت.

ص: 77

1- رضائیان، علی، اصول مدیریت، ص 6

2- باقری مصباح الهدی، «جنبه هایی از مدیریت بحران پیامبر اکرم (ص)»، مجله اندیشه صادق، ش 3 و 4

برون رفت از بحران، مدیری ولایت مدار و به سیار کارآزموده می طلبد تا از شرایط بحرانی به سلامت عبور کند. انسان ولایت مدار در بحران ها به روحیه قوی و استقامت نیاز دارد که آیه قرآن به درستی به آن اشاره دارد.

آنان که گفتند: آفریننده ما خداست و بر این سخن پایدار و ثابت ماندند بر آنها هیچ ترس و بیمی و حزن و اندوهی (در دنیا و عقبی) نخواهد بود. (1)

افراد با روحیه مقاوم می توانند جامعه را حفظ کنند، اگر افراد قوی نباشند و ترسو یا افسرده باشند شکست آنها در رسیدن به اهدافشان حتمی است. بحران ها با تدبیر اسلام یعنی مقاومت و راهکار آیه قوی بودن و استقامت مدیریت می شود. بازآفرینی و باز شناسی زندگانی سراسر حادثه ی حضرت زینب (سلام الله علیها) بویژه رفتار مدبرانه و عالمانه ایشان در حادثه ی عاشورا و پس از آن در جریان اسارت نمونه کاملی از مدیریت و موفقیت ایشان در کنترل بحران است.

در دوره ابناء الرضا (علیهم السلام) دوری و عدم دسترسی به امام زمان خویش، کنترل، اقامت اجباری در سامرا و حبس و احضارهای هفتگی همه گویای نهایت فشار وارده بر معصومان (علیهم السلام) هستند. حاکمان عباسی جست و جو و تفتیش شدیدی برای یافتن فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام) داشتند. گاه ناگهانی برای بررسی به منزل امام (علیه السلام) وارد می شدند و گاه جاسوسانی در پوشش خدمتکار می فرستادند. پس از بیماری امام یازدهم (علیه السلام) چندین پزشک و ده نفر از افراد مورد اعتماد خلیفه را به خانه ایشان فرستادند و امر کردند شبانه روز آنجا باشند. همچنین دستور دادند کنیزان را زیر نظر بگیرند تا متوجه بارداری آنان شوند. این شرایط موجب شد زنان، بهترین گزینه برای فعالیت محرمانه و ارتباط امام (علیه السلام) و پیروانش باشند و با استفاده از آموزه ها و تعالیم معصومان (علیهم السلام) برای خروج

ص: 78

1- اسوره احقاف، آیه 13. إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

از بحران، نهایت تلاش خویش را انجام دهند و با شناخت وظیفه خویش و موقعیت سنجی در حفاظت از اسلام و تشیع و مدیریت صحیح و انجام اقداماتی شایسته، خطرات احتمالی را کاهش دادند. مدیریت بحران بانوان شیعه در این بخش در دو حیطه ی هجرت و آماده سازی برای عصر غیبت، بررسی می شود.

1/الف) هجرت

هجرت در راه خدا و خشنودی او حفظ ایمان و به عنوان یکی از مؤلفه های اساسی فرهنگ سیاسی تشیع همواره در اندیشه ی علمای بزرگ شیعه قابل ردیابی بوده است. در منطق اسلامی هجرت اصلی هم طراز با اصل جهاد است و آثار و نتایج حاصل از آن در خدمت تحقق اهداف و آرمانه ای اسلام قرار می گیرد. گاه هجرتی بسان هجرت امام رضا (علیه السلام) از مدینه به مروزمینه ساز ظهور، عامل پیشرفت و تحول و تمدن ساز است. یکی از رویکردهای مواجهه با مسائل سیاسی و اجتماعی هجرت و پراکندگی حضور شیعیان در بلاد مختلف اسلامی بود.

در دوره ابناء الرضا (علیهم السلام) عباسیان جدیدی برای جلوگیری از ولادت امام مهدی (عج الله فرجه) داشتند به طور مداوم خانواده معصومان (علیهم السلام) را زیر نظر داشتند و بدین سبب بود که بانوان این حضرات نظیر بانو سمانه مغربیه و حُدَیث در مسیر عراق و حجاز در رفت و آمد بودند تا این که در سامرا در جوار حرمین عسکرین (علیهم السلام) آرام گرفتند. (1)

در روزگار امام یازدهم (علیه السلام) لازم بود برای حفظ جان امام آخر (عج الله فرجه) و دوری از خطر قتل وی، اقدامی عملی صورت پذیرد لذا لازم بود از افرادی که کمتر تحت نظر هستند و خطر کمتری آنان را تهدید می کند مدد گرفت و بانوان بهترین گزینه بودند. بنا بر روایات، امام حسن عسکری (علیه السلام) خبر شهادت خویش را به مادر داد. او با درک شرایط موجود و

ص: 79

1- حسون، محمد و مشکور، ام علی، اعلام النساء المؤمنات، ص 448؛ محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج 3، ص 23

وصیّ قرار دادن مادر خود، آخرین وصیّ الهی را به مادر سپرد و صاحب الزمان (عج الله تعالی) را به همراه ایشان از سامرا خارج کرد و به مکه فرستاد. در واقع امام (علیه السلام) با این کار شرایط را برای جلوگیری از آسیب های احتمالی از سوی خلفا و استمرار ولایت فراهم نمود. بانو حُدیث در سال 259 ق همراه مهدی (عج الله فرجه) به سوی مکه حرکت کرد. امام (علیه السلام) ابوعلی احمد بن مطهر را نیز، به عنوان متولّی، همراه آنان اعزام نمود و در نهایت کاروان حج به سلامت به مکه رسید. (1)

بانو حُدیث پس از برگزاری مناسک (حج به مدینه رفت و حضرت حجت (عج الله فرجه) را در آنجا مخفی کرد. گواه این مطلب روایتی است که بر پایه آن امام یازدهم (علیه السلام) در پاسخ به سؤال ابوهاشم جعفری درباره جانشینش، مدینه را محل اختفای صاحب الزمان (عج الله فرجه) ذکر می کند. آن امام (علیه السلام) هیچ گاه آشکارا برای خود جانشین معرفی نکرد؛ زیرا خطری را که در صورت اقامت فرزندش در عراق با آن مواجه بود، به خوبی تشخیص داده بود.

از مطالب مذکور چند مسئله به نظر می رسد:

1. مدینه پایگاه مهم شیعه بود و شیعیان و محبان اهل بیت (علیهم السلام) در آنجا حضور داشتند.
2. مدینه مکانی امن برای فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام) بوده است.
3. بانو حُدیث نیز شبیه امام (علیه السلام) در سامرا از نظارت و کنترل مستقیم عباسیان مصون نبوده و همین موجب هجرت ایشان شده است.
4. سرپرستی حضرت حجت (عج الله فرجه) از فداکاری و همکاری این بانو با امام معصوم (علیه السلام) در شرایط بحرانی حکایت می کند و بر این نکته تأکید دارد که او تنها فرد

ص: 80

شایسته برای انجام مسئولیت خطیر حفظ جان امام زمان (عج الله فرجه) و جلوگیری از خطرات احتمالی بوده است.

5. امام عسکری (علیه السلام) از روی تقیّه بانو حُدَیث را وصیّ خویش قرار داد تا فشار برای یافتن امام بعدی کاهش یابد.

6. با توجه به اینکه سازمان وکالت ائمه (علیهم السلام) در مناطق مختلف اسلامی فعال بود و وکلا پل ارتباطی شیعیان با امام معصوم (علیه السلام) بودند، احتمال اینکه بانو حُدَیث، یکی از وکلای امام عسکری (علیه السلام) در مدینه باشد، زیاد است.

7. از آنجا که امامین عسکریین (علیهم السلام) اجباراً به سامرا فراخوانده شدند و تا پایان عمر در آنجا تحت کنترل و نظارت شدید قرار داشتند، نتوانستند در سامرا فعالیت اقتصادی داشته باشند. از طرفی مدینه شهر خاندان پیامبر (صلی الله علیه) و یکی از منابع درآمد اقتصادی آنان محسوب می شده است بنابراین احتمال دارد یکی از علت های فرستادن بانو حُدَیث به مدینه، کنترل مسائل اقتصادی و دریافت وجوهات شرعی بوده باشد.

2/الف) آماده سازی برای عصر غیبت

غیبت، غایب شدن، ناپیدا و پنهان شدن از دیدگان است. غایب یا غائب ص.فا. دور از نظر، به فردی اطلاق می شود که حاضر نیست. امام عصر (عج الله فرجه) دو غیبت دارد که یکی از دیگری کوتاهتر است. (1) در واقع غیبت صغری، مخفیانه زیستن امام آخر (عج الله فرجه) از دیدگان در مدت کوتاه است که از شهادت امام عسکری (علیه السلام) در سال 260 ق آغاز شده و تا سال 329 ق با شروع غیبت کبری خاتمه می یابد.

ص: 81

1- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج 2، ص 633؛ عمید، حسن، فرهنگ لغت، ص 879

روایات بسیار درباره غیبت و بهره‌گیری از اندیشه مهدویت توسط فرقه‌های کیسانیه، زیدیه و عباسیان بیانگر استمرار جریان مهدویت و بیگانه نبودن این اندیشه در زمانه امام عسکری (علیه السلام) است. (1) احادیث متعدد از رسول خدا (صلی الله علیه و اله) مبنی بر جانشینان دوازده‌گانه و تحقق یافتن مصادیق آن؛ همچنین روایات مبنی بر تحقق حاکمیت عدل جهانی توسط جانشین دوازدهم موجب اعمال استراتژی جلوگیری از هر تولدی در خانه امام عسکری (علیه السلام) از سوی دشمن شد، که با نظارت دقیق بر بانوان و کنیزان درباری صورت می‌گرفت.

غیبت غیر منتظره امام (علیه السلام) می‌توانست تبعات بسیار نامطلوبی بر اعتقادات شیعیان و گمراهی آنان داشته باشد. از این روی با نزدیک شدن به زمان غیبت، نیاز به بسترسازی برای این مسئله سرنوشت ساز بیشتر احساس می‌شد. تجربه تاریخ انبیاء و سیره معصومان (علیهم السلام) که در جهت سنت‌های الهی است هم بی‌وقفه بدین وجه بوده که هرگاه مسئله بحرانی و باارزشی در انتظار جامعه بوده، از مدت‌ها قبل پیش زمینه ذهنی و عملی اینگونه تحولات در افکار نسل‌های متوالی فراهم می‌شده است تا حجت بر شده است تا حجت بر همگان تمام باشد. بی‌شک مسئله غیبت پیشوای دوازدهم (عج الله فرجه) از این گونه وقایع تاریخ بشر و یکی از مهم‌ترین آنهاست.

ص: 82

1- احادیث بسیاری درباره غیبت و قیام مهدی (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) در دسترس عموم مسلمانان بود، که حاکی از آن است که مسئله از دید هیچ معصومی دور نمانده و تمامی آن حضرات بر آن تأکید داشته‌اند. صرف نظر از روایات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از هر امامی احادیثی در مورد جنبه‌های گوناگون مسئله غیبت و مهدویت و ... وارد شده است که در مجموع بیش از ششصد حدیث می‌شود، که نشان از ارزش مهدویت در مباحث روایی و دینی شیعه است؛ چراکه پس از رحلت هر امامی و یا حتی در حال حیات ایشان، توهم مهدویت اوج می‌گرفت. سر بحث‌هایی که درباره فرق شیعه توسط اشعری و نوبختی مطرح شده علامت این است که مهدویت مهم‌ترین علت انشعاب‌های شیعی بوده که به غلط از سوی برخی از اصحاب معصومان (علیهم السلام) عنوان می‌شده است.

با شروع دوران غیبت صغری، مسئله امامت بین شیعیان موجب نزاع شد و مدعیان امامت زیاد شدند؛ در صورتی که هیچ یک از آنان، جز وراثت و وصایت دلیلی بر اثبات مدّعی خود و مخالفت با دیگران نداشت اشعری از فرقه های مختلف پس از شهادت امام عسکری (علیه السلام) از جمله فرقه امامیه سخن گفته است نوبختی مدعی است که بعد از امام یازدهم (علیه السلام) شیعیان به چهارده فرقه تقسیم شدند. فرقه های واقفیه، محمدیه، نفیسیه، از جمله فرقه های شیعی مدعی دروغین امامت بودند. جعفر بن علی ملقب به کذاب نیز از مدعیان سرسخت امامت، پس از برادرش، امام حسن عسکری (علیه السلام) محسوب می شود. شیخ مفید درباره او می گوید جعفر آدمی فاسق، بدکار، شراب خوار و از همه مردان بدتر و بی آبروتر و کم عقل تر بود. او پس از شهادت امام عسکری (علیه السلام) در حبس کنیزان ایشان نقش داشت و یاران امام را دشنام می داد و از آنان بدگویی می کرد؛ زیرا آنان انتظار دیدار فرزند امام (علیه السلام) را داشتند و اظهار میکردند ما یقین داریم به وجود چنین فرزندی که امام است. (1)

در برخی گزارش های تاریخی آمده که ادّعی امامت جعفر، پس از وفات برادرش محمد بوده است. برخی منابع نیز نقل کرده اند وی مدّعی بود پس از برادرش حسن عسکری (علیه السلام) او امام است. بعضی دیگر هم معتقدند ادّعی امامت جعفر پس از پدرش علی بن محمد (علیه السلام) است. پس از شهادت امام یازدهم شیعیان (علیه السلام) جعفر کذاب به دلیل ادّعی امامت و وراثت درخواست کرد بر بدن ایشان نماز بخواند. همچنین از عبیدالله بن یحیی بن خاقان تقاضا کرد حکومت عباسی مقام امامت و تصاحب اموال را برای وی به

ص: 83

1- اشعری، سعد بن عبد الله المقالات و الفرق، ص 123. نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، ص 96. شیخ مفید، ارشاد، 658

رسمیت بشناسد؛ با آنکه امامان (علیهم السلام) بارها تأکید کرده بودند که با وجود مادر، برادر ارث نمی برد. (1)

در مقابل ادعاهای دروغین جعفر، بانوان شیعه خاموش نماندند و با روشنگری به تکذیب آن پرداختند. به عنوان نمونه بانو حُدیث ادعای تصاحب اموال وی را رد کرد. بی شک حکیمه خاتون در این راه بانو را یاری رسانده است؛ اما گزارش روشنی از این همکاری ذکر نشده است.

میراث امام عسکری (علیه السلام) پس از هفت سال میان جعفر و مادر یا خواهر امام (علیه السلام) تقسیم شد. بانو حُدیث و حکیمه خاتون در یک طرف و جعفر کذاب و علیّه (عایشه) خواهرش در سوی دیگر این تقسیم ارث بودند. اینکه خواهر امام (علیه السلام) وارث او بود، فقط در کتب اهل تسنن نقل شده است. ظاهراً با وجود مقاومت این مُخدره ها و تنویر افکار مسلمانان، دستگاه حاکمه به نفع جعفر حکم صادر کرده است.

گزارش های تاریخی فوق، موارد ذیل به دست می آید:

1_ شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) و وقوع غیبت امام آخر (عج الله فرجه) موجب گستاخی رهبران فرقه های انحرافی برای تصاحب مقام امامت شده بود.

2_ در آغاز عصر غیبت تشویش، اضطراب، تحیر و تردید در جامعه افزایش یافته بود و اقدامات جعفر به عنوان یکی از بستگان نزدیک امام یازدهم (علیه السلام) آن را تشدید کرد.

ص: 84

1- شیخ طوسی، الغیبه، ص 106. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص 373_375؛ شیخ مفید، ارشاد، ص 319 و 321

3_ علوی بودن و نسبت خانوادگی فرد لزوماً دلیلی بر شیعه اثناعشری بودن او نیست.

عده ای از علویان در سامرا می زیستند که پیرو ولایت نبودند و گاه در صدد دشمنی و سودجویی و بر می آمدند و به زیان امامیه گام بر می داشتند.

4_ دو مسئله حبّ جاه و مقام پرستی و غیبت امام زمان (عج الله فرجه) موجب طمع افراد سودجو، به خصوص جعفر برادر امام حسن عسکری (علیه السلام) شد.

5_ رجوع جعفر کذاب به حاکم عباسی نشانه ناآگاهی وی از احکام شرعی و نیازمندی اش به دیگران است و همین ضعف، عدم استحقاق وی برای مقام امامت را می رساند.

6_ دستگاه خلافت، به منظور تفرقه انداختن بین شیعیان، برای رسیدن به اهدافش به جعفر _ که خطر چندانی برای حکومت نداشت _ یاری رساند تا ذهن برخی از شیعیان را که در جست و جوی امام واقعی بودند، منحرف سازد.

7_ گرچه غیر از اقدام بانو حُدیث، گزارش واضحی از اقدامات بانوان شیعه ذکر نشده است، همراهی آنان با بانو محتمل است.

(ب) وصایت و محافظت از اسرار امامت

وصایت به دو معناست یکی به معنای جانشینی و دیگری پیرامون وصیت متوفی است. منظور از وصایت در اینجا به معنای وصیت یا سفارش موصی جهت تقسیم اموال و یا انجام بعضی از امور به فرد دیگری است و هر امامی به امام پس از خود وصیت می کرد، گاه این امر به دلیل شرایط سخت سیاسی و به خطر افتادن جان امام بعدی با تقیه همراه بود و امام بالاجبار مستقیماً وصی خویش را اعلام نمی نمود که در مورد امام صادق (علیه السلام) و امام کاظم (علیه السلام) و امام حسن عسکری (علیه السلام) گزارش های تاریخی در مورد انتخاب وصی موجود است. مسعودی می نویسد: امام صادق (علیه السلام) برای حفظ جان جانشین خود از

دست حکومت، چند وصی انتخاب کردند که یکی از آنان فاطمه دختر امام است. امام کاظم (علیه السلام) در وصیت نامه خویش اعلام می دارد: این وصیت درباره اموال و دارایی و کودکان پس از من است و ابراهیم و عباس و احمد و امّ احمد و.... مسئول اجرای آن خواهند بود. (1)

در عهد امام حسن عسکری (علیه السلام) نیز بانو حُدیث وصی بود، در منابع شیعه، ادعای ایشان در مورد وصیت امام حسن عسکری (علیه السلام) نزد قاضی مطرح و اثبات می شود. (2) شیخ مفید می نویسد: "وصیت پیشوای یازدهم (علیه السلام) که مشهور است به مادرش نموده، در امور وقفی و صدقات و امضای آن بر اساس شرایط (موجود) است و در وصیت ایشان نامی از فرزند منتظر او برده نشده است". (3) بر اساس دلایل شیخ مفید در الارشاد، شیعیان در مورد موضوع وصایت بانو حُدیث امام حسن عسکری (علیه السلام) برای حفظ جان امام آخر (عج الله فرجه) به سیره امام حسین (علیه السلام) عمل می کنند که حضرت زینب (سلام الله علیها) را به سبب (علیه السلام) در ظاهر امروص - ظاهر امروصی خویش قرار داد در این زمینه حفظ جان پیشوای چهارم (علیه السلام) در ظاهر امر وصی خویش قرار داد. در این زمینه مشهورترین نمونه مادر امام عسکری (علیه السلام) است که نایب فرزند خود بود و تولیت اموال وی و وظیفه ارشاد و هدایت مردم را بر عهده داشت. وی را همانند زینب (سلام الله علیها) برای سه پیشوای معصوم آخر (علیهم السلام) دانسته اند. در واقع وصی امام در امام در باطن فرزندی است که مخفی است لکن در ظاهر امام نمی شد بگوید وصی من اوست. لذا در ظاهر وصی خودش را این زن با جلالت قرار داده است. از ایشان در متون شیعی با عنوان وکیل و نماینده حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه) هم یاد شده است. دلیل این امر ضرورت اختفای امام و نا آشکار کردن ولادت آن حضرت از دید دشمنان بود. به استناد اخبار وقتی جعفر ادعای

ص: 86

1- مسعودی، اثبات الوصیه، ص 163، شیخ صدوق. کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص 33
2- کلینی، اصول کافی، ج 1، ص 504 و 505؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص 43 و شیخ طوسی، الغیبه، ص 75 و

وصایت و وراثت امام عسکری (علیه السلام) را کرد؛ جدّه خطاب به او گفت: "من وصی پسر من حسن بن علی هستم و به عنوان وارث، می خواهم حقم را بگیرم."

"نکته مهم و جالب این است که با وجود حکیمه که علوی بود، حدیث به عنوان وصی حضرت انتخاب می شود. ممکن است در اینجا بحث طبقات ارث مطرح شود که به یقین در بخش اموال خصوصی حضرت این طبقه بندی مورد نظر است نه موقوفات و صدقات."

تلاش بی وقفه حکومت عباسی در کنترل ابناء الرضا (علیهم السلام) به گونه ای بود که برای کنترل شدید و دقیق تر، امام هادی (علیه السلام) را به سامرا تبعید کردند. امام دهم (علیه السلام) خانواده شان به دستور متوکل خلیفه عباسی، به سامرا احضار شدند لذا امام حسن عسکری (علیه السلام) از دوران کودکی در شهر سامرا می زیستند. شهری که با حضور تعدادی بالغ بر هفتاد تا نود هزار سرباز و غلام ترک، که توسط معتصم به آنجا آمده بودند، آباد گردید و به شهری نظامی شباهت یافت و به عسکر مشهور شد. (1)

حفظ اسرار در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام) از مهم ترین وظایف بانوان راوی محسوب می شد چه اینکه خطر قتل این بزرگواران را بیشتر احساس می کردند و کوتاه بودن مدت امامت این سه امام (علیهم السلام) دلیل محکمی بر کنترل شدید آنان و قصد شوم حاکمان بر حذف فیزیکی خاندان اهل بیت (علیهم السلام) می باشد. نظارت و جست و جوی شدید برای یافتن فرزند امام عسکری (علیه السلام) موجب کتمان و پنهان کاری نزدیکان امام در خصوص وجود حضرت مهدی (عج الله فرجه) شد. البته امام (علیه السلام) اشخاصی را از وادت باخبر نمودند تا جامعه آینده را از سرگردانی نجات دهند. به نظر می رسد بانوان به دلیل هم جنس بودن با مادر نوزاد، بهترین افراد برای ایفای نقش شاهد تولد باشند و بیان حقیقت ولادت

ص: 87

1- کلینی، اصول کافی، ج 1، ص 504 حموی بغدادی، یاقوت، معجم البلدان، ص 175. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص 56، مهدوی اصفهانی، مصلح الدین، تاریخچه شهر سامرا و زندگی عسکرین، ص 18

امام زمان (عج الله فرجه) از زبان ایشان که یا در زمره خویشاوندان یا کنیزان بیت امام (علیه السلام) بودند از سوی شیعیان قابل پذیرش تر می نمود.

بانوان راوی میلاد امام آخر (عج الله فرجه) نظیر کنیز علی خیزرانی هدیه شده به امام عسکری (علیه السلام) و نیز غزال و قابله ای که بنا بر درخواست امام عسکری (علیه السلام) در کنار مادر پیشوای دوازدهم (عج الله فرجه) قرار گرفت حافظان امامت شدند. (1) این بانوان با وجود اطلاع از ولادت امام، فضای سیاسی زمان خویش را مدیریت کردند و با مخفی نگه داشتن تولد ایشان، به حفظ جان ولیّ خدا پرداختند و با اطلاع رسانی از میلاد ایشان پس از شهادت امام عسکری (علیه السلام) خدمت بزرگی به شیعیان کردند.

همچنین احادیث گوناگونی از حکیمه خاتون درباره میلاد حضرت حجت (عج الله فرجه) وجود دارد که محتوای آنها از بعضی جهات به هم نزدیک است. برخی از آنها مختصرند و به جهت مصالحی جزئیاتشان ذکر نشده است؛ همچنین امام یازدهم (علیه السلام) ولادت فرزندش را با نوشتن نامه ای به مادر خود اطلاع داد. نوشتن نامه حاکی از عدم حضور بانو حُدیث در جریان ولادت است. در بعضی از روایات، بانو حکیمه تصریح دارد که امام هر آنچه اتفاق می افتد، از قبیل پاسخ به پرسش ها را از قبل به من می فرماید. وی شیعیان را در یافتن پاسخ برای سؤالاتشان درباره تولد امام زمان (عج الله فرجه) به بانو حُدیث ارجاع می داد.

شیخ صدوق در بیان اهمیت جایگاه حُدیث و حکیمه می گوید آنان واسطه بین امام و امت بودند و شایستگی حفظ اسرار امامت و وصیت را داشتند.

با توجه به گزارش های فوق، چند مطلب به نظر می رسد:

ص: 88

1- در کتاب یوم الخلاص نویسنده این بانورا ناصبی شمرده ولی از متن گزارش شیخ طوسی چنین برداشت نمی شود و متن دال بر اعتراف بانو بر ارزش و اعتبار اهل بیت (ع) دارد، شاید مذهبش پوشیده باشد ولی علاقمندی به خاندان اهل بیت در وی قطعی به نظر می رسد

1. مردان و زنان شیعه برای پرسش و پاسخ نزد بانوان راوی می‌رفتند و این نشان دهنده حضور فعال زنان در جامعه ی دوره امام عسکری (علیه السلام) و نگاه مثبت جامعه شیعی به آنها است.
 2. پرسش از این بانوان رتبه علمی و حضور آنان در مجامع فرهنگی را ثابت می‌کند و نشان می‌دهد آنها از علمای زمانه خویش محسوب می‌شدند.
 3. ظاهراً همه راویان در یک رتبه و مقام نبوده‌اند؛ زیرا برخی از آنها پاسخ به برخی سؤالات اساسی و مهم را به مرتبه بالاتر از خود ارجاع می‌دادند.
 4. حکیمه خاتون با ارجاع به همسر برادرش، بانو حَـدِیْث، بر این تأکید می‌کرد که کنیز یا آزاده بودن و حَسَب و نَسَب ملاک شرافت نیست.
 5. در گزارش‌ها نامی از بانو حَـدِیْث به عنوان شاهد ولادت ذکر نشده است زیرا در زمان ولادت امام آخر، ایشان، در سامرا حضور نداشتند و امام حسن عسکری (علیه السلام) ایشان را با نوشتن نامه مطلع می‌کنند.
- خادمه‌های معصومان (علیهم السلام) نیز در حفظ اسرار داخلی بیت وی موفق بودند. به عنوان نمونه نسیم و ماریه از شاهدان عینی ولادت امام آخر بودند، برای حفظ جان ایشان آن واقعه مهم را مخفی کردند، صقیل نیز هنگام شهادت امام عسکری (علیه السلام) دو اقدام مهم انجام داد:
1. در همان شب شهادت، امام (علیه السلام) نامه‌های زیادی برای اهل مدینه نگاشته بود و در آن هنگام صقیل نیز نزد آن حضرت حاضر بوده است.
 2. صقیل برای حفظ اسرار بیت امام (علیه السلام) کاهش آزار و اذیت کنیزان و منحرف شدن دستگاه حاکم با فداکاری ادعای بارداری نمود. او را به خانه معتمد عبّاسی بردند. زنان خادم معتمد عباسی و زنان قاضی ابن ابی الشّوارب متعهد شدند که در همه حال وی را تحت مراقبت قرار دهند. این مراقبت ادامه داشت تا آنکه

يعقوب ليث صفار خروج کرد و عبيدالله بن يحيى بن خاقان به مرگ ناگهانی درگذشت و صاحب الزنج در بصره شورش کرد. این اتفاقات آنان را از توجه به صقیل بازداشت.

در دوران کوتاه ابناء الرضا (عليهم السلام) عرصه های حضور فعال زنان در عرصه دفاع از حيم اهل بيت (عليهم السلام) و مقابله با مدعيان امامت، کج اندیشان و بدعت گذاران و حفظ جان شيعيان با کمک استراتژی بقيه بود.

نتیجه گیری از مباحث مطرح شده

روایاتی که امروزه در اختیار ما قرار دارد، مدیون نقش روایتگری راویان حدیث است که با سعی و کوشش بسیار در حفظ آن کوشیدند و نقش بانوان، به عنوان بخشی از این راویان، در حفظ احادیث معصومان (عليهم السلام) حائز اهمیت است. جامعه شیعی برای پایایی و پویایی به بانوان به عنوان بخشی از نظام اجتماعی نیاز دارد. تاریخ تصدیق می کند آنگاه که بانوان در جایگاه مناسب خویش قرار گرفتند با خود باوری و تدبیر خود توانستند سفیران و مریبان نمونه ای برای جامعه باشند که حکیمه خاتون و بانو حُدیث فاطمه زهرا (سلام الله علیه) از این دسته زنان عالم، مجاهد و مقاومی هستند که از سرچشمه ناب اسلام نوشیدند و این مهم را در میان مردم گسترانیدند.

واکاوی در سبک زندگی ائمه (عليهم السلام) نشان می دهد واگذاری نقشهای مختلف در عرصه های فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و گسترش تشیع ویژه اصحاب مرد امام نبوده است و در مواردی ابناء الرضا (عليهم السلام) وظایفی را به عهده بانوان شیعه نیز قرار داده اند. به دلیل استبداد دستگاه خلافت عباسی و تحت نظر بودن ابناء الرضا (عليهم السلام) بویژه عسکریین (عليهما السلام) در سامرا، اغلب فعالیت ها توسط اصحاب ایشان و بخشی از آن توسط بانوان انجام می گرفت. در زمانی که بانوان درباری در پی کسب قدرت و ثروت اندوزی بودند،

بانوان شیعه و نزدیکان ائمه (علیه السلام) در پی محکم کردن اعتقادات شیعه و حفظ کیان اسلام بودند. آنان با دقت، بصیرت و اطاعت پذیری و با بهره بردن از گفتار و رفتار معصوم (علیه السلام) و تعلیم و ترویج آن میان شیعیان همچنین با هجرت، حفظ اسرار امامت و پاسخگویی به

شبهات دوره غیبت و تبیین جایگاه امام بین شیعیان، گام مؤثری در پیشبرد اهداف شیعه و مکتب امامیه برداشتند.

بانوان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام) با توجه به مختلف بودن اقوام و ادیان گوناگون با همزیستی مسالمت آمیز و ایجاد پل ارتباطی بین امام و شیعیان در جامعه تلاش می کردند در راستای اهداف امامت حرکت کنند. فهرست زنان راوی شیعه و مسئولیت هایی که ائمه (علیهم السلام) به آنان واگذار می نمودند و سهمی که در مقابله با بدعت ها و انحرافات روزگار خود داشتند، نشان می دهد که این گونه از زنان در پرتو کسب علم و معرفت از جانب اهل بیت (علیهم السلام) و ولایت پذیری و حضوری فعال در صحنه های مختلف داشتند.

مدیریت و راهبری معصومان (علیهم السلام) و نحوه تعاملات آنها بیانگر نگرش راهبردی ایشان برای ارائه الگویی از بانوان به جامعه اسلامی است که از مهارت و توانمندی و بصیرت برای تعالی خود و جامعه برخوردارند.

از گزارش ها و روایات به جای مانده، میزان اعتماد و اطمینان ابناء الرضا (علیهم السلام) به این مُخَدَّرات را می توان دریافت، علیرغم اینکه آن بزرگواران و کلایی در شهرهای دیگر داشتند اما به عنوان نمونه بانو حُدَیث نماینده امام در مدینه شد. مهمترین نقش کاهنده آزار دستگاه حاکمه را بانوان شیعه به عنوان یاران مخفی امام ایفا میکردند؛ زیرا این امکان برای ایشان فراهم بود که در میان مردم رفت و آمد و به امور شیعیان رسیدگی کنند و مسائل فقهی و عبادی آنها را به عنوان مرجع شیعه حل نمایند. و به دلیل شرایط خاص ائمه (علیهم السلام) نظارت مستقیم خلفا، نوع روایت راویان زن پیرامون آماده سازی و رفع شبهات عصر غیبت

بوده است. رفع تحریّر از جامعه شیعی برای یافتن امام واقعی (علیه السلام) توسط این بانوان ستودنی است.

زن در جامعه امروزی هم از لحاظ شناختی و هم از لحاظ منزلت اجتماعی در یک جایگاه ارزشمند تاریخی قرار دارد. حضور بانوان راوی شیعه در جامعه و بصیرت سیاسی ایشان می تواند به عنوان شکل های مختلف مبارزاتی زنان و الگویی تاریخی برای نوع حضور بانوی امروزی در جامعه و به عبارتی مقاومت اسلامی محسوب گردد. حضوری که نه تنها هیچ گزندی را بر پیکره خانواده و جامعه اسلامی نمیزند بلکه باعث پیشرفت اهداف امام و جامعه شیعی می شود. میتوان گفت قابلیت ها و اقدامات بانوان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام) به عنوان الگوی دین شناختی برای زنان در جامعه کنونی و چشم انداز جامعه آینده اسلامی قابل تسری است.

در آخر با توجه به مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است، برای پژوهشگران و سایر علاقه مندان، حوزه های مطالعاتی زیر برای انجام تحقیقات بیشتر پیشنهاد می گردد:

- واکاوی شرایط و حضور اجتماعی بانوان مسلمان در دوره امام باقر (علیه السلام).
- باز شناسی نقش بانوان راوی در عصر معصومان (علیهم السلام) و هویت بخشی تشیع.
- اثر چالش های فراروی ابناء الرضا (علیهم السلام) در بسط اهداف امامت ایشان.
- استراتژی اقتصادی فکری فرهنگی بانوان شیعه در عصر معصومان (علیهم السلام).
- باز شناخت عملکرد بانوان شیعه در عصر معصومان (علیهم السلام) در برون رفت از چالش های فرارو.
- باز شناخت نقش مرجعیت علمی و فقهی بانوان در پاسخگویی شیعیان از عصر امام صادق (علیه السلام) تا عصر غیبت.
- تطبیق عملکرد بانوان درباری و غیر درباری در عصر معصومان (علیهم السلام).

- باز شناخت نقش بانوان حامی ولایت عصر امام صادق (علیه السلام) تا عصر غیبت در پیشبرد جریان تشیع.

- باز شناخت و گونه شناسی عملکرد زنان تاثیر گذار در عصر علوی.

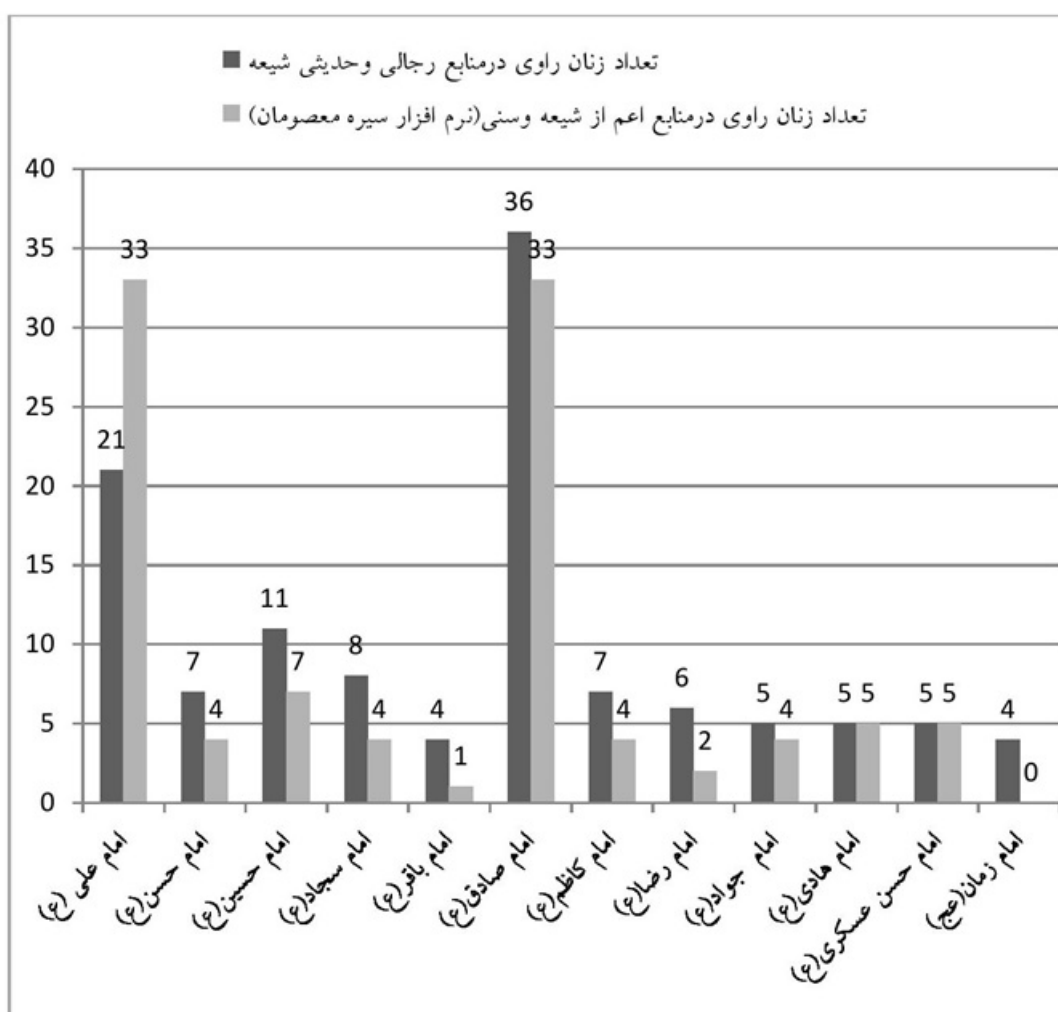
- باز شناخت و گونه شناسی عملکرد زنان تاثیر گذار شیعه در عصر امامت حسنین (علیهما السلام).

- باز شناخت و گونه شناسی عملکرد زنان تاثیر گذار شیعه در عصر صادقین (علیهما السلام).

ص: 93

۹۴ عملکرد زنان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا (ع) Error! No text of specified style in document. Error!
 No text of specified style in document.

جداول و نمایه ها^۱



نمودار تطبیق تعداد زنان راوی به تفکیک منابع رجالی و حدیثی شیعه در دوره معصومان (علیهم السلام)

نکته‌ای که در مورد جدول لازم است بیان شود اینکه در میان اسامی زنان راوی به نام‌هایی برمی‌خوریم که لزوماً شیعه نیستند؛ به عنوان نمونه عایشه راوی امام حسن (علیه‌السلام) معرفی شده است. برخی راویان نیز در اسناد احادیث وجود دارند که در کتب فهرست و رجال

^۱ جداول و نمایه ها مربوط به فصل دوم.

نمودار تطبیق تعداد زنان راوی به تفکیک منابع رجالی و حدیثی شیعه در دوره معصومان (علیهم السلام)

نکته ای که در مورد جدول لازم است بیان شود اینکه در میان اسامی زنان راوی به نام هایی برمی خوریم که لزوماً شیعه نیستند؛ به عنوان نمونه عایشه راوی امام حسن (علیه السلام) معرفی شده است برخی راویان نیز در اسناد احادیث وجود دارند که در کتب فهرست و رجال

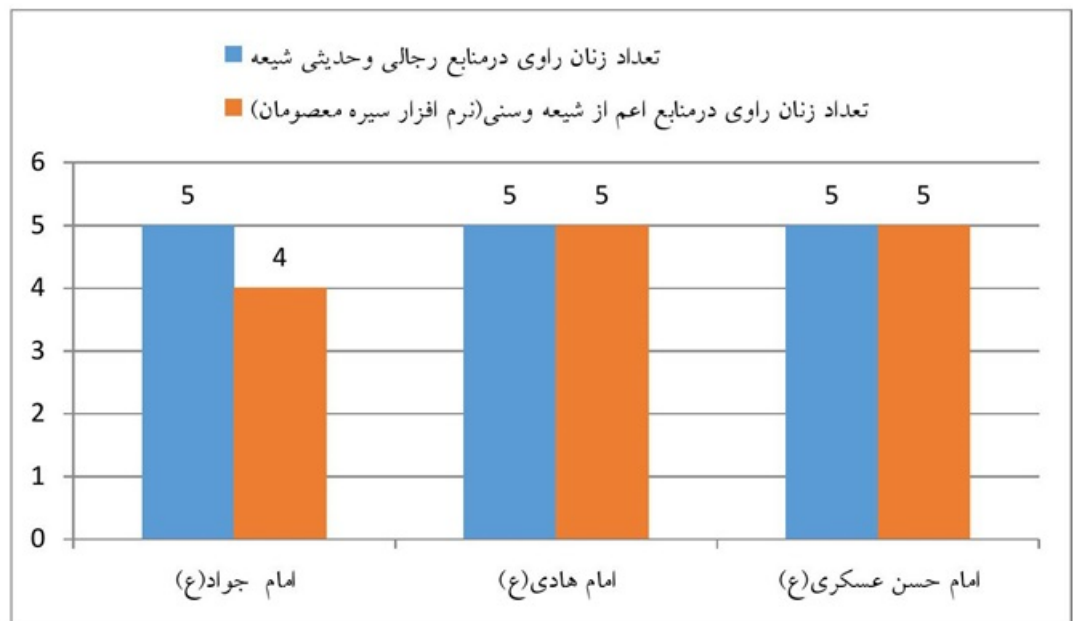
ص: 94

1- جداول و نمایه های مربوط به فصل دوم

نامی از آنها برده نمی شوند. به این بیان که برای آنان به صورت جداگانه عنوان وجود ندارد و در ذیل ترجمه سایر راویان یاد می شوند. پژوهش در منابع رجالی این نکته را قوی تر می کند که معمولاً صاحبان اثر یا راویان مستقیم از معصوم (علیه السلام) در عداد راویان ثبت شده اند. از این رو برای راویان شفاهی و غیر صاحب اثر، مدخلی در آن منابع وجود ندارد، لذا تعدادی از راویان هستند که با وجود نقل روایت شفاهی در منابع رجالی ذکری از آنان میان نیامده است.

نکته دیگر اینکه در بخش معرفی اصحاب و راویان نام هیچ راوی زن و مرد برای امام زمان (عج الله فرجه) ذکر نشده است. شاید به این دلیل باشد که ایشان ارتباط مستقیمی با عموم شیعیان نداشته اند. اما با توجه به متن توقیعات امام به شیعیان در عصر غیبت صغری، چند سال زندگی مخفیانه با مادر بزرگ گرامی شانوقایع لحظه ولادت، حضور و شهادت بانوانی همچون حکیمه خاتون و نسیم و ماریه، کنیزان امام حسن عسکری (علیه السلام) و جملاتی که از ایشان نقل قول کرده اند، می توان این برداشت را کرد که پیشوای دوازدهم (عج الله فرجه) راوی داشته اند. همچنین حکیمه خاتون و بانو حُدیث در عصر غیبت به سؤالات شیعیان پاسخ می دادند و به استفاده از خورشید پشت ابر استناد می کردند که در توقیعات امام مهدی (عج الله فرجه) به یکی از شیعیان نیز این مثال آورده شده است.

۹۶ عملکرد زنان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا (ع) Error! No text of specified style in document. Error!
No text of specified style in document.



نمودار تطبیقی تعداد زنان راوی به تفکیک منابع رجالی و حدیثی شیعه در دوره ابناء الرضا (علیهم السلام)

بررسی تعداد بانوان راوی در دوره ابناء الرضا (علیهم السلام) نشان می‌دهد که شرایط سیاسی اجتماعی در دوره این سه امام (علیهم السلام) برای زنان چندان تفاوت نکرده و تعداد بانوان راوی در این دوره از لحاظ کمیت و فراوانی همچنان کم بوده است. البته این موضوع نیازمند بررسی زیاد در حد یک تحقیق گسترده است اما علت این کاهش نسبت به دوره امیرمؤمنان و امام صادق (علیهما السلام) به چند موضوع از جمله تفاوت شرایط سیاسی متفاوت و داشتن آزادی‌های بیشتر خاندان اهل بیت (علیهم السلام) بازمی‌گردد. از عوامل دیگر آن ضعف علویان پس از قدرت‌گیری عباسیان و شکست قیام‌های ضد عباسی و شهادت امام رضا (علیه السلام) نیز می‌باشد.

در هر صورت علیرغم وضعیت نامناسب علویان و خاندان اهل بیت (علیه السلام) توجه به زنان در ترویج مکتب علوی و اجرای سیاستهای مورد نظر امامان (علیهم السلام) از میان نرفت و

نمودار تطبیقی تعداد زنان راوی به تفکیک منابع رجالی و حدیثی شیعه در دوره ابناء الرضا (علیهم السلام)

بررسی تعداد بانوان راوی در دوره ابناء الرضا (علیهم السلام) نشان می‌دهد که شرایط سیاسی اجتماعی در دوره این سه امام (علیهم السلام)

السلام) برای زنان چندان تفاوت نکرده و تعداد بانوان راوی در این دوره از لحاظ کمیت و فراوانی همچنان کم بوده است. البته این موضوع نیازمند بررسی زیاد در حد یک تحقیق گسترده است اما علت این کاهش نسبت به دوره امیرمؤمنان و امام صادق (علیهما السلام) به چند موضوع از جمله تفاوت شرایط سیاسی متفاوت و داشتن آزادی های بیشتر خاندان اهل بیت (علیهم السلام) باز می گردد. از عوامل دیگر آن ضعف علویان پس از قدرت گیری عباسیان و شکست قیام های ضد عباسی و شهادت امام رضا (علیه السلام) نیز می باشد.

در هر صورت علیرغم وضعیتی نامناسب علویان و خاندان اهل بیت (علیه السلام) توجه به زنان در ترویج مکتب علوی و اجرای سیاستهای مورد نظر امامان (علیهم السلام) از میان نرفت و

این بانوان با فداکاری و جهاد میراث بزرگ معصومان (علیهم السلام) را به نسلهای بعدی منتقل کردند.

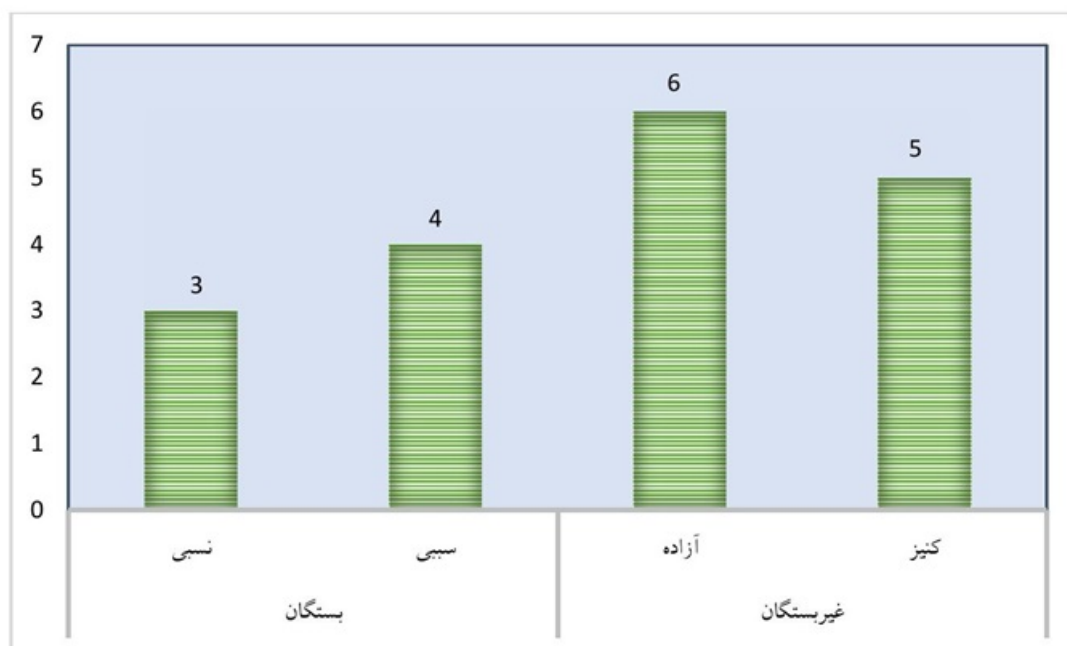
گونه شناسی بانوان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام)

فصل چهارم: گونه شناسی عملکرد اجتماعی و سیاسی زنان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام) ۹۷

این بانوان با فداکاری و جهاد میراث بزرگ معصومان (علیهم السلام) را به نسلهای بعدی منتقل کردند.

گونه شناسی بانوان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام)

۳ نفر	نسبی	بستگان	بانوان راوی
۴ نفر	سببی		
۶ نفر	آزاده	غیربستگان	
۵ نفر	کنیز		



نمودار گونه شناسی بانوان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام)

نمودار گونه شناسی بانوان راوی شیعه در عصر ابناء الرضا (علیهم السلام)

الف) کتب

1. قرآن کریم

2. نهج البلاغه

3. _____، اثبات الوصیه للإمام علی بن أبی طالب (علیه السلام)، (علیه السلام)، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلامیة 1362 ش.

4. _____، اختیار معرفه الرجال، به کوشش حسن مصطفوی، مشهد: بینا، 1348 ش.

5. _____، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: انتشارات کنگره شیخ مفید، سال 1413 ق.

6. _____، البلدان، لیدن: مطبعه بریل، 1982 م.

7. _____، التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی فرهنگی، 1365 ش.

8. _____، الغیبه للحجه، تحقیق عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح، چاپ اول، قم: دار المعارف الاسلامیه، 1411 ق.

9. _____، الفهرست، بیروت: دار المعرفه، 1393 ق.

10. _____، الکافی، چاپ اول، قم: دار الحدیث، 1429 ق.

11. _____، انسان 250 ساله، قم: موسسه صهباء، 1390 ش.

12. _____، تاج الموالد، بیروت: دار القار، 1422 ق.

13. _____، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، چاپ ششم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، 1371 ش.
14. _____، تهذیب الأحكام، تحقیق سیدحسن موسوی خراسان، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب العلمیه، 1307 ق.
15. _____، رجال طوسی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، چاپ چهارم، قم: انتشارات مؤسسه نشر اسلامی، سال 1428 ق.
16. _____، روضه کافی، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: انتشارات اسلامی، 1364 ش.
17. _____، فرق الشیعہ، ترجمه محمدجواد مشکور، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، 1361 ش.
18. _____، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، 1405 ق.
19. _____، کمال الدین و تمام النعمه، تهران: دار الکتب الاسلامیه (محمد آخوندی)، بی تا.
20. _____، مجموعه آثار استاد شهید مطهری (حماسه حسینی)، قم، صدرا، 1372 ش.
21. _____، مسند الامام الجواد (ع)، مشهد: انتشارات المؤتمر العالمي للامام الرضا (ع)، 1388 ق.
22. _____، مسند امام حسن عسکری (ع)، بیروت: دار الصفوه، 1413 ق.
23. _____، مقباس الهدایه فی علم الدرايه، تحقیق: محمدرضا مامقانی، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، 1411 ق.

24. ____، منتهى الآمال في تواريخ النبي و الآل، قم: دليل ما، 1379 ش.

25. ابراهيم زاده، عيسى، فلسفه تربيت، تهران: دانشگاه پیام نور، 1385 ش.

26. ابن ابى الثلج بغدادى، محمد بن احمد، تاريخ اهل البيت نقلا عن الائمة عليهم السلام، قم، آل البيت عليهم السلام، بى تا.

27. ابن اثير، عز الدين ابو الحسن على بن ابى الكرم، الكامل في التاريخ، بيروت: دار صادر، 1385 ش.

28. ابن خلدون عبد الرحمن بن محمد العبر، ترجمه عبد المحمد آيتى، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقيقات، فرهنگى، 1363 ش.

29. ابن خلكان شمس الدين احمد بن محمدوفيات الاعيان و انباء ابناء الزمان، به تحقيق احسان عباس، بيروت دار صادر، 1971-1972 م

30. ابن دريد الازدى، ابوبكر محمد بن الحسن، جمهره اللغة، تحقيق: رمزى منير بعلبكي، بيروت: دار العلم للملايين، 1987 م.

31. ابن شهر آشوب، محمد بن على، مناقب آل ابى طالب: نجف مطبعة الحيدريه، 1376 ق.

32. ابن طقطقا، محمد بن على، الفخرى فى الاداب السلطانيه والدول الاسلاميه، بيروت: دار صادر، 1386 ق.

33. ابن عبدالوهاب، حسين، عيون المعجزات، قم: مكتبه الدورى، بى تا.

34. ابن كثير اسماعيل بن عمر، البدايه و النهايه، بيروت: دار الفكر، 1404 ق.

35. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، چاپ سوم، بيروت: دار صادر، 1414 ق.

36. ابن نديم، محمد بن اسحاق، الفهرست، به كوشش محمد صادق بحر العلوم، نجف: كتابخانه مرتضويه، بى تا

37. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، بیروت: دار الکتب العلمیه، 1412 ق.
38. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، قم: رضی، 1421 ق.
39. اردبیلی غروی، محمد بن علی؛ جامع الرواه، بیروت: دار الاضواء، 1403 هـ ق / 1983 م.
40. اسکافی، محمد بن همام بن سهیل، منتخب الانوار فی تاریخ الائمه الاطهار علیهم السلام، قم: دلیل ما، 1368 ش.
41. اشعری قمی، سعد بن عبد الله، المقالات و الفرق، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، 1360 ش.
42. اشهب، منصور بن موسی کاظم، بحر الانساب الکبیر فی انساب العلویین، ت صحیح قیس آل قیس، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1385 ش.
43. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، نجف: منشورات المکتبه الحیدریه، 1385 ق.
44. اعلمی حائری، محمدحسین، تراجم اعلام النساء، چاپ اول، بیروت: مؤسسه اعلمی للمطبوعات، 1987 م / 1407 ق.
45. افروز، غلامعلی، روانشناسی و تربیت (کودکان و نوجوانان) تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان 1371 ش.
46. امین حسینی عاملی، سید ید محسن، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، 1421 ق.
47. بابازاده، علی اکبر، شیوه های تعلیم و تبلیغ، قم: انتشارات دانش و ادب، 1382 ش.

48. بحرانی، هاشم، مدینه المعاجز الاثمه الاثنی عشر ودلائل الحجج علی البشر، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، بی تا
49. برکات، جمال، فرهنگ اصطلاحات سیاسی، صادق آینه وند، فیروز حریرچی، تهران، مرکز فرهنگی، رجا، 1368 ش.
50. برقی، احمد بن خالد، علم رجال، قم، مؤسسه امام صادق(ع)، 1433ق.
51. بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، تحقیق مصطفی عبد القادر عطاء، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1417 ق.
52. بوطالب، محمد نجیب، مبارزات اجتماعی در دولت عباسی، ترجمه عبدالله ناصری طاهری، چاپ اول، تهران: نشر علم، 1389 ش.
53. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، 1377 ش.
54. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، فرهنگ شیعه، قم: زمزم هدایت، 1386 ش.
55. تستری، محمدتقی، قاموس الرجال، چاپ دوم، قم: انتشارات مؤسسه نشر اسلامی، 1411 ق.
56. توال، فرانسوا، ژئوپلتیک شیعه، ترجمه دکتر علیرضا قاسم آقا، تهران: آمن، 1379 ش.
57. توسلی، غلامعباس، نظریه های جامعه شناسی، تهران: انتشارات سمت، 1398 ش.
58. جاسم حسین، محمد، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف، ترجمه: سید محمدتقی آیت اللهی، تهران: امیر کبیر، 1385 ش.
59. جباری، محمدرضا، سازمان وکالت زمینه ها و عوامل تشکیل و گسترش سازمان وکالت، قم: مؤسسه امام خمینی، 1382 ش.
60. جزائری، سید نعمت الله، خصائص الزینیه، قم: نشر الشریف الرضی، 1418 ق.

61. جعفری، محمد تقی، فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، 1379 ش.
62. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (ع)، قم: انصاریان، 1381 ش.
63. جمشیدی، محمد حسین؛ مبانی و روش شناسی تبیین (با تأکید بر اندیشه سیاسی)، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، 1369 ش.
64. جمعی از محققین، فرهنگ نامه اصول فقه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، 1388 ش.
65. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، احمد بن عبدالغفور، بیروت: دار العلم للملایین، بی تا.
66. حرانی، ابن شعبه تحف العقول عن آل الرسول، تحقیق علی اکبر غفاری، الثانیه، قم: النشر الاسلامی، 1404 ق.
67. حرعاملی، محمد بن حسنوسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه، تحقیق مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، 1414 ق.
68. حسن ابراهیم، حسن، تلخیص از تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بدرقه جاویدان، 1389 ش.
69. حسون، محمد و مشکور، ام علی اعلام النساء المومنات، تهران: دارالاسوه للطباعه و النشر، 1338 ق.
70. حموی بغدادی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت: دارصادر، 1995
71. حیدری، محمد حسن، شکوه سامرا، مجموعه مقالات درباره امام هادی و امام عسکری علیه السلام، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، 1390 ش.

72. خرمشاهی، بهاء‌الدین و احمد حاج سیدجوادی و کامران فانی، دایره المعارف تشیع، ایران انتشارات شهید سعید محبی، 1379 ش.
73. خزعلی، ابوالقاسم، موسوعه الامام الجواد (ع) والامام الهادی، چاپ اول، قم: انتشارات مؤسسه ولی عصر، 1419 ق.
74. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، بیجا: نشر البلاغ، 1419 ق.
75. خضری، احمدرضا، تاریخ خلافت عباسی (از آغاز تا پایان آل بویه)، تهران: سمت 1378 ش.
76. خلیل بن احمد الفراهیدی، تحقیق: مخزومی، مهدی سامرائی، ابراهیم، آل عصفور، محسن، العین، قم، مؤسسه دارالهجره، 1409 ق.
77. خندان (الویری)، محسن، تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، 1374 ش.
78. خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث وتفصیل طبقات الرواه، چاپ چهارم، قم: مرکز نشر آثار شیعه، 1410، ق، 1369 ش.
79. دلشاد تهرانی، مصطفی، منظر مهر (مبانی تربیت در نهج البلاغه)، تهران: انتشارات دریا، 1385 ش.
80. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، ط الثانية، بیروت: دار الكتاب العربی، 1413 ق.
81. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، بیروت: دار العلم الدار الشامیه، 1412 ق.
82. راوندی، سعید بن هبه الله، الخرائج و الجرائح، قم مدرسه الامام المهدي (عج)، 1409 ق.

83. رخشاد، محمد حسین، در محضر حضرت آیت الله العظمی بهجت، قم: سماء، 1397 ش.
84. رضائیان، علی، اصول مدیریت. تهران: انتشارات سمت، 1395 ش.
85. الزبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیجا: دار الفکر، بیتا.
86. زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام، تهران: امیرکبیر، 1376 ش.
87. سیف، علی اکبر، روانشناسی تربیتی، تهران: دانشگاه پیام نور، 1391 ش.
88. شاکری، حسین تلخیص از موسوعه المصطفی و العتره، قم: نشر الهادی، 1416 ق.
89. شبلی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ساکت، محمد حسین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1381 ش.
90. شکوهی، غلامحسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، 1364 ش.
91. شهرستانی، محمد بن عبد الکریم، ملل و نحل، قم الشریف الرضی، 1364 ش.
92. شوشتری، نور الله بن شریف الدین، احقاق الحق و ازهاق الباطل، قم: مکتبه آیه الله المرعشی العامه، 1409 ق.
93. صادقی اردستانی، احمد، زنان دانشمند و راوی حدیث، قم: انتشارات تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، 1375 ش.
94. صدوق، محمد بن علی التوحید، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، 1398 ق.
95. صفار قمی، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی (ره)، 1404 ق.

96. صفری فروشانی، نعمت الله و معصومه اخلاقی، حیات اقتصادی امامان از صلح امام حسن تا آغاز غیبت صغری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، 1393 ش .
97. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، تهران کتابفروشی اسلامیة، 1377 ش.
98. طبری، عماد الدین حسن بن علی، مناقب الطاهرین، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، 1379 ش .
99. طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامه، قم: بعثت، 1413 ق.
100. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، 1375 ش.
101. طبسی حائری، محمدجواد، حیاة الامام العسکری علیه السلام، با خورشید سامرا، ترجمه عباس جلالی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، 1374 ش.
102. طقوش، محمد سهیل، دولت عباسیان، ترجمه حجت الله جودکی، چاپ پنجم، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ پنجم، 1389 ش.
103. طوسی، محمد بن حسن، الابواب (رجال الطوسی)، تحقیق جواد القیومی الاصفهانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، 1415 ق.
104. عطاردی قوچانی، عزیزالله، اخبار و آثار حضرت رضا (ع)، تهران: عطارد مرکز فرهنگی خراسان، 1388 ش.
105. عمید حسن، فرهنگ عمید، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ش 1379.
106. غروی نایینی، نهلہ محدثات شیعه، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، 1375 ش.

107. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت: دار الکتب العلمیه، 1415 ق / 1995 م.
108. فیومی، احمد، مصباح المنیر، قم دار الهجره، 1405 ق.
109. قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1371 ش.
110. قرشی، باقر شریف، تحلیلی از زندگی امام هادی (علیه السلام)، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد: آستان قدس رضوی، بی تا.
111. قزوینی، زکریا بن آدم، آثار البلاد و اخبار العباد، تهران: امیرکبیر، 1373 ش.
112. قزوینی، محمد کاظم، زندگانی حضرت زینب (س) (از ولادت تا شهادت)، ترجمه: محمد اسکندری، چاپ سوم، تهران: نشر مهر پاس شمیم، 1375 ش.
113. قمی حسن بن محمد بن حسن، تاریخ قم، تحقیق سید جلال الدین تهرانی، تهران: توس، 1361 ش.
114. قمی، شیخ عباس، الانوار البهیة، ترجمه محمد مهدی اشتهااردی، قم: نشر ناصر، 1380 ش.
115. قندوزی الحنفی، سلیمان بن شیخ ابراهیم، تحقیق سید علی جمال اشرف الحسینی، ینابیع الموده لذوی القربی، چاپ اول، بیجا: دار الأسوه للطباعه والنشر، 1416 ق.
116. قهپائی، عنایه الله مجمع الرجال، قم: اسماعیلیان، 1364 ش.
117. کافی، مجید، فرهنگ دینی مفاهیم، نظریه ها و راهکارها، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1392 ش.
118. کامل، سلیمان، یوم الخلاص فی ظل قائم المهدی، بیروت: دار الکتب لبنانی، 1399 ق.

119. كحاله، عمر، اعلام النساء في عالمي العرب، دمشق: الرساله، 1959 م.

120. كريمي نيا، محمد مهدي، همزيستي مسالمت آميز در اسلام و حقوق بين الملل، قم، انتشارات مؤسسه آموزشي- پژوهشي امام خميني، 1386 ش.

121. كشي، محمد بن عمر، رجال، مشهد: دانشگاه مشهد، 1348 ش.

122. كليني، محمد بن يعقوب، اصول كافي، ترجمه جواد مصطفوي، چاپ اول، تهران كتابفروشي علميه اسلاميه، 1369 ش.

123. گولد، جوليو، ل. كولب، ويليام، ترجمه: مصطفى از كيا و ديگران، فرهنگ علوم اجتماعي، تهران: چاپ گلشن، 1376 ش.

124. لوبون، گوستاو، تاريخ تمدن اسلام و عرب، ترجمه: فخرداعي گيلاني، سيد محمد تقى، تهران: افراسياب، 1380 ش.

125. مامقاني، عبد الله بن محمد محمد حسن، تنقيح المقال في علم الرجال، نجف: مطبعه المرتضويه، 1352 ق.

126. مجلسي، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، چاپ دوم، بيروت: مؤسسه الوفاء، 1403 ق.

127. محلاتي، ذبيح الله، رياحين الشريعه، در ترجمه دانشمندان بانوان شيعه، تهران: دار الكتب الاسلاميه، 1349 ش.

128. مسعودي، ابو الحسن علي بن الحسين، مروج الذهب و معادن الجوهر، قم: دار الهجره، 1362 ش.

129. مصطفوي، حسن، التحقيق في كلمات القرآن، چاپ اول، تهران: مؤسسه طلبا، 1374 ش.

130. مطهری، مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، تهران: انتشارات صدرا، 1378 ش.
131. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر، 1379 ش.
132. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات شیخ مفید، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید، 1413 ق.
133. مقدسی، عبد الله محمد بن احمد احسن التقا احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، 1361 ش.
134. مکی، محمد کاظم تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ترجمه محمد سپهری، تهران: انتشارات سمت، 1392 ش.
135. مهدوی اصفهانی، مصلح الدین، تاریخچه شهر سامرا و زندگی عسکریین، اصفهان: چاپخانه فردوسی، 1340 ش.
136. موسسه معارف اسلامی، معجم الأحادیث الإمام المهدی (عج)، قم: مسجد مقدس جمکران، 1428 ق.
137. میتز، آدام، الحضاره ی الاسلامیه ی فی القرن الرابع هجری، قاهره: مکتبه الخانجی، بی تا.
138. نجاشی، احمد بن علی، رجال، قم نشر اسلامی، 1407 ق.
139. نرم افزار سیره معصومان، موسسه تحقیقاتی نور.
140. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران: صدوق، 1397 ق.
141. نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعہ، بیروت: دار الاضواء، 1404 ق.
142. هاشمی شاهرودی، سید محمود، المعجم الفقہی لکتاب الشیخ الطوسی، قم: موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، 1383 ش.

143. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن واضح، تاریخ یعقوبی، بیروت: دارصار، بی تا.

144. یوسف بن حاتم شامی، جمال الدین، الدر النظیم فی مناقب الائمة اللہامیم، قم: جامعہ مدرسین، 1420 ق.

ب) مقالات

145. ابراهیم پور، حبیب، "تأثیر پذیری عملکرد وظیفه ای از اخلاق کاری (مورد مطالعه کارکنان دانشگاه محقق اردبیلی)"، مجله پژوهش های مدیریت عمومی، سال ششم، شماره نوزدهم.

سال سال ششم،

146. باقری، مصباح الهدی، "جنبه هایی از مدیریت بحران پیامبر اکرم (ص)"، مجله اندیشه صادق، ش 3 و 4، تابستان 1380 ش.

147. طیبی، ناهید، "باز شناخت نقشهای سیاسی - اجتماعی بانو حُدَیث"، همسر امام هادی (ع)، مجله علمی پژوهشی تاریخ اسلام، 1396 ش.

148. مهرجویی، زهرا، "زنان راوی حدیث عصر امام جواد (ع)"، مجموعه مقالات همایش امام جواد (ع)، ج 3، قم، 135 ش.

ص: 111

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

